



دوره‌ی یازدهم ● اردیبهشت ۱۳۸۹
شماره‌ی بی‌درین ۸۲ ● ۴۸ صفحه
۳۰۰۰ ریال ●
www.roshdmag.ir
ISSN: 1606-9226



رشد

امور فرهنگی

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش



● ما مقصریم
● آیا کوشش‌شناویی هستید؟
● پیدا و پنهان اردوها
● نقدی بر حرفه‌آموزی

ای که انکار کنی عالم درویشان را
توندانی که چه سودا و سرست ایشان را
سعدی

در هر سال، ۱۲ اردیبهشت بهانه‌ای است برای دور هم جمع شدن معلمان قدیمی و قدیمی‌تر با معلمان جوان و تازه‌نفس. شور جوانی و بختگی میان سالی درهم می‌آمیزد و مجلسی پر از صفا و صمیمیت و مهر و محبت به وجود می‌آورد تا خاطره‌ای بر خاطرات دیگر بیفزاید. شاگردان دیروز و معلمان جوان امروز، روز معلم را فرصتی برای نکوداست معلمان دیروز خودشان می‌دانند.

۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ در روسای علوند از توابع شهرستان ممسنی خال و هوای دیگری داشت. جای شما خالی!





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مجله رشد آموزش و پرورش

ماهنامه آموزشی، خطی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
= دوره پنجم = اردیبهشت ۱۳۸۹ = شماره ۸۲ =

مدیرمسئول: محمد تاضری

سرمدبیر: محمدرضا حشمتی

نماینده برنامه ریزی و کارشناسی: جعفر ربانی، منصور ملک عباسی و

علی اصغر جعفریان

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: گبری محمودی

طراح گرافیک و طرح جلد: پریسا سندی

نشانی دفتر مجله: تهران، ابرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۳۳۲

نمابر: ۸۸۲۰۱۴۷۸

پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir

رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۲۰۱۴۸۲ و ۸۸۸۳۹۲۳۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۱۸۰۰۰ نسخه

جانب: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و

عتر جمان محترم:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قضا در جای دیگری چاپ نشده باشد. - مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید. - مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. - متن مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مدنظر شود. - محل فرآیند دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. - مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. - کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه‌ها) از متن استخراج شوند. - مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. - معرفی نامی کوتاه از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. - مجله در رد قبول و ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. - مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. - آرای مترجم در مقاله ضرورتاً مبنی بر رای و نظر مسئولان مجله است.

سخت و زیبا / محمدرضا حشمتی / ۲

معجزه‌ی هنر / سیمین جهانی / ۳

پیدا و پنهان اردوها / نصرالله دادار / ۴

بیداری جنسی، فرصت یا تهدید؟! / پروین داعی‌پور / ۸

ایمان ماندگار / حجت‌الاسلام عباس پستدیده / ۱۰

مدرسه و انتخاب / یدالله سعیدنیا / ۱۲

از هوش‌های چندگانه تا هوش هیجانی / لیلیا سلیمقه‌دار / ۱۴

ریاضی به کدام سو می‌رود؟! / یاسمن محمودی / ۱۶

پل الوار / جعفر ربانی / ۱۷

ما مقصربیم / حسین الفصح / ۱۸

ایا گوش شنوایی هست؟ / سربه محمدنژاد / ۲۰

نامه‌ی یک پدر به معلم / شهلا افتخاری / ۲۴

شنیدن ایده‌های عجیب / فاطمه خرقانیان / ۲۶

محور یادگیری / سمیه سیفی / ۲۹

تغییر نگرش و تحول آموزشی / ترجمه‌ی طیبه الدنوسی / ۳۰

اندر احوالات / Connect / سیما سعادت / ۳۳

فناوری ناتو / خدیجه طاعتی / ۳۴

شیوه‌های ارزش‌یابی کتاب‌های فارسی تازه / تألیف / دکتر سید بهنام علوی مقدم / ۳۶

ارزش‌یابی ارزش‌یابی املای فارسی / فاطمه حیدرنیاز - جعفر خرازی / ۳۹

نقدی بر حرفه‌آموزی / اکبر قاسمزاده / ۴۰

یادگیری مشارکتی در سبب عربی / عالمه شکری مرزنگو / ۴۲

بهداشت معلمان: افزایش کارآمدی استخوان‌ها / احمد مختاریان / ۴۴

اردوی گفت‌وگو / ۴۵

جغرافیا در تصویر / ۴۵

تیت لحظه / طیبه رحیمی / ۴۶

پوشش مسئولان، پاسخ شما / ۴۷

نامه‌های رسیده / ۴۸

سخت‌وزیا

محمد رضا حشمتی

وقتی به وادی معلمی قدم گذاشتیم، نمی‌دانستیم که کار ساده‌ای نیست. با خود پیمان بستیم هیچ‌گاه فرسوده و خسته نشویم. اما معلمی چه کار سختی است! معلمی را خود انتخاب کردیم و خود خواستیم که معلم شویم. کسی ما را مجبور نکرد. می‌دانستیم که کار تربیت، ساده نیست. کار معلمی تلخی‌ها و شیرینی‌ها دارد. آیا هر کسی می‌تواند این تلخی‌ها و شیرینی‌ها را بچشد؟ وقتی وارد گود معلمی شدیم، فهمیدیم که تربیت تنگناهای زیادی دارد که بی‌تحمل آن‌ها کار به سرانجام نمی‌رسد. راستی سرانجام کجاست؟

امسال هم کم‌کم به پایان سال تحصیلی رسیدیم. خیلی‌ها همیشه این سؤال را دارند که معلم در این سال تحصیلی چه کرده است؟ اما آیا توان اندازه‌گیری آن را دارند؟! تنها کسی که می‌داند معلم چه کرده، خود معلم است. زیرا او می‌تواند تأثیر عملکردش را در دانش‌آموزان خود ببیند. آیا چشم‌ها، پس از یک سال تحصیلی توانایی بهتر دیدن را پیدا کرده‌اند یا نه؟ آیا دل‌ها نسبت به یکدیگر مهربان‌تر شده‌اند یا نه؟ آیا اندیشه‌ها و ذهن‌ها بر کار و آفریننده شده‌اند یا نه؟ آیا دانش‌آموزان درکی از زندگی پیدا کرده‌اند یا نه؟ آیا دانش‌آموزان با جهت‌یابی برای زندگی بهتر برای خود و دیگران آشنا شده‌اند یا نه؟ و...

آری، ما باید بر دست‌هایی بوسه زنیم که هنر زیستن را می‌آموزند. آنان که برای فرزندانمان پرواز در افق‌های نامتناهی را در طرح درس خود دارند.

وقتی به ارزیابی فعالیت یک ساله‌ی خود می‌نشینیم، تازه متوجه می‌شویم هنوز خیلی کارها داریم که باید انجام دهیم. چرا که به تعبیر امام علی (ع): کسی که از خود ارزیابی داشته باشد، از عیب‌هایش آگاه می‌شود. بر کوتاهی‌های خود احاطه می‌یابد. از کم‌کاری‌ها و ندانم‌کاری‌ها رهایی می‌یابد و عیب‌های خود را اصلاح می‌کند. و این پایان برای ما شروعی دوباره است.

دوستان عزیز! هدف ما در «رشد آموزش راهتمایی تحصیلی» این بود که بتوانیم با چشمان شما ببینیم، با گوش‌های شما بشنویم و از دل شما بگوییم. اما خود می‌دانید که گفتنی‌های زیادی باید گفته شوند و فرصت کم است.

امید آن داریم در تابستان گرم و زیبایی که در پیش دارید، ما را به اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و تجربه‌های موفق و احتمالاً ناموفق خود میهمان کنید.

ما اعتقاد داریم معلم کسی است که «دردمند»، «درد آشنا» و «درمانگر» است. منتظر نوشته‌های شما هستیم.

خدا نگه دار



معجزه‌ی هنر

سیمین جهانی

کلیدواژه‌ها: هنر، زیبایی، محیط یادگیری.

برای نمونه: ارائه‌ی آموزش‌های لازم به خانواده‌ها و فرهنگ‌سازی در جهت توجه بیشتر خانواده‌ها به آموزش هنر؛ استفاده از معلمان آکاشناس و خبیره برای آموزش درس هنر در مدارس؛ توجه بیشتر و تخصصی‌تر به آموزش نقاشی به دانش‌آموزان کشور؛ توجه به سطوح تحول زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان، به هنگام آموزش آنان، چه آموزش‌هایی که به صورت رودررو هستند و چه آموزش‌هایی که از طریق پوستر و سایر رسانه‌ها انجام می‌شوند، جدی‌تر گرفتن درس هنر در مدارس سراسر کشور و توجه و تلاش برای افزایش کیفیت کلاس‌های هنر در مدارس کشور؛ استفاده از نتایج پژوهش حاضر (در دو بخش سطح تحول زیبایی‌شناسی و توانایی تشخیص آثار زیباشناسانه از غیرزیباشناسانه) در راهنمایی و هدایت دانش‌آموزان؛ ارائه‌ی آموزش‌های تخصصی براساس سطوح تحول زیباشناسی به منظور افزایش و بهبود سطح زیباشناسی دانش‌آموزان سطوح تحولی پایین‌تر؛ آشنا ساختن دانش‌آموزان و ایجاد انگیزه در آنان به منظور یادگیری نقاشی و توجه به آثار نقاشی و سایر آثار هنری یا انجام بازدیدهایی از نمایشگاه‌های آثار هنری؛ آموزش اطلاعات به دست آمده از پژوهش حاضر به معلمان هنر مدارس کشور به منظور استفاده‌ی آنان از نتایج پژوهش در آموزش‌های کلاسی.

به منظور انجام این پژوهش، به طور غالب، هنر نقاشی انتخاب شده است. اما می‌دانیم، حوزه‌ی هنر و زیبایی‌شناسی بسیار وسیع است؛ به وسعت همه‌ی عالم. معلمان همه‌ی درس‌ها مانند ریاضی، علوم و ادبیات می‌دانند که در هر علمی، زیبایی‌های خاص قابل درک، تشخیص و لذت‌بردن وجود دارد. لذا می‌توانند با توجه دادن دانش‌آموزان به این زیبایی‌ها، درک و نگاه زیبایی‌شناسی آن‌ها را رشد دهند تا بدانند جهانی که خداوند آفریده است، زیبایی‌های بی‌نهایت دارد: «یا مَنْ هُوَ جَمِیلٌ وَ یُحِبُّ الْجَمَالَ».

مقصود از پرورش، فرایندی مستمر و منظم است که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به‌طور کلی هدایت رشد همه‌جانبه‌ی شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنج‌های مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفاساختن استعدادهای آنان است. آن‌چه به عنوان یکی از بخش‌های اساسی تعریف پرورش خودنمایی می‌کند، شکوفایی استعدادهای بالقوه‌ی دانش‌آموزان است.

زیبایی‌شناسی از جمله مسائلی است که دانشمندان حوزه‌های گوناگون علمی، از جمله فلاسفه، هنرمندان و روان‌شناسان، به آن توجه کرده‌اند و این اهمیت و پیچیدگی آن را نشان می‌دهد. آن‌چه مسلم است، افراد گوناگون، از نظر حساسیت به زیبایی و میزان رشد زیبایی‌شناسی، با یکدیگر فرق دارند. این نوع حساسیت به زیبایی، بیشتر حاصل تمرین و تجربه است و به همین دلیل است که برخی از افراد در این زمینه توانا‌تر از دیگران هستند.

انسان تحت تأثیر آثار هنری و تحت افسون آن‌ها، بینایی و شنوایی خود را ده چندان افزایش می‌دهد. احساس زیبایی‌شناختی خود را پرورش می‌دهد و در نتیجه به دریافت جدیدی از جهان قادر می‌شود. یکی از مؤثرترین راه‌های پرورش زیبایی‌شناسی کودکان و بوجوانان، گفت‌وگوی بین آن‌ها و بزرگسالان در مورد آثار هنری است. زیباشناسی با توانایی‌های شناختی و هوش هم‌بستگی مثبت دارد و این امر می‌تواند حاصل تأثیر احتمالی رشد زیباشناسی بر رشد هوش باشد.

براساس نتایج تحقیقاتی که در این پژوهش صورت گرفته، پیشنهادهایی عملی برای ارتقای سطح زیبایی‌شناسی در دانش‌آموزان ارائه شده است.

منبع

۱. رشید، خسرو. بررسی مراحل رشد و تحول زیباشناسی در دانش‌آموزان کودک و نوجوان ایران. ناظر: دکتر محمود مهرمحمدی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵.

میلیون‌ها دانش‌آموز سراسر کشور، هر سال در اردوهای فرهنگی تربیتی حضور می‌یابند. اردوهایی که اگر درست برگزار شوند، نتایج و دستاوردهای بسیار ارزشمندی از نظر تربیتی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی خواهند داشت.

به اعتقاد متخصصان و کارشناسان تعلیم و تربیت، اردوهای فرهنگی تربیتی، در حقیقت نوعی مدرسه‌ی آموزش زندگی هستند. با این تفاوت که در فضای این اردوها، دانش‌آموزان احساس آزادی، شادی و شغف می‌کنند و از محیط آن کاملاً لذت می‌برند. در صورتی که در فضای کلاس درس و مدارس معمولی، احساس آزادی و شادابی نمی‌کنند. با به صدا درآمدن زنگ پایان مدرسه، به سرعت از مدرسه خارج می‌شوند و به عبارتی فرار می‌کنند. در صورتی که در اردو دوست ندارند زمان به پایان برسد.

سوالی که در این گزارش در پی پاسخ دادن به آن هستیم، این است که آیا متولیان آموزش و پرورش کشور، از برگزاری این اردوها درست بهره‌برداری می‌کنند؟ آیا برنامه‌ای اساسی و جدی برای برگزاری این اردوها دارد یا نه؟ آیا برگزاری این اردوها صرفاً برای پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان است یا این که اهداف جدی تری در برگزاری آن‌ها دنبال می‌شود؟ و آیا...

نصرالله دادار

پیداوینهان اردوها

فلسفه و اهداف اردوهای دانش‌آموزی



تعریف اردوی دانش آموزی

کلمه‌ی اردو در لغت به معنی گروه، قشون، دسته و لشکر است و در اصطلاح به مفهوم مجموعه و ترکیبی از شرایط زندگی واقعی در خارج از محیط‌های آموزش رسمی اطلاق می‌شود.

به گفته‌ی صاحب‌نظران عرصه‌ی تعلیم‌وتربیت، اردوی دانش آموزی عبارت است از نوعی فعالیت آموزشی و پرورشی که برای تعداد معینی از دانش‌آموزان، تحت نظارت و هدایت معلمان و مربیان، با هدف‌های از پیش تعیین‌شده و در فضایی مناسب و امن از لحاظ تربیتی، برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با مسئولان اردوگاه

به منظور ارائه‌ی تعریفی واقعی و ملموس از اردو، پای صحبت مدیر و معاون مجتمع فرهنگی اردویی کشوری شهید میرزا کوچک‌خان رامسر می‌نشینیم که یکی از قدیمی‌ترین اردوگاه‌های کشوری و دانش‌آموزی است.

هانی معلمی، مدیر مجتمع می‌گوید: «وقتی موضوع تعلیم‌وتربیت مطرح می‌شود، همه به دنبال یک کلاس چهاردیواری و تخته سیاه می‌گردند، در صورتی که اردوهای دانش‌آموزی و اردوگاه‌ها، از شاداب‌ترین فضاها برای تعلیم‌وتربیت محسوب می‌شوند. دانش‌آموز در اردو، در محیطی زیبا، طبیعی و خدادادی، با استقلال و آزادی عمل، تحت هدایت مربی، به پیاده‌کردن برنامه‌های خود می‌پردازد و احساس شادی و نشاط می‌کند.

دانش‌آموزان در قالب اردو، هنرنمایی می‌کنند، اردو فرصتی استثنایی برای تبادل فکری، فرهنگی، هنری، اجتماعی و توانمندی‌ها و قابلیت‌های فنی و حرفه‌ای دانش‌آموزان است.»
وی می‌افزاید: «اردو می‌تواند شرایط بسیار خوب و مناسبی برای یادگیری و یاددهی فراهم کند. در فضای اردو، ما می‌توانیم از دانش‌آموز، هم به عنوان یاددهنده و هم به عنوان یادگیرنده استفاده کنیم.»

مصطفی فریدونی، معاون مجتمع فرهنگی اردویی شهید میرزا کوچک‌خان رامسر

فریدونی ۱۱ سال سابقه‌ی کار در این اردوگاه را دارد و کارشناس ارشد سنجش و اندازه‌گیری است. وی در تعریف اردو می‌گوید: «اردوی دانش‌آموزی، زندگی دسته‌جمعی گروهی از دانش‌آموزان در مکان مشخص و معین و از قیل طراحی شده با اهداف تمرین زندگی، مسئولیت‌پذیری، دوست‌یابی، تحمل سختی‌ها، بالا بردن میزان اعتماد به نفس، ارتقای سلامت روحی، روانی و جسمی، رشد و شکوفایی استعدادها، استعدادیابی، آشنایی

با طبیعت، حس تعاون، مشارکت در کارهای گروهی و اصلاح رفتار موجود است.»

نقاط قوت اردوی دانش آموزی

به اعتقاد متخصصان و کارشناسان، اردوهای دانش‌آموزی، از نظر تربیتی، فرهنگی و آموزشی نقاط قوت زیادی دارند.

معلمی در این باره می‌گوید: «در اردو و اردوگاه‌ها، آموزش یکسویه نیست و دانش‌آموز می‌تواند طراح و صاحب‌نظر باشد. در محیط اردو، دانش‌آموز می‌تواند فریاد بزند، مطالعه کند، و تحقیق و پژوهش انجام دهد، در صورتی که در محیط‌های آموزش رسمی، دانش‌آموز نمی‌تواند فریاد بزند. شرایط برای تخلیه‌ی روانی او فراهم نیست و دائم به او تذکر داده می‌شود که آرام باشد. در اردوگاه، دانش‌آموز از افت‌های شهرنشینی و آبارتمان‌نشینی نجات می‌یابد. هم‌چنین در اردو، ما با روش‌های متنوع آموزشی و پرورشی روبه‌رو هستیم. به یک روش اکتفا نمی‌شود. اردو نگاه یکسویه را در آموزش حذف و خودباوری را تقویت می‌کند.

برای آموزش خدانشناسی، در محیط اردو خیلی بهتر از محیط و چهاردیواری کلاس می‌توان وارد بحث شد و موضوع را ملموس و محسوس کرد.»

احمد رضا بهبهانی، کارشناس ارشد روان‌شناسی

تربیتی مسئولیت اردوگاهی

بهبهانی می‌گوید: «اساساً در نظام تعلیم‌وتربیت کشور ما، به مسائل مهارت‌های زندگی و آموزش‌های شهروندی و اجتماعی کم‌توجه شده است، و اگر در سال‌های اخیر هم کوشیده‌اند به این نوع موضوعات توجه کنند، فضای کلاس‌ها و مدارس برای این نوع آموزش‌ها مناسب نیست و معلمان هم در این زمینه آموزش کافی ندیده‌اند.» این کارشناس ارشد می‌افزاید: «اگر اردوهای دانش‌آموزی با برنامه‌ریزی و اهداف مناسب طراحی و اجرا شوند، می‌توانند در زمینه‌ی تربیت اجتماعی و شهروندی دانش‌آموزان، نقش بسیار مؤثر و پایداری ایفا کنند و ضعف نظام آموزشی کشور را جبران کنند.»

بهبهانی در ادامه می‌گوید: «متأسفانه اردوهای دانش‌آموزی که در حال حاضر در کشور برگزار می‌شود، بیشتر به منظور پرکردن اوقات فراغت انجام می‌گیرد و ابعاد آموزشی و پرورشی در این نوع اردوها مغفول واقع شده‌اند.»

فریدونی با بیان این نکته که در سال‌های اخیر توجه به اهداف اردو کم‌رنگ شده است و علت اصلی آن کمبود

وقتی موضوع تعلیم و تربیت مطرح می‌شود، همه به دنبال یک کلاس چهار دیواری و تخته سیاه می‌گردند، در صورتی که اردو یکی از شاداب‌ترین فضاها برای تعلیم‌وتربیت است

در اردو، مسائل زندگی،
تفکر، اندیشیدن، خلاقیت
و اهداف و فلسفه‌ی
اصلی اردو باید اتفاق
بیفتد و اگر این اتفاق
نیفتد، موفق نیستیم



بودجه است. می‌گوید: «در طراحی و برنامه‌ریزی برای اجرای اردوهای دانش‌آموزی، نباید اهداف اردو به هر دلیل مورد غفلت واقع شوند. زیرا در آن صورت، برگزاری این اردوها نتایج خوبی نخواهد داشت. لذا مسئولان بلندبایه‌ی آموزش و پرورش باید مشکل بودجه‌ای اردوها را حل کنند. از البرت اینشتین سؤال می‌شود چگونه به بچه‌ها ریاضی یاد بدهیم، می‌گوید: همه‌ی کتاب‌های ریاضی اطراف او را تویز بریزید و برای او قصه بگویید تا به تفکر و اندیشیدن بپردازد.

یکی از بزرگان می‌گوید، من ستایشگر معلمی هستم که چگونه اندیشیدن را به بچه‌ها یاد می‌دهد نه اندیشه‌ها را. این سخنان تأیید می‌کنند که ما در محیط اردو، باید تفکر، اندیشه و چگونه اندیشیدن را به بچه‌ها یاد بدهیم. ما در گذشته در اردوگاه میرزا کوچک‌خان، کوه‌نوردی داشتیم و بچه‌ها صبحانه‌ی خود را در جادر صرف می‌کردند. ولی الان خبری از این کارها نیست. چون دانش‌آموزان حال و مربی‌ها علاقه ندارند. در نتیجه، کوه‌نوردی برگزار نمی‌شود و بچه‌ها در رستوران صبحانه صرف می‌کنند.

در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، اردوسی از دانش‌آموزان دبیرستانی گویت داشتیم. برنامه‌ی اردوسی آن‌ها را تهیه کردیم. آن‌ها به شدت استقبال کردند و روزی که می‌خواستند از اردوگاه بروند، همه گریه می‌کردند، چون از محیط اردو لذت برده بودند.»

کتاب برای اردو نداریم

فریدونی می‌گوید: «یکی از مشکلات فعلی اردوهای دانش‌آموزی این است که کتاب برای آن نوشته نشده است. ما اردوگاه شهید میرزا کوچک‌خان را با این عظمت داریم، ولی متأسفانه نمی‌توانیم از آن درست استفاده کنیم. ما باید برای اردوها آسیب‌شناسی کنیم و فراخوان بدهیم و از متخصصان بزرگ تعلیم و تربیت کشور دعوت کنیم و کمک بگیریم تا فلسفه و اهداف اردو تبیین شود. دانش‌آموز

باید از اردو پیام دریافت کند و آموزش بگیرد. درست است که دانش‌آموز در اردو باید به میل خود و آزاد باشد، ولی باید آموزش بگیرد. ما خیلی وقت‌ها فرصت داریم و دوست داریم که به دریا و یا کتابخانه برویم، ولی روش استفاده کردن از آن‌ها را بلد نیستیم.»

متأسفانه برخی از مربی‌هایی که با دانش‌آموزان به اردوگاه می‌آیند، هیچ برنامه‌ای برای بچه‌ها ندارند. برای اجرای هر اردو، یا باید سرپرستان اردو و یا باید سرپرست و مسئولان اردوگاه برنامه‌ریزی کنند. حتی برنامه‌ریزی برای غذای بچه‌ها، نتایج و اثرات بسیار مهمی دارد. این کارها به تخصص و تجربه نیاز دارند. متأسفانه دانش‌آموزان را می‌آورند این‌جا و بعد آن‌ها را رها می‌کنند. مربی‌های آن‌ها با مسائل و فعالیت‌های اردوسی، اوقات فراغت و نحوه‌ی برگردن آن‌ها و نیازهای دانش‌آموزان آشنا نیستند. ممکن است مربی آن‌ها هم فردی فرهنگی باشد که گاهی اوقات هم آدم فرهنگی همراه آن‌ها نیست. ولی این‌ها همه به آشنایی و آگاهی با مسائل اردو و اردوگاه نیاز دارند. همه‌ی افراد نمی‌توانند مربی و سرپرست اردو شوند. به تخصص و آموزش نیاز است.

ضرورت حمایت مادی و معنوی از اردوگاه‌ها

معلمی، به نیازهای مادی و معنوی اردوگاه‌ها به منظور توسعه‌ی مأموریت‌هایشان اشاره می‌کند و می‌افزاید: «امروز اردوگاه‌ها با توجه به اهداف و مأموریت‌های مهمشان، به حمایت‌های مادی و معنوی نیاز دارند. حمایت مادی، اختصاص اعتبارات براساس نیازهاست و حمایت معنوی، تربیت نیروهای زبده، علاقه‌مند و توانمند در حوزه‌ی مسائل اردوسی است. ما باید به سمت تخصصی کردن کارهای اردوسی پیش برویم. ما باید در طول سال تحصیلی هم اردو برگزار کنیم و نگاه ما به اردو صرفاً در جهت برگردن اوقات فراغت در تابستان‌ها نباشد. الان فضای کلاس‌ها و مدارس برای کارهای آموزشی و تربیتی جذاب نیست و دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس احساس شادابی و



نشاط ندارند. بنابراین، باید بخشی از مأموریت‌ها و اهداف آموزشی و تربیتی را با برگزاری اردوها دنبال کرد. اعتقاد من این است که اردوگاه بهترین مکان و اردو بهترین زمان و فرصت برای معرفی و شناسایی فرهنگ‌ها، هنرها، فنون و تبلیغ و ترویج عملی برای ارزش‌های دینی، اسلامی و ملی است. لذا فضای اردوگاه‌ها باید طوری طراحی و ساخته شود که در همه‌ی زمان‌ها و ساعت‌ها قابل استفاده و بهره‌برداری باشند.»



هر مربی می‌تواند تعداد مشخصی دانش آموز را سرپرستی کند

یکی از نکاتی که ضروری است در اردوها به آن توجه شود، تعداد دانش‌آموزانی است که هر مربی در اردو باید سرپرستی کند. فریدونی در این باره می‌گوید: «بر اساس شیوه‌نامه‌ی اجرایی اردو و بازدید دانش‌آموزان، هر مربی می‌تواند تعداد مشخصی از دانش‌آموزان را سرپرستی کند و این‌طور نیست که هر مربی بتواند و بخواهد که هر تعداد دانش‌آموز را سرپرستی کند. برای مثال، در اردوی برون‌استانی، به ازای هر ۱۴ دانش‌آموز دبستانی، یک سرپرست و یک مربی، به ازای هر ۲۱ دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی، یک سرپرست و یک مربی، و به ازای هر ۲۸ دانش‌آموز دوره‌ی متوسطه، یک سرپرست و یک مربی لازم است.» وی می‌افزاید: «موضوع تأمین امنیت در اردو، یکی دیگر از مسائل بسیار مهم در برگزاری هر نوع اردوی دانش‌آموزی است. زیرا اگر خدای نکرده به هر دلیلی، در زمان اردو اتفاق ناگواری رخ دهد، والدین دانش‌آموزان تا مدت‌ها دوست نخواهند داشت که به فرزندان خود اجازه دهند در اردوی دانش‌آموزی شرکت کنند.»

بچه‌ها را راحت طلب و تنبل بار می‌آوریم

متخصصان اردوهای تربیتی و فرهنگی معتقدند، یکی از نکاتی که در اردوها، طی سال‌های اخیر مغفول واقع شده است، فعال، پرتحرک و زربنگ بار آوردن بچه‌هاست. متأسفانه سرپرستان اردوها و مربیان آن‌ها، در برنامه‌ریزی‌هایشان به گونه‌ای عمل می‌کنند که همه‌چیز برای دانش‌آموزان فراهم باشد و بچه‌ها نیازی نداشته باشند برای امور زندگی خود در طول مدتی که در اردو هستند، هیچ‌گونه تحرک و تلاشی داشته باشند؛ در صورتی که این خلاف اهداف اردوهای تربیتی و فرهنگی است. یکی از اهداف مهم اهداف تربیتی، تمرین تلاش، کوشش و پرکاری در بچه‌هاست.

در حال حاضر
اردوها بیشتر به منظور
پرکردن اوقات فراغت
دانش‌آموزان تشکیل
می‌شوند و موضوع
تربیت و آموزش در
آن‌ها مغفول مانده است

مجتبی نژاد جمالی، کارشناس فضای سبز و عمران اردوگاه میرزا کوچک‌خان می‌گوید: «یکی از برنامه‌هایی که ما در گذشته برای اردوها اجرا می‌کردیم، آموزش کشاورزی، کشت گل و گیاه، حفاظت از گل‌ها، گیاهان و طبیعت بود که در سال‌های اخیر به آن توجه نمی‌شود. متأسفانه در سال‌های اخیر برنامه‌ها به سمت تنبل کردن بچه‌ها پیش رفته است.»

دانش‌آموزان می‌توانند این‌جا آموزش کشاورزی بینند

نژاد جمالی، با بیان این نکته که در اردوگاه میرزا کوچک امکان آموزش کشاورزی برای دانش‌آموزان وجود دارد، می‌افزاید: «ما انواع گل و گیاه و درختان میوه مانند پرتقال، نارنج، نارنگی و کیوی را در اردوگاه داریم. هر سال حدود ۲۵ تن کیوی تولید می‌کنیم. ما این‌جا نمی‌گذاریم که چوب درختان از بین برود و با آن‌ها آلاچیق و تخت درست می‌کنیم. به همه‌ی اردوگاه‌ها و کانون‌های سراسر کشور گل و گیاه می‌فرستیم. آن‌ها هم در عوض به ما زعفران، سیب و... می‌دهند. نگهداری زمین‌های چمن، سم‌پاشی، کاشت، هرس، و... همه را خودمان انجام می‌دهیم. ما می‌توانیم همه‌ی این کارها را به دانش‌آموزان آموزش دهیم، ولی کسی از ما نمی‌خواهد و اردوها برنامه‌ای برای این نوع کارها ندارند. همان‌طور که عرض کردم، دانش‌آموزان را تنبل بار می‌آورند.»

ما در محوطه‌ی آزاد همه‌ی کلاس‌ها را در آلاچیق‌هایی برگزار می‌کردیم که خودمان درست کرده بودیم.

ما این‌جا یک استخر چند منظوره‌ی بزرگ به مساحت ۳۹۵۰ متر مربع برای پرورش ماهی، اردک و... داریم که در کنار آن آلاچیق و میدان تیراندازی وجود دارد و دانش‌آموزان می‌توانند از آن‌ها هم استفاده کنند؛ ولی متأسفانه کمتر اردویی را می‌توان دید که سراغ این کارها را از ما بگیرند.»

بیداری جنسی،

پروین داعی پور

آن حسیت را بپذیرد. برای مثال، یک دختر با وجود تمام علاقه‌مندی‌های خود برای کسب درجات تحصیلی و علمی و حتی اشتغال، همواره پذیرای نقش مادری یا نقش‌های زنانگی‌اش باشد در صورت مردان، این نقش در پذیرفتن مسئولیت‌آزادی خانواده و تعهد حفاظت و تأمین خانواده مطرح است.

مشاهدات پراکنده در جامعه‌ی ما نشان داده است، دختران به علت پایین دانستن حسن زن در فرهنگ خانوادگی سا محیطی، یا به خاطر محدودیت‌های اجتماعی، در رضایت از جنسیت خود تأخیر پذیرش دارند که این تأخیر بیشتر متوجه سال اول بلوغ است. این عموماً، با عکس‌العمل‌هایی مانند مقاومت در پوشیدن لباس‌های دخترانه یا سرپیچی از رعایت ضوابط پوشش جامعه همراه است و معمولاً زود به طرف می‌شود اما در پذیرش نقش‌های زنانه، کمتر مشکل وجود دارد. برعکس، در پسران کمتر نگرانی از رضایت جنسیت مشاهده می‌شود. طبعاً به علت بارخورددها و بایدهای جنسی که روی جنس مذکر وجود دارد. در پسران، مشکل موجهه پذیرفتن نقش‌ها یعنی تعهد و مسئولیت است. این موضوع در میان مردان متأهل به خوبی مشاهده می‌شود و متأسفانه گاه به طلاق می‌انجامد.

از دیگر خصوصیات بلوغ، زنده شدن احساسات و هیجانات تازه در بوجوان است. احساساتی که حتی برای خود بوجوان هم ناآشنا هستند. کودکی که تا دیروز نه تنها رغبتی به جنس مخالف نداشته، بلکه ترجیحش گذراندن وقت و بازی فقط با جنس موافقش بود، حال درمی‌یابد که سر یا دختر برایش خالب است. از این که مورد توجه آن‌ها قرار گیرد، خوش حال می‌شود.

در این توجهات، کنجکاوی‌ها و گاه سؤالاتی مطرح می‌شود. سؤالاتی که می‌تواند محتوای جنسی داشته باشد و در واقع پاسخ تعیین‌کننده‌ی رفتار اوست. هر قدر بوجوان دریابد که چه بر سرش آمده و چرا این هیجانات و ادراکات طبیعی

یا وجود باور عمومی که دوره‌ی بوجوانی را دوره‌ای سخت و پر از التهاب تصور می‌کنند، این دوره می‌تواند از شیرین‌ترین دوره‌های زندگی فرد و زیرسازترین دوره‌های تربیتی برای والدین و معلمان باشند. در این مرحله، با نوبالغان کوچکی روبه‌رویم که سعی در شناخت خود دارند و دارای حساتی رسانند که می‌توانند نه تنها خود، که دنیا را تغییر دهند.

در مقالات قبلی اشاره شد، مهم‌ترین اتفاق دوره‌ی نوجوانی، هویت‌یابی است، یعنی این که فرد خود را بشناسد. در باید چه اهداف یا برنامه‌هایی را می‌خواهد دنبال کند. ملاک‌های سنجش خوب و بد را بیابد و نظام ارزشی خود را سازد. در یک عبارت ساده، به پاسخ «من کیستم» برسد.

صفات بارز و مثبت این دوره، ماسد روحیه‌ی استقلال‌طلبی، نوع دوستی، اخلاق‌مداری، آرمان‌خواهی، حرصمندی، کنجکاوی و پرسشگری در مورد اعتقادات و باورهای باسخرها، تفکر نقادانه و میل به دانستن، بیشتر از ویژگی‌هایی است که اگر شناسایی و جهت‌دهی شوند، می‌توانند کودک را در گذر از یک کودک وابسته به یک بزرگسال مستقل و مسئول، هدایت کنند.

بلوغ که از آن به عنوان سلسله‌ای از تغییرات جسمانی و عاطفی یاد می‌شود، نقطه‌ی پایان کودکی و آغاز بوجوانی است. حادثه‌ای که فرد را به بزرگسالی کامل یا یک هویت جنسیتی تبدیل می‌کند و مستلزم سازگاری‌های بسیاری از سوی نوجوان است. موضوع بلوغ و بیدار شدن نیازهای جنسی، مراقبت‌هایی را می‌طلبد که اولیای مدرسه و والدین باید نحوه‌ی تعامل با آن‌ها را بشناسند.

در انتهای نوجوانی که معمولاً آن را پایان نوزده‌سالگی می‌دانند، انتظار می‌رود، فرد در کنار دست‌یابی به هویت فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی خود، به هویت جنسیتی نیز برسد. منظور از هویت جنسی، کسب توانایی است. یکی این که فرد رضایت کامل از جنسیت خود داشته باشد، یعنی از این که مرد است یا زن، راضی باشد. دوم این که نقش‌های

فرصت یا تهدید؟!!

و مکان خصوصی، یاد می‌گیرد که در بدن خود قسمت‌هایی دارد که فوق‌العاده شخصی و خصوصی هستند و هیچ‌کس حتی پدر و مادر، اجازه ندارند به آن نگاه کنند یا دست بزنند. هم‌چنین، کودک باید بداند چه لمس و ارتباطی قابل قبول است و چه لمس و ارتباطی جایز نیست. انتقال این مفاهیم به صورت مستقیم نیست، یعنی کودک این پیام‌ها را به صورت کلامی نمی‌گیرد، بلکه با اعمال ساده همراه است. توصیه‌هایی که به کودک می‌شود، این که هنگام تعویض لباس، بهتر است این کار را در اتاق خود به تنهایی انجام دهد به هنگام دست‌شویی در را ببندد، در هنگام استحمام، لباس زیر را بر تن داشته باشد و نهایتاً بازی‌هایی که مادر یا پدر هنگام نظافت و تعویض لباس کودک دارند، عملاً و به‌طور مدام این مفاهیم را به کودک انتقال می‌دهند.

در دوره‌ی نوجوانی، حیا حافظ اوست. حیا خصلتی است عقلانی که بازدارنده است. حفظ حرمت، خودداری آگاهانه و «نه» گفتن به درخواست‌های ناروا و دوری جستن از انجام اعمال ناشایست، از ویژگی‌های حیاست. گاهی دو کلمه‌ی حیا و شرم مترادف هم به کار می‌روند در حالی که معانی متفاوت دارند. باید دقت داشت که حیا خودداری آگاهانه و ارادی فرد است. یعنی فرد با علم به موضوع، از انجام عمل ناشایست سرباز می‌زند. در حالی که شرم نوعی خودداری غیرارادی است و شاید عواملی مانند کمروبی مانع از انجام عمل ناشایست می‌شود.

و اما کلام آخر، فرزندان ما موجوداتی جنسی هستند که ساعت بیولوژی‌یکشان، در وقت مقرر بلوغ، آن‌ها را بیدار می‌سازد. بر مریبان آگاه و والدین دلسوز است که خود را مهیب‌ای این بیداری کنند و با تقویت رشد عقلی و ایجاد بستری امن و سالم، پاسخ‌گوی سؤالات آن‌ها باشند. تا او را از پناه بردن به منابع ناصالح و غیرسالم نجات دهند. به او یاد دهند که نیاز جنسی، نیازی طبیعی و انسانی است که با دو بال حیا و عقل در زمان مناسب تأمین می‌شود. دانستن را حق او بدانند و آگاهی را چراغ راه و عقلش قرار دهند.

است. آمادگی بیشتری برای مدیریت آن می‌یابد. از ظریف‌ترین وظایف مریبان و والدین، نحوه‌ی پاسخ‌گویی به این سؤالات است. بسیار مهم است که در این پاسخ‌گویی‌ها، از دایره‌ی حقیقت بیرون نرفت، ولی در عین حال، متناسب با سن و بنا به ضرورت، پاسخ آن‌ها را داد. این سؤالات باز فرصت بزرگی است که خانواده و اجتماع می‌باید تا چارچوب‌های رفتاری و هنجارهای اخلاقی خود پیرامون ارتباط با جنس مخالف را برای فرزندش بازگو کند. نوجوان باید بداند، ضوابط ارتباط در چارچوب‌های خانوادگی او چیست؟ جامعه از او انتظار چه رفتاری را دارد؟ خط قرمزها کجاست و در صورت عبور از خط قرمزها، چه عواقبی در انتظارش است؟

دو عامل مهم، نوجوان را در مدیریت بیداری جنسی همراهی می‌کند: یکی دست یافتن به تفکر انتزاعی است که انتظار می‌رود با شروع نوجوانی اتفاق بیفتد و دیگری حیا و عفت که حافظ پاکدامنی و سلامت فرد است.

منظور از تفکر انتزاعی، گذر از دوره‌ی تفکر عینی است؛ دوره‌ای که استنباط پیرامون وقایع، بر پدیده‌های عینی و فیزیکی مبتنی است. از قابل توجه‌ترین خصوصیات تفکر انتزاعی، استدلال درباره‌ی مسائل فرضی است. یعنی فرد می‌تواند به احتمالات به اندازه‌ی واقعیات موجود بیندیشد. به‌صورتی منظم به دنبال راه‌هایی برای حل مشکلات باشد. عملیات ذهنی پیچیده‌تری داشته باشد و درباره‌ی افکار خود بیندیشد. در نتیجه، آمادگی درک مفاهیم نظری، فلسفی و مذهبی را پیدا می‌کند. رشد عقلی نوجوان که همانا دست‌یابی به تفکر انتزاعی است، او را در کنار آموختن یا فشارهای پیچیده‌ی محیطی و جنسی، تحصیل ارزش‌های شخصی و استدلال‌های اخلاقی، یاری می‌دهد.

از آموزش‌های لازم در تربیت جنسی دوره‌ی کودکی، «آموزش حرمت تن» است. منظور از این آموزش، انتقال مفاهیمی است که به کودک می‌آموزاند هیچ‌کس اجازه‌ی تعرض به تن او را ندارد. کودک با آشنایی با مفهوم مکان عمومی

منابع

۱. دفریتاس، کریستال. کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان. ترجمه‌ی سارا طوسی. انتشارات صابرین، ۱۳۸۱.
۲. پسندیده، عباس. پژوهش در فرهنگ حیا. مرکز تحقیقات دارالحدیث، ۱۳۸۳.



حجت الاسلام عباس پسندیده

محقق و کارشناس پژوهشکده‌ی علوم حدیث

ایمان ماندگار

کلیدواژه‌ها: محبت، توحید، تربیت دینی.

در هفت شماره‌ی گذشته، مباحثی را در
موضوع تربیت دینی بیان کردیم. در این شماره،
چکیده‌ای از آن مطالب را خدمت شما معلمان
عزیز بازگو خواهیم کرد.

۱. درباره‌ی تربیت دینی، دو رویکرد وجود دارد: رویکرد مناسکی و رویکرد معرفتی - اخلاقی. در رویکرد نخست، تربیت دینی یعنی انتقال مناسک دین به دانش‌آموز. در این رویکرد، دانش‌آموز با ایمان، یعنی دانش‌آموزی که به انجام رفتارها و مناسک دینی می‌پردازد و آن‌ها را به خوبی انجام می‌دهد، همه‌ی این امور جزو تربیت دینی به‌شمار می‌روند. اما سؤال این است که آیا می‌توان این امور را محور اساسی تربیت دینی قرار داد؟ در حقیقت، سخن بر سر جایگاه این امور در جورچین تربیت دینی است.

و اما در رویکرد دوم، تربیت دینی یعنی شکل‌دهی معرفت و اخلاق دانش‌آموز. در این رویکرد، دانش‌آموز با ایمان کسی است که از پایه‌های معرفتی و اخلاقی مناسبی برخوردار باشد. در این رویکرد، مناسک و ظواهر دین معیار قرار نمی‌گیرند، بلکه بر بنیان‌های معرفتی و اخلاقی تکیه می‌شود. جالب این‌که معرفت و اخلاق، پایه‌های شکل‌گیری رفتارند و رفتار هر دانش‌آموز، متأثر از شناخت و اخلاق اوست. معرفت و اخلاق صحیح، رفتار صحیح را به‌وجود می‌آورد، و معرفت و اخلاق نادرست، رفتار نادرست را. بنابراین، موفقیت تربیت مناسکی نیز در گرو تربیت معرفتی - اخلاقی است. اگر رفتارهای دینی بر پایه‌ی معرفت و اخلاق صحیح شکل نگیرند، «پایدار» نخواهند بود. به تعبیر حضرت ایت‌الله‌جوادی املی، «ایمانی که با عصای موسی بیاید، با گوساله‌ی سامری می‌رود!» به همین دلیل است که در منابع اسلامی، بر بنیان‌های معرفتی و اخلاقی، بیش از مناسک و رفتارها تأکید شده است.

۲. جالب این‌که تربیت دینی، تضمین‌کننده‌ی موفقیت و سعادت فرزندان است. از این‌رو، تربیت دینی با تربیت برای زندگی منافاتی ندارد. برخی تصور می‌کنند تربیت یا باید برای دین باشد یا برای زندگی. در این تصور، تربیت دینی با زندگی افراد ارتباطی ندارد و تنها به بعد آخرتی انسان می‌پردازد و تربیت برای زندگی، به دنیای انسان می‌پردازد و با آخرت فرد ارتباطی ندارد.

واقعیت این است که میان این دو، تضاد و تقابلی وجود ندارد. ابعاد گوناگون تربیت دینی، عواملی برای موفقیت در زندگی به‌شمار می‌روند. اساساً دستورات دینی سبکی از زندگی را ارائه می‌کنند که دنیا و آخرت فرد را آباد و اصلاح می‌کند. اصلاح آخرت و زندگی جاویدان انسان، از رهگذر اصلاح دنیا تأمین می‌شود. بررسی‌ها نشان داده است که اگر سبک دینی زندگی پیاده شود، آسیب‌های اجتماعی از بین خواهند رفت و زندگی مترقی و رو به رشد را به ارمغان خواهند آورد.

۳. تربیت دینی، یک «محور اساسی»، سه «بعد» و چندین «مؤلفه» دارد. تربیت دینی، محور و اساسی به نام «خدا» دارد. همه‌چیز در تربیت دینی بر اساس خدا و توحید استوار است. آن‌چه این‌جا مهم است، این‌که تربیت دینی یعنی «خدایی‌سازی» و «توحیدی بار آوردن» دانش‌آموزان.

و اما انسان سه بعد دارد: «شناخت»، «اخلاق» و «عمل» که به صورت منظم با یکدیگر ارتباط دارند. شناخت و معرفت در رأس قرار دارند. نوع شناخت و معرفت انسان، تعیین‌کننده‌ی ابعاد دیگر است. ما آن‌گونه که می‌اندیشیم، اخلاق و رفتار خود را شکل می‌دهیم.

هر کدام از ابعاد، مؤلفه‌های خاص خود را دارند که هم‌چنان با محوریت توحید تنظیم می‌شوند. در بعد شناختی، اصول دین قرار دارند اما باید در نظر داشت که آن‌ها در عرض یکدیگر نیستند. در تربیت دینی، رکن و اساس شناخت، معرفت خدا و باور به یگانگی اوست (توحید باوری). پس از خداباوری و فرع بر آن، «ولایت» قرار دارد که خود به دو قسم «نبوت» و «امامت» تقسیم می‌شود. مسئله‌ی بعدی، «معاد» است که بر اساس آن معتقدیم، نظامی که خداوند متعال آفریده است، بی‌هدف نیست و با پایان یافتن زندگی این دنیا، مرحله‌ی دیگری از زندگی آغاز می‌شود که در آن، رفتار و کردار امروز بشر محاسبه می‌شود و زندگی جاوید بشر رقم می‌خورد.

و اما بعد اخلاقی انسان، صفات و موارد متعددی را شامل می‌شود که به صورت فطری و بالقوه در نهاد انسان وجود دارند. مهم این‌که در تربیت دینی، همه‌ی این امور با محوریت خدا و توحید تعریف می‌شوند. دانش‌آموز با ایمان کسی است که این موارد را بر محور توحید و خدا تنظیم کرده است و مربی موفق کسی است که بتواند مؤلفه‌های متعدد این بعد را بر محور خدا تربیت کند و شکل دهد.

بعد عمل، به بایدها و نبایدها مربوط می‌شود. وقتی شناخت و اخلاق انسان با محور خدا و توحید سامان یافته، رفتارهای وی نیز بر همین اساس شکل می‌گیرند. خلاصه این‌که شناخت و معرفت، بنیان و اساس تربیت را تشکیل می‌دهد. این بنیان که امری درونی و فکری است، در مرحله‌ی بعد، اخلاق را سامان می‌دهد که قدری عینی‌تر است. پس از آن، نوبت به عمل می‌رسد که رفتارهای انسان را شکل می‌دهد. بنابراین، هر چند عمل، سرنوشت انسان را تشکیل می‌دهد اما نیازمند پشتوانه‌های معرفتی و شناختی است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت دینی یعنی تنظیم بعد شناختی، اخلاقی و رفتاری انسان بر اساس توحید و خداباوری.

۴. گفتیم که «الله»، کانون تربیت دینی است و در این بحث، محور اساسی ربوبیت خداوند است، نه خالقیت او. برای ربوبیت نیز برهان‌های متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها برهان محبت است. برهان محبت بر این استوار است که «ترب باید محبوب باشد و محبوب باید کامل باشد».

و اما برای پایه‌ریزی محبت، دو کار باید صورت گیرد: یکی بیان کمال خدا و دیگری احسان خداوند متعال. انسان به لحاظ فطرت خود، دوست‌دار هر موجود کامل و هر موجود احسان‌کننده است. از این‌رو، معلم باید کمال خداوند و احسان‌ها و نعمت‌های او را برای دانش‌آموزان بیان کند تا خود به خود محبت به خدا در دل آنان برانگیخته شود که نتیجه‌ی آن پذیرش ربوبیت و فرمان‌روایی خداوند است.

کلیدواژه‌ها: فطرت، اختیار، کنترل.

اشاره

در هفت شماره‌ی پیش، کوشیدیم، به اصولی بسیار ساده که هم در متون دینی و هم در نگاه‌های جدید روان‌شناسی وجود دارند، نگاهی دقیق‌تر داشته باشیم. به نظر می‌رسد، این نگاه که همان تلقی و نگرش به انسان است، نتایجی را به بار می‌آورد که با آنچه در حوزه‌ی آموزش جاری است، تطبیق نمی‌کند. نقطه‌ی عزیمت در این بحث، این سؤال بود:

۱. آیا انسان نیرویی درونی دارد که او را به سمت کمال وی سوق می‌دهد؟

۲. آیا انسان دارای اختیار است و قدرت انتخاب دارد؟

۳. آیا انسان قدرت تفکر و تحلیل دارد؟

اگرچه در جواب این سه سؤال، جزئیات بسیاری را می‌توان مطرح کرد، ولی از قرار، کوتاه‌ترین شکل پاسخ به این سؤال‌ها «بله» است. در واقع، شاید در مورد این جواب اختلاف زیادی وجود نداشته باشد، اما در نتایجی که از آن به دست می‌آید، اختلاف زیاد است.

بحث‌هایی که در جزئیات این سه موضوع (فطرت، اختیار و تفکر) درمی‌گیرد، قابل بررسی است. ولی مرز این اختلاف نظرها می‌تواند نقض اصل آن باشد بدین معنی که مثلاً هر تحلیلی از ویژگی فطرت می‌شود، در نهایت، حداقل نباید معنی آن را که وجود نیرویی درونی به سمت خیر است، یا اصل دوم را که وجود اختیار برای انسان است، نفی کند. به هر حال، انسان اسلام، انسانی است که به دلیل داشتن قدرت تفکر و آزادی انتخاب و هدایت فطرت، نسبت به اعمال خود مسئول است.

سه نیروی موجود را می‌توان ابزارهای ضروری برای تکامل انسان دانست. در واقع، حذف هر یک از این سه نیرو، رسیدن به کمال را ناممکن می‌سازد و وقتی می‌توانند منشأ اثری که برای آن در وجودشان قرار داده شده، باشند که هیچ یک حذف نشوند.

مثلاً قدرت تشخیص و تحلیل، با سلب اختیار از انسان بی‌حاصل می‌شود. داشتن اختیار بدون داشتن قوه‌ی تشخیص، تضمینی برای انتخاب درست نمی‌دهد. از طرف دیگر، فطرت هدایت‌کننده‌ی قابل اعتماد و درونی است که به قوه‌ی تشخیص برای انتخاب آن‌چه سبب کمال فرد است، ملاک می‌دهد.

بحث مهم دیگر این است که هر سه نیروی فوق، به توجه نیاز دارد. اگر مراقبت‌های لازم صورت نگیرد، عملکرد این نیروها بهینه نخواهد بود.

مدرسه و دانشگاه بخوان، فکر کن و تغییر بده!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کلمات چشم و نرس

**بهترین راه
مراقبت از فطرت،
جلوگیری از
وارد کردن هرگونه
فشار و تحمیل به
آن است**

فشار و تحریک بر فرد به فطرت اجازه می‌دهد راهی را که از درون فرد به وی نشان داده می‌شود، بیاماید اساساً نگاه نظارتی و کنترلی با نیروی درون‌زاد در تناقض است. سنگی که تمایل ذاتی او سقوط است، برای آن که آزادانه سقوط کرد، به کنترل نیاز ندارد، بلکه به حذف نیروهای خارجی نیاز دارد. در واقع، باید نیروهای محیطی را نظارت کرد تا با ایجاد فشار به سنگ، مانع حرکت ذاتی او نشوند.

نظارت و کنترل همواره مفهومی است که برای تضمین خواسته‌های مراجع بیرونی مانند رئیس سازمان و... تعبیه می‌شود.

دلالت‌های آموزشی این بحث گسترده و واضح است. اعتماد به نیروی درونی کودک که تغییر نگاه کنترلی به حمایتی، تلاش برای اعطای نیازهای اساسی فرد، بدون قید و شرط، به جای گرو گرفتن آن‌ها برای شکل‌دهی به رفتار، ارج‌گذاری به انتخاب و تلاش برای تقویت انتخابگری به‌جای قیمومیت، توجه به فرایند تقویت تفکر به جای تمرکز به انتقال دانش، می‌تواند در نظام آموزشی تغییراتی اساسی ایجاد کند. اما آن چه در مدارس اتفاق می‌افتد، این است:

- تعیین اهداف آموزشی بدون در نظر گرفتن نیاز و خواست دانش‌آموز و بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیم و فرهنگ
- طراحی برنامه‌ی تشویق و تنبیه بیرونی برای تحقق اهداف آموزشی
- تلاش برای کنترل و هدایت (سوق دادن) دانش‌آموز به سمت خواسته‌های تعیین شده برای آنان، توسط دیگران
- سلب امنیت روانی و گرو نگه داشتن نیاز به ارتباط و احترام دانش‌آموزان برای مجبور کردن آنان به انجام تکالیف و سلیقه‌های دیگران
- تمرکز و تأکید بر یادسپاری و انتقال دانش و نبودن فضای نقد و تفکر و تحلیل
- تحمیل ارزش‌های دیگران و ندادن فرصت انتخاب به بهانه‌ی نادانی دانش‌آموز در انتخاب و تشخیص مصلحت خود
- هراس از انحراف دانش‌آموزان و محدود کردن تجربه‌ی آنان

در پایان این مجموعه نوشتار، ضمن قدردانی از کسانی که این مقالات را خوانده‌اند، از آنان تقاضا می‌شود نقدهای خود را به دفتر مجله یا مستقیماً به نویسنده (ysaeednia@yahoo.com) ارسال کنند.

فطرت ضرورتاً تنها نوعی تمایل است نه یک نیروی پیش‌راننده‌ی قهری. اگر فطرت قهراً انسان را به پسمتی مشخص می‌برد، با وجود نیروی اختیار مناقات داشت، قدرت تفکر به پرورش نیاز دارد. قدرت تفکر مانند نهالی ضعیف است که باید با تمرین و مهارت به درختی تنومند و قدرتمند تبدیل شود. قدرت انتخاب هم اگر بارها و بارها سلب شود، به تدریج جُرئت و شهامت خود را از دست می‌دهد و انتخاب را به دیگران وامی‌گذارد.

در این نقطه است که سؤال اساسی دیگری رخ می‌کند:

نقش محیط (هرچه بیرون از فرد است) در این فرایند تکامل چیست؟

در واقع، حساس‌ترین نقطه‌ی بحث در همین‌جاست. نحوه‌ی پاسخ به این سؤال است که آموزشگران را به دو دسته تقسیم می‌کند:

آن چه این مجموعه نوشتارها در جواب این سؤال پیشنهاد می‌کند، این است که محیط باید کمک کند تا قدرت تفکر رشد کند. برای این کار لازم است که اطلاعات و دانش‌های متفاوت را که می‌تواند مواد خام برای تمرین تفکر و استدلال و تجزیه و تحلیل باشد، به فرد بدهد. اگرچه محیط می‌تواند با در نظر گرفتن فرهنگ جامعه و ارزش‌های دینی و سنتی جامعه، برخی اطلاعات و دانش‌ها را با اعتنا در مجموعه دانش‌های ارائه شده بگنجانند، ولی برای محافظت از قدرت اختیار و ناتوان نکردن آن، لازم است این اطلاعات و دانش‌ها، با جهت‌گیری‌های کاملاً یکسویه و غیرقابل بازنگری همراه نباشد.

هم‌چنین، محیط باید با دادن امکان انتخاب، از کودکی جرئت او را در انتخابگری تقویت کند. عزز این امکان انتخابگری باید به اندازه‌ی کافی وسیع باشد. غیر از آن چه به سلامتی او به صورت کاملاً مشخص و عینی صدمه می‌زند و یا ممکن است به بزهکاری اجتماعی منجر شود، یا او را از حیطه‌ی انسان نرمال به مفهوم روان‌شناسی خارج می‌کند، قدرت انتخاب باید فرد را فعال و با جرئت سازد.

فطرت آسیب‌پذیرترین نیرو در بین سه نیروی فوق است. برخلاف تصور رایج که مراقبت از فطرت را در نظارت و کنترل آن می‌دانند، بهترین راه مراقبت از فطرت، جلوگیری از وارد کردن هرگونه فشار و تحمیل به آن است. فطرت تمایلی است که راه تکامل را به انسان نشان می‌دهد این راه برای هر کس متفاوت است. محیط با برداشتن هرگونه

کلیدواژه‌ها: هوش های یادگیری، هوش عاطفی، هوش میان فردی.

اشاره

هر چند مطالعه و بحث‌های فلسفی در مورد ارتباط هوش با عاطفه یا هیجان، به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش برمی‌گردد، اما هوش هیجانی یا عاطفی مقوله‌ای است که اخیراً در بحث‌های روان‌شناسی، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، جنس آن چه هوش عاطفی را شامل می‌شود، به ارتباط با دیگران و بودن در کنار آنان اشاره دارد. به همین سبب، از بر کاربردترین موارد این حوزه، تعلیم و تربیت و ارتباط معلم و دانش‌آموز است. بر این اساس، در نوشته‌ی حاضر، علاوه بر معرفی آخرین دسته‌ی هوش‌های چندگانه که هوش میان فردی است، به هوش عاطفی نیز پرداخته‌ایم.

از هوش‌های چندگانه تا هوش هیجانی

لیلا سلیقه‌دار

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی



هنگامی که از هوش میان فردی سخن به میان می‌آید، فردی را ترسیم می‌کنیم که در درک دیگران، از توانایی بالایی برخوردار است. می‌داند که چه چیزی خودش و با دیگران را انرژی‌بخیزد، چگونه می‌تواند با دیگران به صورت مشارکتی فعالیت کند و دیگران چگونه با یکدیگر همکاری می‌کنند. بدیهی است، جنس ویژگی‌هایی از مهم‌ترین نشانه‌های رفتار معلم به حساب می‌آیند. این نکته به این معناست که معلم بنا بر حرفه‌ی خود، ناخواسته باید هوش میان فردی خود را پرورش دهد تا موفق و تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، این هوش (هوش میان فردی) در کنار هوش درون فردی که در شماردهای قبل به آن پرداخته شده است، پایه و اساس آن چیزی است که امروزه هوش عاطفی شناخته می‌شود.

فردی دارای هوش میان فردی کسی است که دیگران غالباً برای مشورت و راهنمایی به او مراجعه می‌کنند. این افراد به انجام کارهای گروهی علاقه‌مندند و هنگام مواجهه با مشکلات، بودن در کنار دیگران را به پناه بردن به تنهایی ترجیح می‌دهند. دانش‌آموزان با توانایی بالایی ارتباط میان فردی با همسالان خود معاشرت خوبی دارند و معمولاً رهبران شاخه‌های در گروه می‌شوند. آن‌ها دوستان خود را صیحت می‌کنند و از انجام بازی‌ها و سایر فعالیت‌های گروهی بسیار لذت می‌برند. جالب است که دیگران هم از بودن با او و هم صحبتی و انجام فعالیت‌های مسریک یا او، احساس رضایت و شادی دارند.

نسه این ترتیب به نظر می‌رسد، شناسایی این دسته از دانش‌آموزان بسیار ساده و البته استفاده از آن‌ها برای پیشبرد اهداف آموزشی بسیار تأثیرگذار است. بر این پایه، تشکیل انجمن‌های علمی دانش‌آموزی که در آن فراگیرندگان علاقه‌مند به یک موضوع علمی، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و به بحث و تبادل نظر می‌پردازند، می‌تواند مفید باشد. هم‌چنین، اجرای کنفرانس توسط دانش‌آموز در کلاس درس، ایفای نقش معلم و یا سایر عوامل اجرایی در کلاس

**در کلاسی که توسط
معلمی با توانایی عاطفی
بالا اداره می‌شود،
دانش آموزان از آرامش،
صمیمیت، همکاری و
نیز یادگیری بیشتری
برخورد دارند**

اجتماعی، تاریخ و مواردی از این دست، قابلیت کاربرد دارد
این مراحل عبارت‌اند از:

۱. تشخیص احساسات: در این مرحله، باید بتواند حس
خود و یا فردی را که قرار است رفتار او را نقد کند، تشخیص
دهد.

۲. شناسایی مسئله: حالا باید مسئله‌ی مورد نظر را
بررسی و یک بار دیگر با سطح درک خود بیان کند.

۳. طرح‌ریزی و انتخاب اهداف: در این مرحله، او تعیین
می‌کند که انتظار دارد به چه چیزهایی برسد و هدف او در
این انتخاب چیست؟

۴. ارائه‌ی فرضیه‌ها: در این حالت، او اقدام به ساختن
فرضیه‌هایی می‌کند که احتمال می‌دهد نتیجه بگیرد.

۵. تفکر در مورد پیامدها: حالا برای هر راه‌حل، نقاط
قوت و ضعف آن را بیان می‌کند.

۶. انتخاب یک راه‌حل

۷. به‌کارگیری راه‌حل انتخابی

۸. مشاهده‌ی پیامدها و نتایج ارزیابی آن: ارزیابی نوع
انتخاب و عملکرد خود، منبع بسیار مهمی برای ایجاد شناخت
در مورد توانایی‌های خود و افزایش آن است.

در کلاسی که توسط معلمی با توانایی عاطفی بالا اداره
می‌شود، دانش‌آموزان از آرامش، صمیمیت، همکاری و نیز
یادگیری بیشتری برخوردارند. در چنین کلاسی، دانش‌آموز
همان‌طور که هست، مورد پذیرش معلم و دوستان خود
قرار می‌گیرد و با مشارکت در انجام پروژه‌های کلاسی و
آموزشی، توانایی کنترل خود را می‌افزاید.

معلمان می‌توانند شرایط رشد توانایی عاطفی را در
کلاس درس ایجاد کنند و زمینه‌ی ارتقای هوش عاطفی
خود و دانش‌آموزان را در کنار موضوع درسی پی‌ریزی و
قراهم کنند. اگر می‌خواهید بدون انجام هیچ تست پیچیده‌ی
روان‌شناسی، به میزان هوش عاطفی خود نمره دهید، کافی
است به چهار سؤال زیر پاسخ دهید:

✓ تا چه حد قادر به شناسایی عواطف خود و دیگران هستم
و می‌توانم نوع حس آن‌ها را تشخیص دهم؟

✓ تا چه حد می‌توانم در موقعیت‌های گوناگون، هیجان و
احساس‌های مناسبی از خود بروز دهم؟

✓ تا چه اندازه قادر به درک احساس خود و دیگران هستم و با
کمترین تلاشی از سوی دیگران، می‌توانم آن‌ها را درک کنم؟

✓ آیا بر رفتار و تصمیم‌های خود کنترل دارم و می‌توانم
هیجانانتم را کنترل کنم؟ در مورد دیگران چه‌طور؟ آیا
می‌توانم در مواجهه با آنان، احساساتشان را کنترل کنم و در
مواقف لازم موجب برانگیختن آن‌ها شوم؟

و مدرسه، برپایی جلسات معماهای گروهی که عده‌ای از
دانش‌آموزان به صورت مشترک به یافتن راه‌حل آن اقدام
می‌کنند و همچنین اختصاص زمان به بیان مسائل متفاوت،
می‌تواند به پرورش هوش میان فردی کمک کند و البته
برای ذائقه‌ی دانش‌آموزان دارای این نوع توانایی، شیرین
و اثربخش باشد.

حال دانش‌آموزی که باید در کنار سایرین به انجام
فعالیت‌های گوناگون بپردازد، نیازمند داشتن توانایی مضاعفی
است که از آن به هوش عاطفی یا هیجانی یاد می‌کنیم. برای
روشن شدن حیطه‌ی هوش عاطفی، لازم است توانایی‌های
عاطفی را به صورت جزئی‌تر مورد توجه قرار دهیم.

یکی از حوزه‌های مربوط به هوش عاطفی، توانایی
شناسایی عواطف و احساسات گوناگون است. بدیهی است
که این مرحله، پایه‌ای برای ابراز درست احساسات است.
دانش‌آموزی که می‌داند در موقعیت خشم‌انگیز قرار دارد یا
در موقعیت ترس‌آمیز، بهتر از فردی که این دو حس را از هم
تمیز نمی‌دهد، واکنش نشان خواهد داد.

شناسایی درست احساس، موجب می‌شود که به طرز
مناسب‌تری از سایر قوای تفکر و ذهنی خود برای مقابله با
هیجانان استفاده کنیم. علاوه بر این، هوش عاطفی باعث
می‌شود که فرد عواطف و هیجانان را به اجزای گوناگون
تجزیه کند به همین علت، می‌تواند به سهولت یک حس
را به دیگری تبدیل کند. برای مثال، فرد در مواجهه با غم
می‌تواند به تجزیه و تحلیل بپردازد و حس درونی خود را
براساس شرایطی که در آن قرار دارد، به صورت دیگری
مانند نداشتن غم و یا حتی شادی نشان دهد.

این توانایی، به نوعی توانایی مدیریت عواطف نیز
به‌شمار می‌رود، یعنی فرد می‌تواند احساسات خود و دیگران
را کنترل و آن‌ها را مدیریت کند. برای مثال، معلمی که
با نزاع و اختلاف بین دانش‌آموزان خود مواجه می‌شود،
باید بتواند ابتدا با کنترل هیجان خود، به مدیریت خشم و
احساسات منفی دانش‌آموزان بپردازد و سپس آن‌ها را در حل
مسائلشان راهنمایی کند. در حالتی ایده‌آل‌تر، لازم است معلم
شیوه‌های مدیریت هیجان‌ها را به صورت عملی در رفتار
خود به دانش‌آموزان نشان دهد. البته از آموزش‌های مستقیم
نیز غافل نباشد. برای مثال، آموزش شیوه‌ی هشت مرحله‌ای
تصمیم‌گیری می‌تواند به توانایی عاطفی دانش‌آموزان کمک
کند. در این شیوه، دانش‌آموزان در برابر موقعیت‌هایی که باید
انتخابی داشته باشند، ترغیب می‌شوند که هشت مرحله‌ی
زیر را طی کنند. لازم به ذکر است، این شیوه برای تدریس
دروسی که به نقد عملکرد افراد نیاز دارد، مانند دروس علوم

منابع

۱. کامکاری، کامبیز - افروز، غلامعلی.
روان‌شناختی هوش و خلاقیت: تاریخچه،
نظریه‌ها و رویکردها. تهران: مؤسسه
انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۲. کریمی، مصطفی. بچه‌ی باهوش
کیه؟ تهران: سپهر، ۱۳۸۴.
۳. نعمت‌آهنگ، مسرور. تقویت
هوش و استعداد تحصیلی کودکان
تهران: فرارین، ۱۳۷۳.
۴. وطن‌خواه، حمیدرضا -
ابوالقاسمی، شهنام. روان‌شناسی
هوش. تهران: احسن، ۱۳۸۷.
5. Rich, Elaine & Knight, Kevin.
Artificial intelligence. New
York (1991): McGraw-Hill.
6. Russell, Stuart J & Norvig, Peter.
Artificial intelligence: a modern
approach; Tehran: 2006; Nas
7. Hart, L. (1981, March). Don't
teach them: Help them Learn.
Learning 9 (8), 39-40

ریاضی به کدام سو می رود؟

یاسمن محمودی

انجام شده در دانشگاه شهید رجایی، برخی از نتایج به دست آمده را این گونه بیان کرد: «در مبحث هندسه و تساوی مثلث‌ها، کتاب نیازمند اصلاح است. در بخش حل مسئله، با توجه به ناکافی بودن آموزش‌های معلمان، به نظر می‌رسد اهداف مدنظر به دست نیامده‌اند. در مباحث اعداد صحیح، فریبنه‌بانی و مختصرنویسی، ابهاماتی برای دانش‌آموزان وجود دارد.» همچنین، یکی از موضوعات مهم مورد مناقشه در کتاب‌های موجود، ورود مائش حساب و بازی‌های مرتبط با مفاهیم کتاب‌های درسی است. زیرا از این طریق، می‌توان بر جذابیت کتاب و درس ریاضی افزوده و فرایند فراگیری را تسهیل کرد. تولید محتوای انکترونیکی، یکی از موضوعات مهمی است که امروزه به توجه ویژه از جانب مسئولان مربوطه نیاز دارد. در عین حال، در اکثر کشورهای دنیا، کتاب‌هایی با عنوان کتاب کار برای دانش‌آموزان تدوین می‌شوند که متأسفانه این موضوع در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. پس از پایان سخنان دکتر امینی‌فر، دبیران ریاضی هر یک نقطه نظرات و انتقادات خود را مطرح کردند. از جمله این انتقادات، می‌توان به ناکافی بودن ساعات درس ریاضی و عدم تطبیق زمان کلاس با محتوای کتاب اشاره کرد. اکثر معلمان معتقد بودند، حجم کتاب بسیار زیاد و زمان کم است. این امر موجب پایین آمدن کیفیت آموزش شده است. همچنین، تعدد در سرفصل‌های کتاب درسی، از عمق محتوای آن کاسته است.

خواست نهایی معلمان ریاضی، به کارگیری دیدگاه‌ها، تجربیات و پیشنهادات آن‌ها در تدوین و تألیف کتاب‌های درسی است؛ به نحوی که مشارکت دبیران و مؤلفان، به ارتقای کیفیت کتاب‌های ریاضی دوره‌ی راهنمایی بیجامد.

نشست علمی-کارشناسی نقد و بررسی کتاب‌های ریاضی دوره‌ی راهنمایی با حضور حجت‌الاسلام دکتر صادقی، معاون دفتر راهنمایی، دکتر عالمیان، کارشناس مسئول گروه ریاضی، دکتر بروجرديان، استاد دانشگاه، دکتر امینی‌فر استاد دانشگاه و جمعی از دبیران و متخصصان، در تاریخ ۱۵ دی ماه ۸۸ در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی برگزار شد.

در این نشست، کتاب‌های ریاضی دوره‌ی راهنمایی، بر مبنای سه محور، ورود حل مسئله به کتاب‌های درسی راهنمایی، به کارگیری مفاهیم ارائه شده در محیط و ارتباط منطقی بین مفاهیم ریاضی، مورد بحث و بررسی کارشناسان قرار گرفت. دکتر بروجرديان در آغاز این نشست، دیدگاه خود را نسبت به کتاب‌های ریاضی دوره‌ی راهنمایی این گونه تشریح کرد: «بخش زیادی از مطالب کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی، در دوره‌ی متوسطه تکرار می‌شود. این موضوع می‌تواند بیانگر عدم موفقیت دوره‌ی راهنمایی در تحقق اهداف از پیش تعیین شده باشد. مفاهیمی مانند «بردار» یا «تساوی مثلث‌ها»، با دوره‌ی راهنمایی تناسب ندارد و بهتر است در دوره‌ی متوسطه تدریس شود. نمادسازی در کتاب‌های ریاضی این دوره، در مواردی اشکال دارد. در تدوین و تألیف این کتاب‌ها، از نوع برنامه‌ی درسی منسجم استفاده نشده است. با توجه به این که ایجاد بحث و گفت‌وگو میان دانش‌آموزان، یکی از اصول آموزشی است، به نظر می‌رسد کتاب‌های موجود نمی‌توانند شرایط مناسبی برای ایجاد بحث فراهم سازند.» دکتر بروجرديان در پایان سخنان خود متذکر شد که اصلاح کلی کتاب‌های موجود ضروری به نظر می‌رسد.

دکتر امینی‌فر، با اشاره به بررسی کتاب‌های ریاضی دوره راهنمایی، تحلیل محتوایی این سه کتاب و پژوهش‌های



که دولت فرانسه‌ی آزاد را در انگلستان تشکیل داده بود، پس از جنگ، کشورش را آزاد کرد و خود رئیس‌جمهور فرانسه شد. شعر آزادی در چنین قضایی که اشاره کردیم، یعنی در سال ۱۹۴۱، در بجه‌ی اشغال فرانسه سروده شد. آن‌طور که بل الوار گفته است، وی قصد داشته شعر عاشقانه‌ای برای همسرش بگوید، اما به مرور که پیش می‌رود، احساس می‌کند شعرش نمی‌تواند تنها برای محبوبش باشد، بلکه می‌تواند خطاب به همه‌ی انسان‌های دربندی باشد که در حالت اسارت، هر یک نام عشق خویش را می‌نویسند و وجه مشترک همه‌ی آن‌ها آزادی از اسارت است. از این‌رو، نام شعر خود را آزادی نامید. اینک توجه شما را ترجمه به شعر آزادی - همان قسمت که در کتاب سوم می‌خوانید - که نگارنده به وزن شعر فارسی سروده است، جلب می‌کنیم.

ای آزادی

بر روی دفترهای مشقم،
روی میزم
بر روی اشجار و درختان
بر روی برف و روی شن‌ها
نام تو را من می‌نویسم!

بر روی اوراق کتابم: صفحه‌های دفترم
بر روی سنگ و کاغذ و خاکستر و خون
نام تو را من می‌نویسم!

بر روی جنگل‌ها، بیابان
بر آشیان‌ها، روی گل‌ها
نام تو را من می‌نویسم!

بر پاره‌های ابرها در آسمان لاجوردی،
بر روی مرداب
بر ماهتاب نیمه شب
بر روی رود و ماه و مهتاب
نام تو را من می‌نویسم!

ای واژدهی سرشار از نیروی هستی
من آمدم سوی جهان
تا زندگی را؛
با نام تو، همراه تو، از سر بگیرم
ای، آزادی!



جعفر ربانی

Pole eluvar پل الوار

اروپا گذاشته، بیان این نکته را از این جهت لازم دیدیم که بدانیم، جایگاه پل الوار در ادبیات قرن بیستم اروپا تا چه پایه است.

شعر آزادی

اساره کردیم، شعر آزادی یکی از مشهورترین آثار پل الوار است. در مورد چگونگی سروده شدن این شعر، باید اشاره‌ای تاریخی داشته باشیم. هنگامی که هیتلر، جنگ جهانی دوم را در سال ۱۹۳۹ م آغاز کرد، در همان آغاز با حملات برق‌آسای خود، چند کشور پیرامون آلمان از جمله فرانسه را اشغال کرد و حتی پایتخت آن، یعنی شهر پاریس را هم به تصرف درآورد.

در پی آن، پل رینو، نخست‌وزیر فرانسه، استعفا داد و یکی از نظامیان با سابقه و برجسته‌ی فرانسه به نام مارشال پتن جانشین او شد. پتن چون فرانسه را در اشغال کامل دشمن دید، تصور کرد اگر بخواهد با آلمان مبارزه کند، گرفتار جنگ سهمگینی خواهد شد و آن‌ها شهر پاریس را همانند ورسو، پایتخت لهستان، با خاک یکسان خواهند کرد. از این‌رو، همراه با فرماندهانش، فرار داد. تسلیم فرانسه به آلمان را امضا کرد و پایتخت خود را نیز از پاریس به شهر دیگری به نام «ولیش» انتقال داد.

بدین ترتیب، اگرچه فرانسه از جنگ نجات یافت و مانند دیگر کشورهای اروپا ویران نشد، ولی مردمش تا پایان جنگ زندگی سختی را زیر چکمه‌ی اشغالگران نازی سیری کردند تا سرانجام ژنرال دوگل

شعر آزادی که سال‌های سال است در کتاب فارسی سوم راهنمایی خوانده می‌شود و سراینده‌ی آن پل الوار است، از شعرهای نسبتاً معروف ادبیات جهان است که به زبان‌های متعدد نیز ترجمه شده است. جا نارد شما همکاران محترم را با سراینده‌ی این شعر و جوانب آن آشنا سازیم. نخست اشاره می‌کنیم که اصل شعر آزادی، شعری بلند و نسبتاً طولانی است، اما تنها چند بند آن برای درج در کتاب فارسی سوم انتخاب شده است. پس، اگر کسی به خواندن کامل آن علاقه‌مند باشد، فعلاً ساده‌ترین راه، جست‌وجو در اینترنت است.

پل الوار کیست؟

نام اصلی او اوژن گرنندل بود، ولی به نام پل الوار شهرت یافته است. در خانواده‌ای معمولی در فرانسه زاده شد (۱۸۹۵ م). دوره‌ی دبیرستان را می‌گذرانید که به بیماری سختی مبتلا شد و از تحصیل بازماند. ناچار برای درمان به سوئیس رفت و پس از یک سال و نیم، به پاریس برگشت. الوار از نوجوانی طبع شعر داشت، ولی نخستین مجموعه شعر خود را به نام وظیفه و اضطراب، در سن ۲۲ سالگی منتشر کرد. سال بعد هم مجموعه‌ی دیگری با نام اشعاری برای صلح به چاپ رساند.

پل الوار به اتفاق لویی آراگون، فیلیپ سوبیو و آندره برتون، سه نفری هستند که مکتب ادبی سوررئالیسم را در فرانسه تأسیس کردند؛ مکتبی که تأثیر زیادی بر ادبیات معاصر



ما مقصودیم

حسین افصح

و میوه فکر نکشد. منظورم گپ و گفت تربیتی و آموزشی است؛ آن هم از آن نوع مرغوبش که هر جایی پیدا می‌شود. خب، تصور بفرمایید یک روز وسط هفته است، مدرسه نیم‌ساعتی می‌شود که تعطیل شده و شما مثلاً در دفتر مدرسه نشسته‌اید که آقای حشمتی (سر دبیر محترم همین مجله‌ی خودمان که ما صدایش می‌زنیم حاجی) وارد می‌شود. روبه‌روی شما می‌نشیند نه می‌گذارد و نه برمی‌دارد، می‌گوید: حسین، تلخ می‌نویسی! آن قدر راحت می‌گویی که انگار مثلاً گفته باشی: حسین، هوا سرد است یا مثلاً حسین، استیمنت گچی شده است. شما نگاه می‌کنی به‌دور و برت و می‌بینی که این آقا حسین که مخاطب جناب حاجی است، فقط یک نفر می‌تواند باشد - جی را تلخ می‌نویسم حاجی؟

بسیار خب، حق با شماست. همه‌ی ما می‌دانیم که خواندن یک داستان، بسیار بهتر، سرگرم‌کننده‌تر و بازمه‌تر از خواندن تراوشات ذهنی امثال بنده است. مخصوصاً وقتی که مدت‌ها از آخرین قیرگونی ذهن این حقیر گذشته باشد و یا هر بارالی حساسی نشد کند.

این بار و برای آخرین بار بر این حقیر بختند خواندن داستان را فراموش کنید. این بار شما را به خواندن فلسفه مهمان می‌کنم.

همه‌ی ما می‌دانیم که برای جماعت معلم، گپ و گفت، از نان شب هم واجب‌تر است. اصلاً این جماعت را ساخته‌اند که قبل از شروع کلاس‌ها، در زنگ تفریح و بعد از پایان کلاس‌ها بنشینند و گپ بزنند. شما را به خدا، برای لحظه‌ای به قیمت نان

- داستان‌های هم‌ماش تلخ است. آدم را افسرده می‌کند.
دل آدم می‌گیرد.

- خوب شاید شما مشکل داری حاجی.

- خودت را به آن راه تزن مرد مؤمن، ما خودمان این کاره هستیم.
- چه کاره هستی مثلاً؟

- حتماً باید یک معلم پیر را داخل ایستگاه اتوبوس توی برف و سرما یک ساعت معطل کنی تا باور کنیم که تهایی بد دردی است؟
(داستان «آسمان سربی، دل ابری» را می‌گوید) حتماً باید یادمان بیندازد که زمانی دور و بر این پیرمرد تنها، صدها بچه می‌چرخیدند تا باور کنیم که فراموش شده است؟ حتماً...

- حاجی تقصیر من نیست. تقصیر دنیای شماست که دلش به اندازه‌ی مرگ سرد است و...

- و نگاهش به اندازه‌ی زندگی گرم.

- باور می‌کنی؟

- چرا معلم تو باید خودش را بیندازد توی آب، آن هم وقتی که شما بلد نیستی؟ (داستان «یک معلم ساده» را می‌گوید که سردبیر مجله، بی‌اجازه اسمش را عوض کرد و عنوان بی‌معنی «اردوی نجات» را گذاشت رویش.)

- چون کس دیگری این کار را نکرد.

- چرا کس دیگری این کار را نکرد؟ همان‌ها که ورز شکار بودند و شما بلد بودند، چرا این کار را نکردند؟

- چون قهرمان داستان من نبودند.

- شاید هم تو یک جنازه می‌خواستی...

- تا یادمان نرود بعضی از این معلم‌ها دلشان دریاست، توقعشان قطره، عملشان کوه است، حرفشان...

- شعار می‌دهی حسین جان. خودت هم خوب می‌دانی. یک اسطوره می‌سازی، حرف‌های بزرگ در دهانش می‌گذاری. اجازه می‌دهی یک ساعت نصیحت‌مان کند، فلسفه بگوید، سخن‌رانی کند و در نهایت او را مغلوب سرطانی می‌کنی. (داستان «شبانه‌روزی صداقت» را می‌گوید) و در نهایت از گرمای آتش وجودش، کمی خاکستر به‌جا می‌گذاری تا باد آن را ببرد پای درختی که مثلاً زندگی را از تو باور کند... چرا؟ دوست داری برایش دل بسوزانیم؟ نمی‌شود این قهرمان‌های داستان‌های تو شاد باشند؟ بخندند؟ زندگی کنند؟ آیا ایثار و مرگ، توأمانی جدانشدنی هستند؟

- حاجی این‌ها را به من نگو. من مقصر نیستم.

- پس مقصر کیست؟

- مقصر شما هستی حاجی، من هم مقصر هستم. همه‌ی ما مقصریم. همه‌ی کسانی که مجله‌ی شما برای آن‌ها چاپ می‌شود. همه‌ی معلمان، همه‌ی مردم، ما مقصریم، چون عاشق کشته شدن قهرمانانمان هستیم. ما مقصریم، چون ایثار را ققنوسی می‌دانیم که از خاکستر مرگ متولد می‌شود. به تاریخ خودت و تاریخ این مردم

نگاه کن، به رسوم و آداب و عاداتمان نگاه کن. هر سال، روز معلم، روز نوازده اردیبهشت، به معلمان خود چه می‌گوییم؟ معلم عزیزم، ای شمع‌ی که می‌سوزی... معلم چو کانونی از آتش است... ای معلم، ای فدایی عشق... آیا تقصیر من است که شما معلم را می‌سوزانید تا روشنی بدهد؟ آتشش می‌زنید تا گرم کند؟ فدایش می‌کنید تا عشق را باور کند؟ همین امروز، همین الان، برو بین مردم و چرخ بزن و بگو معلمی، تا همه‌ی بدبختی عالم را پیشکشت کنند.

شما فکر می‌کنی اگر در این داستان‌های کذا، پیرمرد یخزده را می‌گذاشتیم کنار یک بخاری گرم یا مثلاً داخل باغچه‌ای گل تا نوران بازنشستگی‌اش را با آب دادن به گل‌ها سپری کند، خوانندگان مجله‌ی شما خوششان می‌آمد؟ راضی می‌شدند؟

یا مثلاً اگر اردوی جاجرو در یکی داستان را به خیر و خوشی تمامش می‌کردم، خوانندگان شما باور می‌کردند که بعضی آدم‌های بی‌ادعا، بعضی از معلمان، با تمام وجود، کارشان را و دانش‌آموزانشان را دوست دارند و حاضرند برای ایشان از هیچ‌چیز خود بگذرند؟ بی‌هیچ متنی، بی‌هیچ ادعایی.

اگر آقای کریمی شبانه‌روزی صداقت را به سرطانی گرفتار نمی‌کردم و می‌گفتم که قلبش همیشه برای بچه‌ها می‌تپید و الان هم برای آن‌ها می‌تپد، خنده‌تان نمی‌گرفت؟ اگر از زبانی غیر از زبان کریمی درد کشیده و از خود گذشسته می‌گفتم که به‌خاطر خدا، از این که دانش‌آموزان را ساعت به ساعت نصیحت کنید، دست بردارید، تربیت یعنی سکوت، یعنی عمل، یعنی همراهی، گوش می‌کردید؟ قبول می‌کردید؟

- سلوغش می‌کنی.

- باور کن من هم دوست دارم که قهرمانان داستان‌های من و شما، سوار ماشین مناسب شوند در خانه‌ی مناسبی زندگی کنند دوران بازنشستگی راحتی داشته باشند، مسافرت بروند در آرامش کتاب بخوانند و بنویسند... معلمی برایشان هم دنیا باشد، هم آخرتند اما شما دوست ندارید، خوانندگان مجله‌ی شما دوست ندارند، ما عادت داریم، تا قهرمانان داستان‌هایمان و معلمانمان، زیر بار زندگی له نشوند، حرفشان و عملشان را باور نمی‌کنیم.

- متأسفم. داستان که می‌نویسی، تلخ می‌نویسی. وقتی هم که انتقادی می‌شوی، تلخ جواب می‌دهی. داستان بعدی را کی تحویل می‌دهی؟ می‌خواهم مجله را بفرستم برای صفحه آرای.

- حاجی شما همین را داشته باش به جای داستان.

حاجی لیبور می‌چیند و می‌رود. چهره‌اش نشان می‌دهد که قانع نشده است. احتمالاً با خودش فکر می‌کند که این پسر نفسش از جای گرمی بلند می‌شود که به‌جای داستان نوشتن، برای من فلسفه می‌بافد. حق هم دارد. در تمام مدت این گفت‌وگو، من کنار بخاری نشسته بودم و جایی می‌خوردم. احتمالاً اگر خودم را از پنجره پایین می‌انداختم و له می‌شدم، حرفم را بیشتر باور می‌کرد.



آیا گوش شنوایی هست؟

میزگرد نقد و بررسی کتاب‌های درسی جغرافیای دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

سریه محمدنژاد

اشاره

نشست این شماره‌ی «رشد آموزش راهنمایی» در زمینه‌ی نقد و بررسی کتاب‌های درسی، به کتاب‌های جغرافیای اول، دوم و سوم راهنمایی اختصاص یافته است.

در این نشست که آقای کورش امیری‌نیا، کارشناس مسئول گروه جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، آقایان جواد باباخانی، شکرالله فضائلی و بهزاد ابوالحسنی از دبیران علوم اجتماعی، و نیز آقای منصور ملک‌عباسی، کارشناس گروه مطالعات اجتماعی و عضو شورای تحریریه‌ی مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی حضور داشتند، ضمن نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف کتاب‌های درسی جغرافیای دوره‌ی راهنمایی، نظرات اصلاحی شرکت‌کنندگان پیرامون این کتاب‌ها نیز ارائه شد. حاصل این نشست را به شما مخاطبان عزیز تقدیم می‌کنیم.

داشته باشند. ما با دوستان که صحبت می‌کردیم، نظریان این بود که دانش‌آموزان هنوز در جهت‌یابی و یا مفهوم فلات مشکل دارند و علی‌رغم این که مثال‌های متفاوتی را می‌آوریم، باز مفهوم فلات برای بچه‌ها مبهم می‌ماند و ناچار آن را حفظ می‌کنند.

اگر ما خواهیم دانش‌آموزان به تولید دانش برسند، هر درس با سؤالاتی آغاز شود. بحث دیگر این که در پایان بعضی از درس‌ها نوشته شده است «تحقیق کنید». در صورتی که دانش‌آموز معنی تحقیق و مراحل تحقیق را نمی‌داند و برایش روشن نیست که چه اهدافی را باید در تحقیق دنبال کند، خیلی کلی گفته شده است که تحقیق کنید.

نکته‌ی دیگر جایگاه ایران در کتاب است، باید با مطرح کردن چند قلم از کالاهایی که ما تولید می‌کنیم - چه کشاورزی و چه معدنی- هویت و غرور ملی دانش‌آموز را تقویت کنیم. جایگاه ایران در این عقوله‌ها مشخص نیست که اگر مشخص شود، تقویت غرور ملی را می‌تواند دربر داشته باشد.

فضائلی: ضمن تشکر از این که می‌بینم گوش شنوایی هست تا درد دل دانش‌آموزان و معلمان را بشنود، نکاتی را مطرح می‌کنم. نکته‌ی اولی که من می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که در ابتدای کتاب اول راهنمایی، جا دارد که در رابطه با اهمیت نقشه مطلبی باشد.

موضوع دیگر، بحث جهت‌یابی است. ما در کلاس سوم مطلبی درباره‌ی جهت‌یابی و جهات اصلی و فرعی داریم که فکر می‌کنم، اگر این مطلب را در ابتدای کتاب اول راهنمایی بی‌آوریم، بهتر باشد. چون در دو صفحه‌ی بعد، جهات شمال شرقی و جنوب غربی ایران را خواسته است.

ملک‌عباسی: قبل از هر چیز از حضور آقای امیری‌نیا، کارشناس مسئول گروه جغرافیا، و نیز حضور دبیران محترمی که از مناطق گوناگون تهران تشریف آورده و در این میزگرد شرکت کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

اوایل تابستان امسال، در شورای برنامه‌ریزی محله‌ی رشد آموزش راهنمایی تصمیم گرفته شد، به نقد و بررسی کتاب‌های درسی بپردازیم. نشست امروز به نقد و بررسی کتاب‌های درسی جغرافیای دوره‌ی راهنمایی اختصاص دارد. لذا از عزیزان تقاضا داریم که از جنبه‌های مختلف به نقد و بررسی کتاب‌های جغرافیا بپردازند. خوش‌حال می‌شویم که ابتدا آقای امیری‌نیا نقطه‌نظرات خود را ارائه فرمایند.

امیری‌نیا: بنده هم خوش‌حال هستم که در جمع دبیران محترم حضور دارم. آن‌شاء‌الله که بحث و بررسی در مورد کتاب‌های جغرافیای دوره‌ی راهنمایی به بهبود برنامه و کتاب‌های آن منجر شود. ما از نظرات دوستان دبیر استقبال می‌کنیم.

باباخانی: من ابتدا از همه‌ی کسانی که زحمت کشیده‌اند و مطالب بسیار گسترده‌ای را برای درس جغرافیا جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده‌اند، تشکر می‌کنم. با وجود این، به نظر ما این کتاب‌ها اشکالات و ابهام‌هایی هم دارند که آن‌ها را خدمت شما مطرح می‌کنم.

از کتاب جغرافیای اول راهنمایی و از روی جلد آن شروع می‌کنیم و آن این که روی جلد کتاب خیلی شلوغ است. اگر دقت کنید، نقشه‌ی ایران در آن گم شده است. این از نکاتی است که به راحتی اصلاح می‌شود. نکته‌ی دیگر این که دانش‌آموزان برای فهم و درک درس اول، حتماً باید مروری روی کتاب کلاس پنجم



از طرفی به ما می‌گویند که حجم را کم کنید، از طرف دیگر ساعت ما به حداقل رسیده است، یعنی کتابی که در هفته دو ساعت تدریس می‌شد، الان ۴۵ دقیقه زمان دارد. پس ما مجبوریم تا حد امکان از مفاهیم و حجم کتاب کم کنیم. اما خیلی از این نکاتی که دوستان مطرح کردند، ما در کتاب راهنمای معلم آورده‌ایم.

دوستان فرمودند، کتاب حالت حفظی و دانشی دارد، ما منکر نیستیم. چون این کتاب بر مبنای راهنمای برنامه‌ی درسی نوشته نشده است. قبول داریم، اما سعی کردیم همین محتوا را به شیوه‌ی فعالی دریاوریم. هر درس با طرح یک سؤال شروع می‌شود که انگیزه به‌وجود می‌آورد و سبب تفکر می‌شود. یعنی عنوان درس، فضایی را آماده می‌کند تا دانش‌آموز ما هم وارد میدان شود ولی به هر صورت محدودیت‌ها و مشکلاتی داریم.

نکته‌ی پایانی که در این قسمت خدمت شما عرض می‌کنم، بحث نقشه است. خوش‌بختانه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و سازمان نقشه‌برداری، طی کار مشترکی نقشه‌ها و اطلس‌هایی هدفمند و متناسب با نیاز دانش‌آموزان تهیه کردند که قرار شد در همه‌ی مدارس راهنمایی توزیع شوند. یک نقشه در مورد نواحی سه‌گانه‌ی ایران، یک نقشه جهان‌نما، و تمامی نقشه‌های مهمی که در کتاب‌های اول، دوم و سوم آمده‌اند. در کنار این نقشه‌ی جهان‌نما، در یک ستون تحت عنوان نقشه‌خوانی، بحث اهمیت نقشه، جهت‌های جغرافیایی و مقیاس نقشه آمده است. پیش‌بینی شده است، به هر کلاسی یک نقشه داده شود که احتمالاً اوایل سال تحصیلی توزیع می‌شود. در مورد نقشه‌ی گنگ هم باید بگویم، ما بحث نقشه‌ی گنگ را در کتاب راهنمای معلم آورده‌ایم.

نکته‌ی آخر این پرسش است که: ملاک و معیار رنگ‌آمیزی کشورها چیست؟ آیا ملاک خاصی دارد؟ آیا دلیل خاصی دارد که فلان کشور رنگ زرد شده است؟

باباخانی: در یک سری از درس‌ها بحث میانگین مطرح شده است. دانش‌آموز میانگین را نمی‌داند، چون درسش را نخوانده است. یک تعریف داخل کادر برای میانگین، میانگین بارش یا میانگین دما لازم است که در کتاب باشد. و جداول هم به‌روز شود.

ابوالحسنی: پیشنهاد من درباره‌ی درس جغرافیای کلاس اول است. خوب است در قسمت باورقی، تعریف خط استوا و نصف‌النهار مبدأ، برای یادآوری دانش‌آموزان آورده شود.

در مورد این مباحث، دانش‌آموزان و بعضی از همکاران سؤال می‌کنند سؤال بعد که دانش‌آموزان زیاد مطرح می‌کنند، این است که فرقی بگیر و تالاب چیست. هامون دریاچه است یا تالاب، می‌پرسند.

امیری‌نیا: من چند نکته‌ی اصلی را عرض می‌کنم. مشکل اصلی کتاب‌های جغرافیای اول، دوم و سوم راهنمایی این است که بدون راهنمای برنامه‌ریزی درسی نوشته شده بودند. خوش‌بختانه این مشکل این‌گونه حل شده است که برای این کتاب‌ها، کتاب راهنمای معلم نوشته شده است. که به این سوالات پاسخ داده شده است.

باید بدانیم، کتابی که الان ما می‌خوانیم، کتابی است که قبل از انقلاب اسلامی مرحوم خلیلی فر نوشته است. البته از سال ۱۳۵۷ به این طرف، تغییراتی در کتاب اعمال کردند و هر سال هم یک سلسله از اطلاعاتش را به‌روز کرده‌اند.

امیری‌نیا: رنگ‌آمیزی نقشه‌ها بحث فنی است. ما می‌گوییم از چه رنگی استفاده شود، یعنی سفارش از طرف ما داده می‌شود و چاپ‌خانه‌ها هم تا حد امکان سعی می‌کنند نزدیک به ایده‌های ما عمل کنند، اما مشکل فنی چاپ وجود دارد که از دست‌برس ما هم خارج است. آقای باباخانی در بیست‌هفادت خود فرمودند ما به بچه‌ها بگوییم تحقیق کنید دانش‌آموز ما در پایه‌ی سوم ابتدایی در درس علوم، تحقیق و فرضیه‌سازی را می‌خواند. خوش‌بختانه بعضی از کتاب‌ها در دوره‌ی ابتدایی از برنامه‌ی ما در دوره‌ی راهنمایی حمایت می‌کنند. کتاب علوم یکی از کتاب‌هایی است که دقیقاً ما را در امر تحقیق حمایت می‌کند.

فضائلی: ما هم همین نظر را داریم که رنگ‌آمیزی نقشه‌ها باید قانون و فاعده‌ای داشته باشد تا بدانیم، چرا فلان کشور قرمز یا رنگ دیگری شده است.

ملک‌عباسی: البته رنگ در نقشه، گاهی وقت‌ها جز نشان دادن تفاوت‌ها، معنی دیگری ندارد. مثلاً می‌خواهیم استان‌های ایران را نشان دهیم؛ رنگ‌ها دلیل خاصی ندارد. اما اگر بخواهیم وضعیت ناهمواری‌های ایران را بگوییم، در جلگه‌ی خوزستان به جای رنگ زرد که منظور آب و هواس، از رنگ سبز استفاده می‌کنیم و این‌جا رنگ معنا دارد. در نقشه‌های طبیعی رنگ معنا دارد. اگر رنگ مربوط به آب و هواس، موضوع هم باید آب و هوا باشد. اگر موضوع ناهمواری است، طبق قرارداد رنگ سبز برای جلگه استفاده می‌شود، نه رنگ دیگر.

باباخانی: در تقسیمات مهم‌ترین کشورهای آسیا که از زاین شروع شده تا تایوان، جایگاه ایران خوب ارائه نشده است. حس می‌کنم که باید در دانش‌آموزان حس غرور ملی و هویت ملی تقویت شود. گاهی وقت‌ها شور و هیجان باعث می‌شود، دانش‌آموزان در کلاس دست بزنند. ما می‌گوییم کتاب به شیوه‌ای باشد که هویت ملی ما را نشان دهد. نکته‌ی دیگر این است که تکلیف اقبانوسیه مشخص نشده است. معلوم نیست قاره است یا خیر.

فضائلی: دانش‌آموز درباره‌ی اعتقادات بودا و برهما سؤال می‌کند. من معلم مبتدی چه پاسخی بدهم؟ آیا این مطالب در کتاب راهنمای معلم گنجانده شده‌اند یا خیر؟ وقتی به منابع زیرزمینی نفت و گاز در آسیا اشاره می‌کنید، بد نیست از ایران به‌عنوان یکی از کشورهای بزرگ تولیدکننده‌ی نفت یاد کنیم. دانش‌آموز سؤال می‌کند مذهب ابتدایی چیست، یکی از سؤالاتی که خیلی از دانش‌آموزان می‌پرسند درباره‌ی ریشه‌ی زبان لاتین است یا تفاوت دین و مذهب چیست؟ توضیح این موارد در راهنمای معلم آورده شود.

ابوالحسنی: در ابتدای کتاب جغرافیای دوم، در تقسیم‌بندی خشکی‌ها، بر جدید و قدیم مطرح شده است، اما از درس اول، خشکی‌های جهان را براساس قاره‌ها تقسیم‌بندی کرده‌ایم. در کتاب سابق، شهرهای مقدس برهمانیان را توضیح داده بودیم که حالا در این کتاب حذف شده است، در حالی که هنوز شکل و تصویر آن هست.

امیری‌نیا: در جغرافیای دوم در بحث پوننش گیاهی، سده هم موافق هستیم، چون خودم هم تدریس می‌کنم. سعی می‌کنیم مطالب را طوری بیاوریم که فراگیرنده خودش تشابهات را مطرح کند و ما تفاوت‌ها را بگوییم. در محتوای کتاب درسی، متن اصلی و همین‌طور در راهنمای معلم، ما نقشه گنگ را آوردیم، فقط در آسیا این نقشه نیامده است که اگر فضای کتاب اجازه دهد این را هم مطرح می‌کنیم. یک سلسله نکات که دوستان گفتند، برخی‌ها به تدریس معلم، قرار نیست همه‌ی رساله‌ها را کتاب بر عهده بگیرد، معلم می‌تواند به گونه‌ای تدریس کند که ناگفته‌ها را بگوید. خیلی از مطالبی را که مورد توجه قرار نگرفته‌اند، معلم می‌تواند مطرح کند. خوش‌بختانه این اطلاعات در کتاب راهنمای معلم هست. شاید در بعضی از نقاط کشور دسترسی به منبعی نباشد و تنها منبع همین است.

بخش عمده‌ی نکاتی که فرمودند، در راهنمای معلم آمده است، ولی بعضی موارد که نیست، من آن‌ها را می‌گویم، در چاپ ۱۳۸۹ منظور شود.

ملک‌عباسی: اشاره شد که کتاب جغرافیای دوم راهنمایی برای معلمان کتاب کم‌درسری است. ولی این کتاب اصطلاحاتی را به کار برده است که هیچ زمینه‌ای ندارند. مثلاً انبار بیاگارا در محل گسلی است که کتاب راهنما باید اطلاعات مربوط به گسل را بدهد. ضمن این که جغرافیا به هر حال سؤالاتی را در ذهن دانش‌آموزان کنجکاو مطرح می‌کند که اصلاً جای طرح آن در کتاب نیست. در کتاب راهنمای معلم باید مطالب ضروری بیاید. البته سؤالات دانش‌آموزان بیش از این‌هاست و معلم باید توجه کند که این سؤالات بی‌پاسخ نمانند. لازم است از طرقی دیگر هم، به اطلاعات خود بیفزاید. مثلاً مستقماً با گروه جغرافیای دفتر مکاتبه کند.

امیری‌نیا: ما معتقدیم که جغرافیا یکی از مؤلفه‌های هویت است. ما در کتاب اول راهنمایی، در کادرهایی مطالبی را آورده‌ایم که خود به خود احساس غرور می‌کنیم. به عنوان نمونه، در درس پنجم، بحث خاورمیانه، نقشه‌ی ایران را آوردیم و ایران را یک کشور مهم و وسیع منطقه معرفی کرده‌ایم که برای دانش‌آموزان این ادبیات جالب است. در چاپ ۱۳۸۸، جایی که بحث صنایع مطرح می‌شود، از سروکاد نوشهر گفته‌ایم. در کتاب دوم راهنمایی نمایی از شهر نهبول را آورده‌ایم. که در سال قبل نبود. در بحث



گردشگری، بخشی از میدان نقش جهان اصفهان را آورده‌ایم. یعنی تلاش‌مان این بوده است که اگر کتاب اجازه دهد، مطالب ملی را به شکل مثبت و دوست‌داشتنی بیاوریم.

فضائلی: من سؤالی در مورد استفاده از کتاب راهنمای معلم که چاپ شده است، دارم. آیا این کتاب در اختیار همه‌ی مدارس قرار می‌گیرد؟ لازم است، حتماً این کتاب‌ها به همه‌ی مدارس برسد.

باباخانی: معلمان از گروه‌های آموزشی، کتاب راهنمای معلم را طلب می‌کنند و با توجه به بودجه‌ای که به مدارس اختصاص داده‌اند، بعضی‌ها این کتاب‌ها را خریداری نمی‌کنند و در انبار منطقه می‌ماند و از بین می‌رود. بعضی از گروه‌های فعال این کار را انجام می‌دهند و از مدارس می‌خواهند که پولی را واریز کنند تا کتاب‌ها ارسال شود.

ابوالحسنی: بعضی از نکات جغرافیای سوم با علوم سال دوم هماهنگی دارد. ما برای این که از حجم مطالب بکاهیم، می‌توانیم بعضی از قسمت‌ها را حذف کنیم؛ از جمله پوسته‌ی زمین که در علوم دوم هم هست، ما برای تنوع از دبیر علوم می‌خواهیم که این بحث را در کلاس جغرافیا برای بچه‌ها توضیح بدهد. هم‌چنین است بحث زلزله در کتاب آمادگی دفاعی سوم راهنمایی، باز یک بحث دلنا داریم که دانش‌آموزان در سال دوم نیز آن را خوانده‌اند. در صفحه‌ی ۵۴ عوامل مؤثر در آب و هوا آمده است که به نظر من این بحث حذف شود و آن را با انواع آب‌وهوا در درس بعد ادغام کنند و انواع آب و هوا به این ترتیب مطرح شود: آب و هوای اصلی عبارت‌اند از: آب و هوای گرم، معتدل و سرد. بعد میانگین دما و پوشش گیاهی را بگویند که در کتاب سابق این موضوع بود.

امیری‌نیا: مطالب شما را به دیده‌ی منت قبول می‌کنیم. من در مورد کتاب سوم یک توضیح کلی می‌دهم. کتاب سوم راهنمایی در اصل همان مبانی دانش جغرافیاست. بین سه کتاب دوره‌ی راهنمایی، این کتاب اهمیت خاصی دارد. معلم غیرمتخصص در تدریس این کتاب واقعاً به مشکل برمی‌خورد.

نگاه بعدی در تألیف این کتاب آن است که بعضی وقت‌ها پیش‌بینی می‌شود، بعضی از دانش‌آموزان از سال سوم به بعد ادامه‌ی تحصیل ندهند. این کتاب طوری طراحی شده است که حداقل نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کند. دانش‌آموز در کتاب سوم، شناختی نسبت به محیط اطراف خود پیدا می‌کند که او را قادر می‌سازد، از محیط بهره‌برداری کند.

پشت جلد، تصویر یکی از سازمان‌های مطرح در ارتباط با جغرافیا را آورده‌ایم که به تعبیری، معرفی یک نوع از مشاغل جغرافیاست تا دانش‌آموزان بدانند، اگر جغرافیا بخوانند، می‌توانند در چنین جاهایی مشغول کار شوند. ادغام بعضی از دروس از

کارهایی بود که ما در کتاب سوم انجام دادیم. من فکر کنم نسبت به سال‌های قبل کمبود وقت نداریم. درست است که چگالی مفاهیم در کتاب سوم بیشتر است، اما خوش‌بختانه راهنمای معلم این کتاب هم اصلاح و مجدداً چاپ و توزیع شده است تا بخشی از این مشکلات کمتر شود.

ملک‌عباسی: محتوای کتاب سوم همان‌طور که دوستان اشاره کردند، مباحث مبانی و عمومی است. من پیشنهاد می‌کنم که در کتاب راهنمای معلم اول و دوم بنویسیم: آقا یا خانم دبیر! شما به کتاب سوم نگاهی بیندازید. به هر حال شما که می‌خواهید مثلاً آب و هوای ایران را بگویید، اول مفهوم آب‌وهوا را متوجه شوید و بدانید که در دنیا نه گونه آب‌وهوا وجود دارد که سه مورد از آن‌ها در ایران مشاهده می‌شود.

نکته‌ی دوم این که معلم‌های جغرافیای سوم باید بعد از مدتی که تدریس می‌کنند، یک سلسله ملزومات کمک‌آموزشی این درس را فراهم کرده باشند.

مثلاً یک ماکت جغرافیایی یا قطب‌نمایی که یک دانش‌آموز ساخته یا یک نقشه که از جایی پیدا کرده است. در کتاب اول و دوم، خیلی به این ملزومات نیاز نیست، ولی در کتاب سوم معلم به ملزومات جنبی نیاز دارد. بدین منظور، معلم‌ها باید گوش به زنگ باشند.

نکته‌ی آخر آن است که مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی فضای مناسبی است برای ابهام‌زدایی از بحث‌هایی که در کتاب جغرافیا آمده است. معلم باید بداند، رشد راهنمایی اجازه دارد که از معلم‌ها بخواهد، ابهامات کتاب‌ها را حل کنند. مثلاً شما در مورد جانورهای دریایی و یا ویژگی‌های هوای قطبی مطالب جالبی دارید و آن را به صورت مقاله درمی‌آورید و به ما ارائه می‌کنید. ما از همه‌ی معلمان می‌خواهیم، مطالبی را که فکر می‌کنند در دانش‌افزایی معلمان جغرافیا مؤثرند، برای ما ارسال کنند.

نامه‌ی یک پدر به معلم

شهیلا افتخاری

بکتا را بیاموز و از او بخواه که در تمام مراحل زندگی، از خداوند کمک بخواند، چرا که پروردگار متعال کارگشای امور همه‌ی انسان‌هاست... و چه بسیاری نوشته‌هایی از این دست...

تأکید بر آموزش انسانیت و اخلاق، از اولویت‌هایی است که مورد اتفاق نظر همه‌ی والدین است. پدران و مادران آرزو می‌کنند، آموزگار به فرزندانشان مشق خیریت و جوانمردی بدهد، از ظلم‌ستیزی بگوید و طریق آن را روی تخمه سیاه بنویسد.

«آزادگی» به علاوه‌ی «حق‌طلبی»، مساوی است با «عدالت‌خواهی».

«تروت» منهای «سخاوت» می‌دهد «وزر و وبال».
«علم» به علاوه‌ی «عمل»، مساوی است با «حرکت آگاهانه».

«فطرت» منهای «رحمت» برابر است با «طمعان».
بدنی در این یارده می‌گوید: «به فرزندم بیاموز که همواره باور مظلومان و دشمن ستمگران باشد. به او بیاموز، نوع‌دوستی اصل انسانیت است. دوست داریم بدانند، عشق ورزیدن به هم‌نوعان، بهتر از حسد و کینه و خودخواهی است. به او بیاموزید که هم وطنانش، خواهران و برادران اویند، آن‌ها را دوست بدارد و زبردستان خود را حرمت گذارد.»

پس از مشابهت‌ها، به نگاه‌های فردی می‌رسیم. هر کس بنا به سلیقه و ذوق شخصی، بر نکته‌ای اشاره داشته است که ذکر برخی از آن‌ها، تصویری از خواسته‌های والدین را به آموزگاران منعکس می‌کند. برخی تمایل دارند که فرزندشان از تاریخ چند هزار ساله و تمنن کهن میهنش بسیار بدانند و با ادبیات پرافتخاری انس بگیرد که دمامد بر عزت و اعتماد به نفس

«آقای معلم دوست داریم به فرزندم بیاموزی که همیشه راستگو باشد و از دروغ‌گویی بپرهیزد که دروغ می‌تواند ریشه‌ی بسیاری از فتنه‌ها و بدی‌ها باشد. به بسرم بیاموز در قبال کار عطفی که انجام داده، شهادت عذرخواهی و اعتراف داشته باشد و از اشیانهات گذشته‌اش، برای ساختن آینده درس بگیرد...»

این عبارات، بخشی از نوشته‌های یک پدر به آموزگار فرزندش است. در هر شغل و حرفه‌ای، افراد خلاق و اهل توفیق وجود دارند که در روندهای موجود، طرحی نو در می‌انازند و جانی تازه در روح فرسوده‌ی روزمرگی می‌دمند آقای محمدرضا سهمازی، معلم مدرسه‌ی راهنمایی محلاتی شهرستان نهاوند، یکی از خلاقان عرصه‌ی معلمی است که برای ایجاد قرابت میان والدین و معلمان، دست به ابتکاری نیکو زده است. وی نامه‌ی ابراهام لینکلن به آموزگار پسرش را که حاوی انتظارات او در قبال تربیت و آموزش اوست، در اختیار خانواده‌ها قرار داده و از آنان خواسته است تا با نگاه خود، وظیفه‌ی تعلیمی و تربیتی معلم فرزندشان را به وی گوشزد کنند.

وقتی که نوشته‌های والدین را ورق می‌زدیم، به چند نکته‌ی کلیدی رسیدیم:

این دست نوشته‌ها یا بهتر بگوییم «دل نوشته‌ها»، مملو از مشابهت‌هاست. همه‌ی خانواده‌ها می‌خواهند ایمان به خدا در رأس اموحته‌های فرزندانشان قرار گیرد، انس با قرآن و اهل بیت با زندگی‌شان ممزوج شود و فرزندانش بدانند که تروت و مکتب زندگی آدمی، در «نگاه الهی داشتن» و «قدم نهادن در مسیر قرب الهی» است. در یکی از نامه‌ها، در این باره چنین نوشته شده است: «به او ایمان و توکل به خداوند

او بیفزاید. مادری انتظارش را این گونه می نویسد: «به فرزندان این ملت بزرگ بیاموزید که بوده اند، چه هستند و چگونه باید باشند. چرا که اگر ملتی گذشته‌ی خود را نداند، ناچار به تکرار آن می‌شود و این امر مایه‌ی خفت و خواری وصف‌ناپذیری است. گاهی از فرزندم بخواهید، بدون دریافت نمره و به منظور دانستن، گلستان و بوستان سعدی، اشعار حافظ و مثنوی مولانا را بخواند.»

اما نگاه‌های والدین درباره‌ی نحوه‌ی رفتار و برخورد معلم با فرزندان، از وجوه تمایز این نوشته‌هاست. برخی اهل ملایمت و ملاحظت‌اند و گروهی به سخت‌گیری معلم و اطاعت‌پذیری دانش‌آموز اعتقاد دارند.

یکی می‌گوید: «رئیس مدرسه و معلم عزیز پسرم اختیار دارند آن گونه که خودشان می‌خواهند، پسر را تربیت کنند و اگر خدای نکرده به درس گوش نداد و یا بازی گوشی کرد، معلمش اختیار دارد او را ادب کند و چنان چه سهل‌انگاری کرد، در اولین فرصت با خانواده تماس بگیرد...» و دیگری انتظار دارد: «با توجه به خصوصیات فرزندم، از شما می‌خواهم با ملایمت و خوش‌رفتاری با او برخورد کنید و از تندخویی و خشونت پرهیزید. با او دوست و صمیمی شوید و پاسخ‌گوی سوالات او باشید.

آقای معلم و خانم معلم، در میان این تضارب آرا، تو کدام مسیر را راهگشا می‌دانی؟!

این را بدانید، در میان دانش‌آموزان کلاس تو، بجه‌هایی وجود دارند که مضائب زندگی، عرصه را بر ایشان تنگ کرده است. تبعیض و ناملایمات اجتماعی کامشان را تلخ کرده است و داشته‌های بعضی هم کلاسی‌هایشان، آرزوهای بزرگ دست‌نیافتنی آن‌هاست. ممکن است در

کلاس تو دانش‌آموزانی نشسته باشند با دستانی کوچک اما زیرتر، کارکرده‌تر و خسته‌تر از دستان شما.

پدیری که نوشته‌های او حاکی از ملالت‌های بر او رفته است، می‌گوید: «به او یاد بدهید، در دنیایی قرار دارد که زندگی در آن سخت است. او باید بداند که زندگی بر او فشار می‌آورد و در چنین زمانی، باید ایستادگی کند. به او بگویید باید خودش کار کند و پول خودش را درآورد و زندگی‌اش را بچرخاند.»

دیگری می‌نویسد: «دوست‌دارم بدانی که همه‌ی دانش‌آموزان دکترو مهندس نمی‌شوند، بلکه بسیاری از آن‌ها راننده‌ی تاکسی، شاطر، نانوا، مکانیک، صافکار، یقال... می‌شوند و تو به آن‌ها نیاز داری. پس احترام همه‌ی آن‌ها را حفظ کن و مطمئن باش آن قدر که این قشر پایین‌قدران کار تو، آن بالایی‌ها نیستند.»

اگر قرآن صامت، پیامبر صادق را «اسوه‌ای حسنه» (و لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة) برای هدایت بشریت معرفی کرد و اگر رشد و نجات بدون تاسی از نبی اکرم ممکن نیست (فتاس نبیک الاطیب الاطهر)، تبعیت بدون علم و عشق نیز راه به جایی نمی‌برد و آن‌جا که «بصیرت» راه دارد، جایی برای «استخفاف» باقی نمی‌ماند، که بصیرت روش دعوت پیامبرانه (قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی) و استخفاف روش اطاعت فرعونانه است (فاستخف قومه فاطاعوه). و اگر پیامبر، پیام‌آور رحمت و مهربانی است، که هست (و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین)، و اگر پیامبر رسالت خویش را معلمی می‌داند، که می‌داند (بالتعلیم ارسلت)، معلمان نیز در بستر تعلیم و تربیت، به جز با تاسی بر پیامبر و مشی او، یعنی با منطق «بصیرت» و «رحمت»، راه به جایی نخواهند برد.

شنیده‌ها ایده‌های عجیب

فاطمه خرقانیان

اشاره

در آخرین مصاحبه‌ی مجله با معلمان نمونه‌ی کشوری، با معلمان ادبیات فارسی، مشاوران و مدیران نمونه به گفت‌وگو نشستیم. طی این مجموعه مصاحبه‌ها، سعی داشته‌ایم تا در حد بضاعت، آینه‌ای باشیم که مشکلات و نظرات معلمان عزیز را انعکاس می‌دهد. می‌دانیم که حرف‌های ناگفته و گلایه‌های ناشنیده بسیارند، اما امیدواریم با درج این گفت‌وگوها، باب جدیدی از تعامل میان معلمان و مسئولان گشوده شود.

● رمضان سامان پور، مدیر نمونه از استان کهگیلویه و بویراحمد



سامان پور متولد ۱۳۳۱ در روستای «جیتاب» از توابع شهرستان «بوفا» است. او لیسانس آموزش ابتدایی و ۲۷ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد. وی معتقد است: «برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموز، ابتدا باید در معلمان انگیزه، به

وجود آورد. زیرا مدیر به تنهایی نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و باید یک کار جمعی در مدرسه شکل بگیرد. من حتی سرایدار را هم آموزش می‌دهم که چگونه رفتار کند تا دانش‌آموزان شاد باشند. از معلمان می‌خواهم از تشویق حداکثری و در جمع استفاده کنند. بین همکاران و دانش‌آموزان مسابقات ورزشی برگزار می‌کنم تا جو عاطفی و اعتماد به نفس در مدرسه حاکم شود و بچه‌ها معلمان را از خودشان احساس کنند. به دانش‌آموزان ضعیف امید می‌دهم و تشویقشان می‌کنم تا در آن‌ها انگیزه و امید به پیشرفت تقویت شود. مسئولیت‌آزایی مدرسه و آزمایشگاه را به دانش‌آموزان واگذار کرده‌ام و خود بر عملکردشان نظارت دارم. تا معلمان شاد نداشته باشیم، نمی‌توانیم محیطی شاد ایجاد کنیم. لذا مدیر

● پریسا حسینی زَنُوز، معلم نمونه‌ی ادبیات فارسی از استان زنجان



حسینی زَنُوز متولد سال ۱۳۵۰ در شهرستان گرگان است. او مدرک فوق‌لیسانس ادبیات و ۱۶ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد. حسینی زَنُوز درباره‌ی تقویت روحیه‌ی خلاقیت دانش‌آموزان می‌گوید: «معلم

باید به فعالیت‌های خلاق علاقه نشان دهد. در انجام تمرینات خلاق، با دانش‌آموز مشارکت و او را تشویق کند. به هر دانش‌آموزی امنیت و آزادی بدهد و تفاوت‌های فردی آنان را در نظر بگیرد. با استفاده از روش‌های پرسش و پاسخ، آنان را برای پرسش ترغیب کند. دانش‌آموزان را با زندگی‌نامه‌ی افراد خلاق آشنا سازد و فضای ابراز شوخ‌طبعی را در کلاس به‌وجود آورد تا با برقراری ارتباطی صمیمی، زمینه‌ی ابراز عقیده برای دانش‌آموزان فراهم شود.»

در این باره می‌افزاید: «برای من هیچ چیز جذاب‌تر از گوش دادن به ایده‌های عجیب و غریب دانش‌آموزانم نیست. به‌ویژه هنگامی که با هیجان و آب و تاب سخن می‌گویند.»

باید مهارت‌های شادی را بلد باشد تا بتواند آن را ارائه دهد.»

این مدیر نمونه‌ی کشوری برای ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان بر خلاق بودن معلم تأکید می‌کند و می‌افزاید: «برای ایجاد خلاقیت، از جمع همکاران می‌خواهم که در این کار شرکت کنند تا ذهن دانش‌آموزان را فعال و کنجکاو کنیم. من هر روز در مراسم آغازین صبح چند سؤال هوش مطرح می‌کنم تا ذهن آنان را درگیر کنم. به همکاران توصیه می‌کنم در کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها، کار را به دانش‌آموز بسپارند و اگر او با مشکلی مواجه شد، به سرعت پاسخ را به او نگویند، بلکه اجازه دهند که خودش پاسخ را بیابد. دانش‌آموزان را در کارهای گروهی شرکت می‌دهم و به ساختن وسیله تشویق می‌کنم. از معلمان می‌خواهم برای ارزش‌گذاری بر وسایل دست‌ساز دانش‌آموز نظر خودشان را اعمال نکنند. دانش‌آموزان ضعیف را تشویق کنند تا آنان هم پیشرفت کنند. بگذارند دانش‌آموز خراب کند، به هم بریزد و بسازد تا اعتماد به نفس پیدا کند.»

● سید حجت‌الله حسینی، مشاور نمونه از استان کرمانشاه



حسینی متولد ۱۳۴۹ در کرمانشاه است. وی فوق‌لیسانس علوم تربیتی و حدود ۲۰ سال سابقه تدریس دارد. این مشاور نمونه‌ی کشوری مشکلات دانش‌آموزان را دو دسته می‌داند و می‌گوید: «مشکلات امروز یا به شرایط

خانوادگی مربوط است یا ناشی از نداشتن انگیزه‌ی کافی است. مشکلات خانوادگی یا ناشی از محرومیت و مشکلات مادی است و یا از عدم توانایی خانواده‌ها برای نظارت بر عملکرد فرزندانشان ریشه می‌گیرد. در زمینه‌ی انگیزه نیز، وجود افراد تحصیل‌کرده‌ی بی‌کار، از انگیزه‌ی دانش‌آموزان برای ادامه‌ی تحصیل کاسته است.»

وی در جهت حل این مشکلات توضیح می‌دهد: «ما معتقدیم، انگیزه‌ی ادامه‌ی تحصیل تنها به دست آوردن شغل بهتر نیست، بلکه به مسائل اجتماعی نیز باز می‌گردد. فرد برای درک مسائل پیرامون، یافتن راه‌حل‌های مناسب در زندگی و برخورداری از شأن اجتماعی بالاتر، به ادامه‌ی تحصیل نیاز دارد. همچنین، ادامه‌ی تحصیل گاه برای

مشاغل آزاد مفید واقع می‌شود. حتی درس خواندن در رشته‌های فنی می‌تواند به خوداشتغالی و یا ایجاد شغل برای دیگران بینجامد.»

وی در ادامه با اشاره به این که انگیزه نداشتن برای ادامه‌ی تحصیل در مواردی ریشه در ناآگاهی از رشته‌های تحصیلی دارد، می‌افزاید: «بعضی از دانش‌آموزان نه از تنوع رشته‌های تحصیلی اطلاع کافی دارند، نه از علاقه‌مندی‌ها و استعدادهای خود. وقتی معلم اطلاعات کافی را در اختیارشان می‌گذارد و آنان در رشته‌ای متناسب با استعداد و علاقه‌ی خود تحصیل می‌کنند، انگیزه‌ی کافی را برای پیشرفت و موفقیت به دست می‌آورند.»

وی با اشاره به این که بسیاری از رفتارها به عادت مربوط می‌شوند، درباره‌ی ترویج فرهنگ مطالعه بیان می‌کند: «بچه‌ها را عادت دهیم که برنامه‌ریزی داشته باشند و دروس خودشان را با برنامه مطالعه کنند. اگر دانش‌آموز عادت کند که دروس مدرسه را با برنامه بخواند، می‌تواند او را عادت داد که برای مطالعه‌ی غیردرسی هم وقتی اختصاص دهد.»

● معصومه احمدی، معلم نمونه‌ی ادبیات فارسی از استان هرمزگان

احمدی متولد ۱۳۴۱ در تهران است. مدرک فوق‌دیپلم ادبیات فارسی و ۲۵ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد.

او درباره‌ی نحوه‌ی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان می‌گوید: «من ابتدا هدف‌یابی می‌کنم. هدف فردی هر فراگیرنده را بررسی و سعی می‌کنم، به میانگین هدف دانش‌آموزان کلاس پی ببرم. سپس در کلاس راه‌هایی را انتخاب می‌کنم که آن‌ها را به اهدافشان نزدیک کنم. از این طریق، در بچه‌ها انگیزه ایجاد می‌کنم.»

این معلم نمونه‌ی کشوری، نقش معلم را در ترویج فرهنگ مطالعه این‌گونه تشریح می‌کند: «خود معلم باید آینده‌ی تمام نمایی برای آموختن این فرهنگ به دانش‌آموز باشد. سپس باید این فرهنگ را در شاخه شاخه‌های برنامه‌ی روزانه‌ی درسی اعمال کرد تا دانش‌آموز بفهمد مطالعه‌ی خوب، موفقیت به‌همراه دارد. من دانش‌آموزانم را به کتاب‌خانه می‌برم تا ببینم هر فردی، کدام کتاب را انتخاب می‌کند و در عین حال، به ذهن‌های آنان جهت می‌دهم. باید ساعات مطالعه را به کار مدرسه اضافه کرد. حتی باید برای معلم ساعتی بگذارند که در آن ساعت فقط به مطالعه و تفکر بپردازد.»

متأسفانه تا زمان چاپ مجله عکس ایشان به دست ما نرسید.

● شهین کارور، معلم نمونه ادبیات فارسی از استان کرمان



کارور متولد ۱۳۵۱ در شهرستان کرمان است او متراکب لیسانس ادبیات فارسی و ۱۶ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش دارد. وی استفاده از روش‌های نوین تدریس و وسایل کمک آموزشی را از عوامل مهم ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان می‌داند و تجربیات خود

را این گونه شرح می‌دهد: «من عکس ساعر و یا نویسندگانی را که باید درباره‌ی او صحبت کنم، با خود به کلاس می‌برم. سر کلاس هم فقط قسمت کوچکی از زندگی نامه‌اش را می‌خوانم یا دانش‌آموزانم با هم آن‌کند شناخت، انگیزه پیدا کنند که شعر و نوشته‌ی او را مطالعه کنند گاهی هم کتاب فرد مورد نظر، مثلاً گلستان یا بوستان سعدی را با خود به کلاس می‌برم تا انگیزه‌ی بیشتری برای فراگرفتن اشعار این کتاب‌ها ایجاد کنم.» این معلم نمونه‌ی کشوری درباره‌ی شیوه‌ی خود برای پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس انسانی می‌گوید: «دانش‌آموزان درس انشا را دوست ندارند من چند موضوع را در نظر گرفتم. مثلاً فصل‌ها و او را آن‌ها خواستم بی‌ای عموغاب تصویر بیاورند سپس هر دانش‌آموز یک جمله درباره‌ی تصویر گفت و ما چند جمله را روی نخته نوشتیم و یک انشای گروهی شکل گرفت. این روش را بچه‌ها بسیار دوست دارند. به علاوه از روش‌های نمایشی در کلاس استفاده می‌کنم. خلاصه‌ی کتاب‌های غیردرسی هم خلاقیت ذهنی آنان را پرورش می‌دهد.

● ابراهیم حاجی لری، مشاور نمونه از استان گلستان



حاجی لری متولد ۱۳۴۴ در شهرستان «امیان»، بخش «فدرسک» استان گلستان است. او دانشجوی دوره‌ی دکترای روان‌شناسی است و ۲۱ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد. وی می‌گوید: «من فکر می‌کنم در دوره‌ی

راهنمایی دانش‌آموزان یا سه موضوع اساسی درگیرند:

- بحث بلوغ و ارتباط با جنس مخالف در باه‌های نوج و سوه احمی بی
- داشتن تلفن همراه و عدم استفاده‌ی صحیح از این ابزار؛
- نداشتن مهارت‌های اجتماعی لازم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی موجود.»

این معلم نمونه‌ی کشوری درباره‌ی نحوه‌ی برخورد معلمان با پدیده‌ی بلوغ می‌گوید: «معلم می‌تواند تغییرات جسمی بلوغ را

تشریح کند و به آن‌ها با آموزه‌ی که در قرآن این تغییرات، مسئولیت‌های اجتماعی جدیدی دارند یا تا کنید بر تغییرات روانی پدیده‌ی بلوغ، مثل تغییر خلق، گوشه‌گیری و پرخاشگری، توضیح دهد که این رفتارها کاملاً طبیعی هستند. این مشاور نمونه‌ی کشوری، در خصوص نیاز به آموزش استفاده‌ی صحیح از تلفن همراه اظهار می‌دارد: «باید به دانش‌آموزان آموخت که برای ارتباط خوب و در موقعیت‌های مورد نیاز، از تلفن همراه استفاده کنند. به علاوه لازم است، نسبت به اتفاقات ناخوشایندی که حاصل استفاده‌ی نادرست از این نظام است، ذهن آنان را آگاه ساخت.» حاجی لری، با تأکید بر لزوم تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان می‌افزاید: «برای تقویت مهارت‌های اجتماعی باید از روش‌های فعال تدریس استفاده کنیم تا نقش دانش‌آموزان در کلاس بربرگ شود. دانش‌م‌سولیت‌های آموزشی به دانش‌آموزان متناسب با شرایطشان، به خصوص دانش‌آموزان کم‌بر، گوشه‌گیر و آن‌ها که دارای اعتماد به نفس لازم نیستند نیز اثر بخش است.

● مسلم پسرکلو، مدیر نمونه از استان گلستان



وی که متولد ۱۳۴۵ در شهرستان مینودشت است، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و حدود ۲۲ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد.

این مدیر نمونه‌ی کشوری، ضمن تشریح فعالیت‌های خود،

می‌گوید: «ما در مدرسه طرح خودآگفتایی زنبورداری و طرح پرورش قارچ را اجرا کرده‌ایم و حدود ۷۵ بهال کاشته‌ایم. همه‌ی این طرح‌ها با کمک دانش‌آموزان و با توجه به موقعیت اقلیمی منطقه به اجرا درآمده‌اند.» پسرکلو چگونگی ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان را این گونه شرح می‌دهد: «به اعتقاد من، ما باید به تعکرات آنان اهمیت بدهیم؛ چه مثبت و چه منفی، اجازه دهیم افکار و عقایدشان را به صورت شفاف بیان دارند تا اعتماد به نفس پیدا کنند. اعتماد به نفس باعث شکوفایی استعداد می‌شود و فرد را به کار و تلاش علاقه‌مند می‌سازد. به آن‌ها بگوییم که کار و تلاش نه زمان می‌شناسد و نه خستگی. او با تأکید بر فراموش نشدن فرهنگ کتاب‌خوانی، بیان می‌کند: «کتاب‌ها باید متناسب با شرایط و سن و علاقه‌ی دانش‌آموز باشند. داشتن کتاب، کتاب‌خانه و کتاب‌دار، در مدرسه بسیار مهم است. باید در مدرسه و خانه ساعتی به مطالعه اختصاص داده شود و روش‌های صحیح مطالعه را به آنان آموزش دهیم. در مدرسه‌ی ما، هر هفته دانش‌آموزان یک کتاب می‌خوانند. خلاصه‌ی آن را به مدرسه می‌آورند. ما هم جوایزی برای آنان در نظر می‌گیریم.»

درست

است که همه‌ی یادگیری‌ها توسط مغزمان انجام

می‌شود و به عبارت دیگر، مغز محور یادگیری به‌شمار می‌رود ولی ما از این محور و پایه و اساس یادگیری، شناخت کافی نداریم و صرفاً آن را مخزن یادگیری به حساب می‌آوریم! آیا معلمان که متخصصان یادگیری به‌شمار می‌روند با ابزار تخصص خود (مغز) آشنا هستند؟ آیا روش‌های آموزش و یادگیری با مغز سازگارند؟ آموزش «مغز محور» نوعی آموزش است که در آن نظام مغز وارد فرایند یادگیری می‌شود و تمام مقوله‌های آموزشی و یادگیری و روش‌های اعمال شده مبتنی بر کارکرد مغز و اصول آن هستند. شناخت فیزیولوژی مغز، هم برای آموزش‌دهندگان و هم برای فراگیرندگان لازم و ضروری است. این شناخت تبیین‌های علمی از بسیاری از روش‌های آموزشی و یادگیری را به ارمغان می‌آورد. مثلاً «یادگیری مشارکتی» بر پایه‌ی تبیین اصل مغز محوری «مغز / ذهن اجتماعی است»، استوار است. ایجاد محیط توأم با آرامش و رفع استرس و اضطراب، به ارتباطات نورونی کمک می‌کند و یادگیری معنادار را به ارمغان می‌آورد. بعد از مهیا کردن جو یادگیری توأم با آرامش، ایجاد محیط غنی و نیز تجربه‌های پربار، برای یادگیری مغز محور لازم و ضروری است. برای این که یادگیری معنادار باشد باید اطلاعات از سطح حافظه‌ی سطحی به حافظه‌ی معنادار و طبیعی انتقال یابد. ایجاد محیط سازگار با مغز، به لحاظ دسترسی فراگیرندگان به آب، اکسیژن، تغذیه در محیط یادگیری و نیز استفاده از رنگ‌ها، رایحه‌ها و نیز موسیقی مناسب و مؤثر بر یادگیری، باید مورد توجه باشد از طرف دیگر، پردازش فعال و ثبت بهینه‌ی اطلاعات یاد گرفته شده در نظام حافظه و نیز استراحت‌های کوتاه و زنگ‌های تفریح، برای پردازش اطلاعات یاد گرفته شده، ضروری است. یادگیری مغز محور شامل ۱۲ اصل است (در شماره‌های قبل ذکر شده است) که رعایت هر یک به کیفیت بخشی یادگیری سازگار با مغز کمک می‌کنند. در آموزش و یادگیری مغز محور با دید علمی و فیزیولوژیکی، به همه‌ی عوامل یادگیری توجه می‌شود. اعمال این نوع آموزش و یادگیری در مدارس، به پرورش نیروی تفکر در فراگیرندگان می‌انجامد.

منبع

سیفی، سمیه (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر آموزش یادگیری مغز محور بر درک مطلب و سرعت یادگیری دانش‌آموزان پایه‌ی سوم ابتدایی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

محور یادگیری

سمیه سیفی

تغییرنگرش تحول آموزشی

ترجمه‌ی طیبه الدوسی

در کشور قزاقستان، به موازات این عوامل جهانی، عوامل ویژه‌ی زیر نیز بر نظام آموزشی تأثیر گذارند:

● **تغییر اصول اولیه‌ی زیربنایی نظام سیاسی:** گذار از حکومت دیکتاتوری به حکومت دموکراتیک. کشور قزاقستان در دسامبر ۱۹۹۱ استقلال خود را به دست آورد. انتقال به بازار اقتصادی، به تغییرات ساختاری منجر شده است. شکل کلی مالکیت مؤسسات آموزشی تغییر کرده است و به موازات مؤسسات دولتی، مؤسسات خصوصی نیز به وجود آمده‌اند. مؤسسات آموزشی بین‌المللی هم تأسیس شده‌اند.

● **جمعیت چندملیتی:** نمایندگان ۱۲۲ ملت و انواع آن‌ها در قزاقستان زندگی می‌کنند.

● **تراکم کم جمعیت.**

● **درک اهمیت تغییر شکل نظام آموزشی:** انتقال به یک نوع جدید از جامعه‌ی قزاقستان، تغییرات همه‌جانبه‌ی موقعیت را می‌طلبد. آموزش اولین جایی بود که باید اصلاح می‌شد و نظام دیکتاتوری تخریب و به نوعی دموکراسی واقعی انتقال می‌یافت. اصلاحات در پایان دهه‌ی ۱۹۸۰ اتفاق افتاد. شعارها و افکار اولیه برای این اصلاحات، «برقراری دموکراسی» و «جنبه‌ی انسانی بخشیدن» به آموزش بود. با این شعارها انتظار می‌رفت آموزش بر فرایندهای مشابه در حوزه‌های دیگر تأثیر بگذارد از این رو، آموزش به‌عنوان تک پایه، یک مؤسسه‌ی اجتماعی مقتدر، و به‌عنوان یک قدرت ایجادکننده‌ی تغییرات در همه‌ی اقشار جامعه به حساب می‌آمد.

● **وجود بحرانی عمومی در آموزش:** در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، بحران نظام عمومی در کشور، نظام آموزشی را نیز درگیر کرد. کاملاً واضح است که آموزش نمی‌تواند در نوعی انزوای درونی باقی بماند. همه‌ی این‌ها به درک تغییرات بنیادی در حوزه‌ی آموزش منتهی می‌شود. در هر جامعه‌ی موقت

عوامل اصلی تأثیرگذار

بر سازمان آموزش مدرسه‌ای قزاقستان

هر کشوری به منظور نیل به ارزش‌های مشترک، خط‌مشی آموزشی خود را دارد. به لحاظ اجتماعی، عوامل مهمی که بر آموزش تأثیر گذارند و گرایش‌های جدید درون آن را تعیین می‌کنند، به دو گروه: جهانی و ملی تقسیم می‌شوند. عوامل جهانی ۵۰ سال بعد از جنگ جهانی دوم به بعد به وجود آمده‌اند. این دوره، بدون شک شاخص‌های جدیدی از پیشرفت اجتماعی ایجاد کرده است که تأثیر آن‌ها روی آموزش، ویژگی مهم و برگشت‌ناپذیری دارد.

یکی از این عوامل تأثیر گذار، پیشرفت فنی و علمی است. با این پیشرفت، نیاز مردم به آگاهی و دانش افزایش یافت، و فناوری‌ها و محصولات جدید ایجاد شدند. هم‌چنین، فرصت‌های جدید آموزشی فراهم آمد و تسلط علم و آموزش محرز شد. دست‌یابی به پیشرفت علمی، توسعه‌ی آموزش را در سراسر دنیا به‌ویژه در کشورهایی که حکومت آن‌ها صورت آموزش را باور داشتند، ارتقا بخشید.

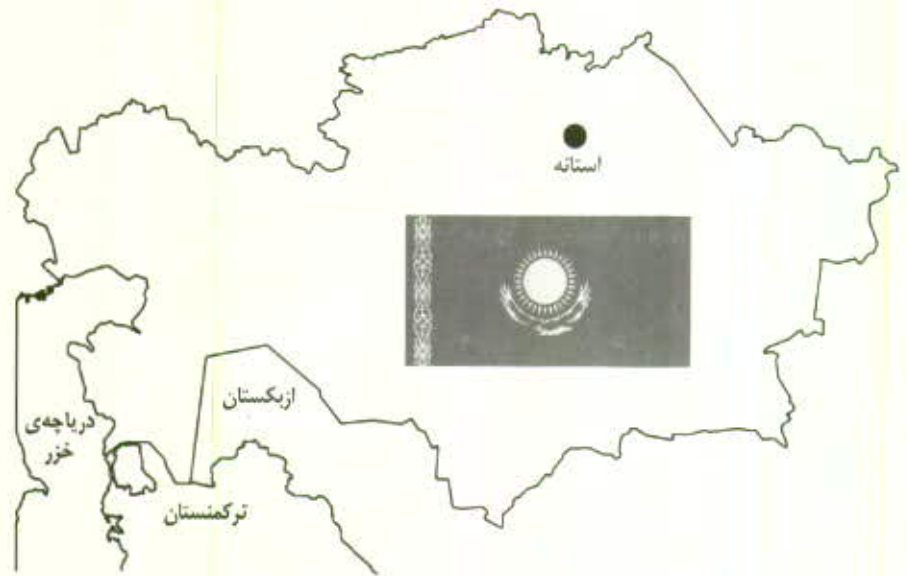
عامل دوم تمدن بشری است. بدیهی است که در آینده نزدیک، فعالیت اصلی بشر توسعه‌ی مستمر فناوری‌های جدید کاربردی هدایت خواهد شد. این فناوری‌ها، به نوبه‌ی خود، به آموزش فراگیر و کیفی همه‌ی مردم سنگی دارد. در جهان متمدن آینده، آموزش، عامل اصلی توسعه‌ی اجتماعی خواهد بود.

عامل سوم، به گستره‌ی وحدت در تمام حوزه‌های فعالیت بشری مربوط است. شیوه‌های جدید وحدت، تا حد زیادی، بر شاخص‌های کیفی توسعه‌ی علوم، صنعت، فرهنگ و سطح مناسبات مشترک مبتنی است که همه‌ی این‌ها از طریق کیفیت آموزش مشخص می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، تغییرات آموزشی، قزاقستان.

اشاره «قزاقستان» کنسوری است در آسیای میانه که از شمال با روسیه، از غرب با چین، در جنوب شرقی با قرقیزستان، در جنوب با ازبکستان و در جنوب غربی با ترکمنستان همسایه است. سواحل شمال شرقی دریای خزر در خاک این کشور قرار دارد. قزاقستان بزرگ‌ترین کشور محصور در خشکی در دنیاست.

استانه، پایتخت کشور قزاقستان، با جمعیتی حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر است. آلمانی، پایتخت قبلی، با جمعیتی برابر با ۱.۳ میلیون نفر، بزرگ‌ترین شهر و مرکز تجاری و فرهنگی کشور است. وسعت قزاقستان ۲،۷۱۷،۲۰۰ کیلومترمربع است که بخش مهمی از آن را صحرای قرقروم می‌پوشاند. جمعیت قزاقستان در سال ۲۰۰۵ میلادی ۱۵،۱۰۰،۵۰۰ نفر تخمین زده شده است که تراکم پایین جمعیت در این کشور را نشان می‌دهد. بیش از ۶۲ درصد جمعیت قزاقستان را مسلمانان سنی حنفی مذهب تشکیل می‌دهند. مسیحیت ارتودکس با جمعیتی حدود ۲۵ درصد، دومین دین رایج در این کشور محسوب می‌شود. حدود ۱ درصد به دین یهود و مابقی افراد به فرقه‌هایی از قبیل بوداییسم و هندو اعتقاد دارند.



۸. کمک به توسعهی اثربخش سازمان‌های آموزشی چندمنظورهی متنوع.

(انتقالی)، آموزش باید به تغییرات در نگرش مردم، حذف کلیشه‌های منسوخ، شکل‌گیری خودآگاهی جدید و انطباق مردم با شرایط بازار کمک کند.

راهبردهای جدید و اصلاحات، مدیریت مدرسه: تغییرات نظام

بر اساس قانون قزاقستان، «دربارهی آموزش»، مدل ملی آموزش، بر اصول استمرار و تداوم‌پذیری برنامه‌های آموزش عمومی مبتنی است.

آموزش عمومی شامل سه مرحلهی آموزشی اصلی است. آموزش ابتدایی پایه‌های اول تا چهارم، آموزش متوسطه‌ی مقدماتی پایه‌های پنجم تا نهم و آموزش متوسطه‌ی پیشرفته‌ی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم (که به آموزش عمومی و آموزش حرفه‌ای تقسیم می‌شود). این سه سطح آموزشی، می‌تواند در یک مؤسسه یا مؤسسات متفاوتی ادامه یابد.

در آینده‌ی نزدیک معرفی ۱۲ سال برای آموزش مدرسه‌ای برنامه‌ریزی شده است. در قزاقستان، ساختار مناسب به لحاظ اقتصادی، قابل قبول و مطلوب آموزش عمومی، ۲ و ۶ و ۴ سال است.

دورهی آموزش ابتدایی

دورهی آموزش ابتدایی چهار سال به طول می‌انجامد. دانش‌آموزان سال اول، دورهی ابتدایی را در سن شش سالگی شروع می‌کنند. مدارس ابتدایی و متوسطه، تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش قرار دارند. هم‌چنین، این مدارس رایگان هستند. فقط برای فعالیت‌های فوق‌برنامه مانند ورزش، موسیقی و گاهی اوقات وسایل آزمایشگاه یا تجهیزات خاص، هزینه دریافت می‌شود.

وظایف جدید

در قانون، «دربارهی آموزش» تأکید شده که وظیفه‌ی اصلی هر نظام آموزشی، ایجاد شرایط لازم برای آموزشی در جهت شکل‌گیری، توسعه و آموزش حرفه‌ای فرد بر اساس ارزش‌های ملی و بین‌المللی، و دستیابی به علم و عمل است. اولویت‌های نظام آموزشی عبارت‌اند از:

۱. ایجاد شرایط برای توسعهی برنامه‌های آموزشی؛
۲. توسعهی فرصت‌های جسمانی، معنوی و خلاق برای فرد، شکل‌گیری پایه‌های قوی اخلاق و شیوه‌ی سالم زندگی، تقویت شعور از طریق ایجاد شرایط برای توسعهی فردی؛
۳. آموزش وطن‌پرستی و عشق به زادگاه که جمهوری قزاقستان به خاطر آن، برای نمادهای کشور، و سنت‌های ملی احترام قائل است و در برابر فعالیت‌های ضد قانون و ضد اجتماعی تعصب دارد؛
۴. ترغیب به شرکت در زندگی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جمهوریت و شناخت فرد نسبت به حقوق و وظایفش؛
۵. آشنایی با فرهنگ جهانی و داخلی؛ مطالعه‌ی تاریخ، آداب و رسوم قزاقستان و افراد دیگر جمهوری؛ تسلط بر زبان ملی، روسی و زبان‌های خارجی دیگر؛
۶. توسعهی خودمختاری و استقلال مؤسسات آموزشی، برقراری دموکراسی و عدم تمرکز مدیریت آموزشی؛
۷. معرفی فناوری‌های جدید آموزشی با استناد ویژه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات که دسترسی به شبکه‌های جهانی بین‌المللی ارتباطات را فراهم می‌آورد؛

بعدادارظهر و نوبت سوم از ۵ تا ۱۰ شب برگزار می‌شوند این موضوع، به کار کردن بیش از حد معلمان و تا دیر وقت بیرون نگه داشتن دانش آموزان و استفاده‌ی بیش از حد از تسهیلات منتهی می‌شود.

وظایف اصلی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه

- گسترش و توسعه‌ی ساختار و نظام مردمی آموزش به‌منظور ارضای نیازهای مردم
 - ایجاد ساز و کارهای مناسب برای جذب جوانان و همان‌طور برانگیختن مؤسسات به سرمایه‌گذاری در بخش آموزش
 - در دسترس قرار دادن آموزش برای همه‌ی اقشار جامعه به‌منظور درک این وظایف، انجام موارد زیر لازم است:
 - توسعه‌ی شبکه‌ی مدرسه‌ی چندمنظوره در سطوح ابتدایی و متوسطه؛
 - ایجاد تغییرات در قوانین، برای برانگیختن بخش خصوصی به پذیرفتن سهمی در فرایند آموزش؛
 - ایجاد مرکزی مستقل برای ارزش‌یابی کیفی آموزش؛
 - توسعه‌ی پژوهش‌های فنی و مهندسی برای آموزش‌های ابتدایی و متوسطه.
- برنامه‌ی درسی تغییر خواهد کرد و شامل دروس عمومی و تلفیقی خواهد شد، تغییرات عمده در حوزه‌ی آموزش، به تلفیق فناوری‌های جدید و متخصصان جدید نیاز دارد.

تربیت معلم در قزاقستان

در قزاقستان، معلمان دوره‌ی ابتدایی و متوسطه، در مؤسسات و دانشکده‌های تربیتی به مدت چهار سال آموزش می‌بینند. نظام آموزشی به انضمام تربیت معلم، به‌صورت متمرکز عمل می‌کند. وزارت آموزش و پرورش مسئولیت طراحی برنامه‌ی درسی و حیطه‌ی آموزشی آن را دارد. استانداردها و برنامه‌ها توسط متخصصان و کادر آموزشی مؤسساتی که بعدها در آلمانی «ایای» نام گرفت، گسترش یافت و بعد از تأیید وزارت آموزش و پرورش، به مؤسسات دیگر تسری یافت.

استانداردها (گواهی‌نامه‌های معلمان)

معلمان هر پنج سال یک‌بار، با مراجعه به مؤسسات ضمن خدمت، گواهی‌نامه‌های دروس گذرانده را دریافت می‌کنند.

دوره‌ی متوسطه‌ی مقدماتی (دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

دانش آموزان از پایه‌ی پنجم تا نهم را در این دوره می‌گذرانند. معمولاً دانش آموز پایه‌ی هشتم، ۱۴ تا ۱۵ ساله است. برنامه‌ی درسی این دوره، عمومی و شامل این موضوعات درسی است: ادبیات، زبان اول دانش آموزان: زبان قزاقی یا روسی (بسته به زبان مدرسه‌ای که دانش آموز در آن تحصیل می‌کند)، تاریخ، فیزیک، ریاضیات، زیست‌شناسی، شیمی، زبان خارجی و...

دوره‌ی متوسطه‌ی پیشرفته

برای ورود به این دوره، سه شناخته‌ی تحصیلی وجود دارد که دانش آموزان می‌توانند یکی از آن‌ها را انتخاب کنند. امکان ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه برای فارغ‌التحصیلان هر سه شاخه مهیاست.

انواع مؤسسات آموزشی عمومی از طریق ترکیب فراساختارهای آموزشی متفاوت ایجاد شده‌اند: از جمله: مدرسه‌ی جامع، مدرسه‌ی دستور زبان و انجمن فرهنگی. توسعه و انتشار جزوات و کتاب‌های درسی، مرحله‌ی بعدی توسعه‌ی آموزش در قزاقستان است. برای اولین بار در جمهوری قزاقستان، کتاب‌های درسی در تمام موضوعات به زبان قزاقی، روسی، اویگار و ازبکی در مدارس جامع معرفی شدند. به منظور تحقق برنامه‌ی دولت در مدرسه‌ی کردن آموزش مدارس متوسطه، تا سال ۲۰۰۶ تمام مدارس متوسطه‌ی جامع به رایانه مجهز شدند.

مشکلات عمده‌ی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه

- دستیابی اندک شبکه‌ی مدرسه‌ای مناطق روستایی به آموزش فنی و حرفه‌ای و علوم متمرکز؛
 - حمایت مالی ناکافی از مدارس؛
 - فقدان کمیسیون نظارت کیفی مستقل و ارزش‌یابی یادگیری؛
 - بی‌اثر بودن نظام موجود آموزش متوسطه و ابتدایی.
- قزاقستان تراکم جمعیت کمی دارد و تعداد زیادی مدرسه‌ی کوچک دارد. مشکلات اساسی مدارس کوچک عبارت‌اند از: بهای زیاد تدریس به شاگردان، وجود کلاس‌های تلفیقی، فقدان معلم برای هر موضوع درسی به‌طور جداگانه، و کیفیت پایین سطح دانش شاگردان.
- به دلیل فقدان تسهیلات مدرسه‌ای یا فقدان معلم، بعضی از مدارس ابتدایی و راهنمایی سه نوبته هستند. یک نوبت از ساعت ۸ صبح تا ۱ بعدازظهر. نوبت دوم از ۱ تا ۵

زیرنویس
1 Abu

منابع

- 1 Globalization, Modernization and Education in Muslim Countries Rukhsana Zia editor, New York, Nova Science Publishers, Inc., 2006
- 2 http://en.wikipedia.org/wiki/Education_in_Kazakhstan
- 3 http://en.wikipedia.org/wiki/Religion_in_Kazakhstan
- 4 <http://www.euroeducation.net/prof/kazanco.htm>

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

آورده‌اند

در عصر جدید، جماعتی که آن‌ها را توآموزان خوانند، به طرق عجیبه و با سرعت نور اطلاع‌رسانی می‌کنند. این اطلاعات خوراک مدارس نامرئی هستند، یا موضوعات درهم و جورواجور. جماعت عصر جدید به تکنولوژی پیشرفته‌ای مجهزند که آن‌ها را سریع، به هر جا و به هر چه که بخواهند، متصل می‌کند و اگر قیل دلشان هوای هندوستان بکند، به طرفه‌العینی کنار طوطیان شکرشکن به جمع‌آوری اطلاعات مشغول می‌شوند!

الفصه، کانکت فلسفه‌ی جالبی دارد، چرا که بدون آن انگار همه چیز تعطیل خواهد بود. برای فراگیری شیوه‌های گوناگون کانکت، باید نوآموزان به یادگیری نوره‌های تخصصی بپردازند که الحق و کاملاً به‌صورت خودکار، پرداخته‌اند! با این که چرایی و چگونگی این مهم جای تأمل بسیار دارد، اما یادآور این نکته هم هست که از توانایی این مهندسان کاربلد، می‌توان در زمینه‌های مطلوب بهره‌مند شد. در این صورت، «نه سیخ خواهد سوخت، نه کباب».

البته نوعی کانکت هم

هست که اصلاً به امواج

فرامرزی کاری ندارد و اتفاقاً با سرعت فوق سرعت نور اطلاعات را منتقل می‌کند. به این نوع می‌گویند: مدل پست نیمکتی!

در این مدل، علاوه بر زمان کمتر، نفوذ اطلاعاتی بیشتری اتفاق می‌افتد که احتمالاً در صورت عدم کنترل نسبی، کار تربیتی گره می‌خورد و بدیده‌ی «قرار از بن بست» را جدی

می‌سازد در

مقابل نوآموزان مجهز به فناوری عصر جدید، حرف تازه‌ای باید زد! آن هم، در پوشش روابط کاملاً افقی و با زبان حالی دانش‌آموزپسند.

اگر روش‌های پخت‌وپز آشپزهای متعدد و متفاوت در تهیه‌ی آش شله قلمکار آموزش‌وپرورش یک‌دست شود، ملالی نخواهد ماند، جز رفاقت نسل قبل از تکنولوژی با تجهیزات فناوری که آن هم به سلامتی در دست تعمیر است!!

از آن‌جا که هر کسی ساز خود را کوک می‌کند، کمتر به ازدیاد وپروس «سردرگمی» توجه می‌شود و این بلای خانمان‌سوز، با نوآموزان عصر جدید آن می‌کند که شاهدیم! ناهماهنگی بخش‌نامه‌ای بسا روند نامطلوب آموزش‌های غیرمدرسه‌ای از یک‌طرف، و باز بودن زیادی پنجره‌ها به دهکده‌ی جهانی از طرف دیگر، کار ساخت کرده است. در این هاگیر واگیر عجیب، نقل یک کانکت دیگر هم هست که حرف اول و آخر را می‌زند و چراغ سبزی نشان می‌دهد تا پشت ترافیک «من چه کنم» نمایم.

اگر همه‌ی الگوهای تعریف شده، هم‌سو با استفاده‌ی بهینه از امکانات فناوری، به آن بالا‌بالاها کانکت شوند، حتماً تا عمق این پایین‌پایین‌ها نفوذ خواهند کرد. امروزه حتی در متن روان‌شناسی غربی هم، توجه به معنویات باب شده است. این همان برگ برنده‌ی است که این روزها بیش از گذشته بدان محتاجیم، به عبارتی:

«هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش»



اندراحوالات connect

سیما سعادت

فناوری نانو

خدیجه طاعتی

دبیر حرفه‌وفن شهرستان سازند

شد. ساخت بلوک‌های ساختمانی نانو از نظر اندازه و ترکیب به دقت کنترل می‌شود و سپس جین آن‌ها در ساختارهایی بزرگ‌تر که خواص و کارکرد منحصر به فرد داشته باشند، انجام می‌شود. این کار، در مواد و فرایندهای تولید آن‌ها انقلابی ایجاد می‌کند. برخی از مزایای نانو ساختارها عبارت است از: سبک‌تر، قوی‌تر و قابل برنامه‌ریزی بودن مواد، کاهش هزینه‌ی عمر کاری از طریق کاهش دفعات تعویض فنی، تولید ابزارهایی نوین بر پایه‌ی اصول و معماری جدید، به‌کارگیری کارخانجات مولکولی یا خوشه‌ای که مزیت ممتاز مواد در سطح نانو را دارند.

۲. دوام‌پذیری منابع: نانوفناوری به تغییرات سگرف در استفاده از منابع طبیعی، انرژی و آب منجر خواهد شد و بسبب آلودگی را کاهش خواهد داد. همچنین، فناوری‌های جدید امکان بازیافت و استفاده‌ی مجدد از مواد، انرژی و آب را فراهم خواهند کرد. در درمان مسائل زیست‌محیطی، از طریق کنترل انتشار آلاینده‌ها، در توسعه‌ی فناوری‌های «سبز» جدید که محصولات جانبی ناخوشه‌ی کمتری دارند و یا در جریانات و مناطقی که فاضلاب داشته باشند، موثرند. در زمینه‌ی انرژی، نانوفناوری می‌تواند به‌طور قابل ملاحظه‌ای کارایی، ذخیره‌سازی و تولید انرژی را تحت تأثیر قرار دهد و مصرف آن را پایین بیاورد.

در زمینه‌ی فناوری روستایی، در ۱۰ سال آینده می‌توان نیمه‌هادی‌های مورد استفاده در دیو‌های نورانی (LED) را به مقدار زیاد در ابعاد نانو تولید کرد.

۳. هوا و فضا: محدودیت‌های شدید سوخت به‌منظور حمل بار برای مدار زمین و مابرای آن، و علاقه به فرستادن فضاپیما برای مانوریت‌های طولانی به مناطق دور از خورشید، کاهش مداوم اندازه، وزن و توان مصرفی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مواد و ابزار آلات نانو ساختاری، امید حل این مشکل را به‌وجود آورده‌اند. همچنین، امکان طراحی و ساخت مواد سبک وزن، بر قدرت و مقاوم‌تر بر اثر حرارت مورد نیاز برای هواپیماها، راکت‌ها، ایستگاه‌های فضایی و سکوها‌ی اکتشافی سیاره‌ای یا حورشده‌ی بی‌با این فناوری مسیر شده است.

دورنمای آینده‌ی جهان در هزاره‌های آینده

برای ساختن ماشین‌های مولکولی، باید روش پروتئین‌های طبیعی را دنبال کرد که ژن (DNA) نامیده

تاریخچه‌ی نانوفناوری

در طول تاریخ بشر از زمان یونان باستان، مردم به‌خصوص دانشمندان آن دوره، بر این باور بودند که مواد را می‌توان آن قدر به اجزای کوچکی تقسیم کرد تا به ذراتی رسید که جرد ناشدنی هستند. این ذرات بیان مواد را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، شاید بتوان **دموکریٹوس**، فیلسوف یونانی را پدر فناوری و علوم نانو دانست. چرا که در حدود ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، او اولین کسی بود که واژه‌ی اتم را که در زبان یونانی به معنی تقسیم‌نشده‌ی است، برای توصیف ذرات سازنده‌ی مواد به‌کار برد. امروزه دانشمندان در حدود ۱۰۸ نوع اتم و تعداد زیادی ایزوتوپ کشف کرده‌اند. همچنین بی‌برده‌اند که اتم‌ها از ذرات کوچک‌تری مانند کوارک و لپتون تشکیل شده‌اند.

با این حال، عده‌ای بر این باورند که **ریچارد فی فاینمن** را باید پایه‌گذار این علم دانست، چرا که او در سال ۱۹۵۹، اولین مقاله‌ی علمی درباره‌ی قابلیت‌های فناوری نانو را ارائه داد و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل فیزیک شد.

فناوری نانو چیست؟

فناوری نانو واژه‌ای است کلی که به تمام فناوری‌های پیشرفته در عرصه‌ی کار با مقیاس نانو اطلاق می‌شود. معمولاً مقیاس نانو، ابعادی در حدود ۱ تا ۱۰۰ نانومتر را شامل می‌شود که هر نانومتر، یک میلیاردمتر است. اولین جرعه‌های این علم در سال ۱۹۵۹ در سخنرانی ریچارد فاینمن با عنوان «فضای زیادی در سطوح پایین وجود دارد» مطرح شد و معتقد بود که در آینده‌ی نزدیک، می‌توانیم مولکول‌ها و اتم‌ها را به‌صورت مستقیم دستکاری کنیم.

نانو فناوری و کاربردهای آن

در دهه‌های آتی، علوم و فناوری نانو به درک بهتر طبیعت کمک می‌کند، از جمله دستاوردهای آن، همکاری‌های تحقیقاتی میان‌رشته‌ای، آموزش‌های خاص و انتقال ایده‌های جدید به صنعت خواهد بود. بخشی از تأثیرات و کاربردهای نانوفناوری به شرح زیر است:

۱. تولید مواد و محصولات صنعتی: نانوفناوری تغییر بنیادی مسیری است که در آینده موجب ساخت مواد و ابزارهایی خواهد

کلید واژه‌ها: نانو، فناوری، تولید مولکولی، یونان، ماشین‌های مولکولی.

اشاره

«نانو فناوری»، فناوری جدیدی است که تمام دنیا را فرا خواهد گرفت. در بیانی کوتاه، نانو فناوری نوعی فرایند تولید مولکولی است. همان‌طور که طبیعت مجموعه‌ها را به‌طور خودکار مولکول به مولکول ساخته و روی هم قرار داده است.



می‌شود. با تهیه نقشه‌های ساختاری بدن، یعنی آرایش ژن‌ها و به موازات آن دست یافتن به تکنولوژی مادون ریز، در درازمدت تحولات بسیاری در هستی ایجاد خواهد شد. تولید مواد جدید، گیاهان، جان‌داران و حتی انسان، متحول خواهد شد، اشکالات ساختاری موجودات در طبیعت رفع می‌شود و با ترکیب و خواص آرگانیک گیاهان و جانوران، موجودات جدیدی با خواص فوق‌العاده و شخصیت‌های متفاوت به‌وجود خواهند آمد.

آینده‌ی علوم و مهندسی که چندین گرایش است، به طرف تولید ماشین‌های مولکولی سوق داده خواهد شد تا در نهایت بتواند مجموعه‌های کارایی از بیوندهای ارگانیک را عرضه کند. هستی را می‌توان به رابانه (سخت‌افزار) و برنامه (نرم‌افزار) که نو پدیده‌ی متفاوت ولی ادغام شده هستند تشبیه کرد. سخت‌افزار مصداق ماده (غالباً اتم هیدروژن) را دارد و نرم‌افزار یا برنامه، قابلیت نهفته در خلقت آن است. اتم به‌منظر ساده و ابتدایی هیدروژن، طی میلیاردها سال، با قابلیت نهفته در خود توانسته است میلیون‌ها نوع آرایش متفاوت را در هستی به‌وجود آورد. بشر از به‌وجود آوردن اساس ماده عاجز است. ولی در برنامه‌ریزی‌های جدید و یافتن اشکال دیگری از آن چه در طبیعت وجود دارد، پیش خواهد رفت. طبیعت را خواهد شناخت و به اصطلاح قفل‌های سنگفت‌آور آن را باز خواهد کرد. احتمالاً انسان در شرایط مناسب‌تری می‌تواند با استفاده از درجه حرارت و فشار که در تشکیل طبیعی مواد گوناگون از هیدروژن لازم است، اتم‌های مورد نیاز خود را تولید کند. سیارات دیگری را در اختیار بگیرد و بعد نیست که نواده‌های دور دست ما بتوانند در نیمه‌های راه ابدیت، در اکثر نقاط جهان هستی و کیهانشان ساکن گزینند.

به احتمال زیاد، قبل از پایان هزاره‌ی سوم، انسان‌ها در بدن خود انواع لوازم مصنوعی و دیجیتالی را خواهند داشت. از

بیماری، پیری، درد ستون فقرات، کمی حافظه و... رنج نخواهند برد و قابلیت فهم و تحلیل اطلاعات در مغز آن‌ها در مقایسه با امروز بی‌نهایت خواهد شد. در هزاره‌های آینده، انسان‌های طبیعی، مانند امروز احتمالاً برای مطالعات پژوهشی نگهداری و به نمونه‌های آزمایشگاهی و به‌طور حتم قابل احترام تبدیل خواهند شد و مردمان آینده از این همه درد و ناراحتی که اجداد آن‌ها در هزاره‌های قبل کشیده‌اند، متعجب و متأثر خواهند بود.

پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه‌ی نانوفناوری

هم‌اکنون در دنیا شرکت‌هایی هستند که بهره‌برداری از برخی یافته‌های نانو فناوری را آغاز کرده‌اند. برای نمونه:

- شرکت «آریشی اورال»، در محصولات آرایشی خود از مواد نانو استفاده می‌کند تا بر میزان تأثیر آن‌ها بیفزاید.
- دیودهای نوری ساخته شده از مواد نانو، تا ۸۰ درصد در مصرف برق صرفه‌جویی می‌کنند.

- توپ‌های تیسسی که با کربن ۶۰ ساخته و روانه‌ی بازار شده‌اند، سبک‌تر و مستحکم‌تر از توپ‌های عادی هستند.
- پارچه‌هایی تولید شده‌اند که با یکبار تکاندن آن‌ها، می‌توان حالت اتوی اولیه را به آن‌ها بازگرداند و همه‌ی چین‌وچروک‌هایشان را از بین برد. با همین بار تکاندن، همه‌ی گردوغباری که به این پارچه‌ها جذب شده نیز پاک می‌شوند.

- نوارهای زخم‌بندی هوشمندی درست شده‌اند که به محض مشاهده‌ی نخستین علائم عفونت در مقیاس مولکولی، پزشکان را مطلع می‌سازند.
- لیوان‌هایی تولید شده‌اند که قابلیت خود تمیز کردن را دارند.
- لنزها و عدسی‌های عینک ساخته شده از جنس مواد نانو، ضدخش هستند.

- پوشش‌های مناسبی تولید شده‌اند که سلول‌های حاوی ویروس‌های خطرناک نظیر «ایدز» را در خود می‌پوشانند و مانع خروج آن‌ها می‌شوند.

- دستگاهی ساخته شده است که می‌تواند با استفاده از ذرات طلا، پروتئین‌های معینی را فعال سازد یا از کار بیندازد.

زیر نویس

۱. ۱ نانومتر = 10^{-9} متر
۲. ۱ متر = 10^9 نانومتر

2. Multi -Disciplinary

منابع

1. www.Aliphysics.

Persianblog.com

۲. ماهنامه‌ی تخصصی علوم و فنون، اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتابه ۸۷۸۸ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سال هشتم. شماره‌های ۳ و ۴ تیر و مرداد ۱۳۸۴.
۳. نانو تکنولوژی، آینده‌ی آفرینش، انجمن علمی دانشجویی دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران.
۴. قاضی نوری. سیاست‌گذاری علم و تکنولوژی. مجموعه مقالات اولین همایش نانو تکنولوژی. کمیته‌ی مطالعات سیاست نانو تکنولوژی. اسفند ۱۳۸۰.

شیوه‌های ارزش‌یابی کتاب‌های فارسی تازه تألیف

دکتر سیدبهنام علوی مقدم

مؤلف کتاب‌های تازه تألیف ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی

الف) ارزش‌یابی تکوینی

از من سستمر یا تکوینی کتاب‌های تازه تألیف فارسی، از موارد زیر صورت می‌پذیرد. لازم به ذکر است که نمونه‌گذاری برای هر یک از موارد زیر، به تشخیص دبیر و سایر شرایط زمانی و مکانی کلاس درس صورت می‌گیرد. البته ناگفته نماند که رعایت تناسب باید مدنظر قرار گیرد.

- **روخوانی متن یا رعایت آهنگ و لحن:** در این مورد، دبیر گرامی، وسعت خواندن دانش‌آموز را ارزیابی می‌کند؛ روان‌خوانی، رعایت آهنگ مناسب جملات، لحن مناسب برای هر سن، مکث‌های صحیح و...

پیشنهاد می‌شود برای ارزش‌یابی دقیق‌تر روخوانی از چند جای کتاب استفاده شود تا توان و تسلط در بند خوانی متن‌های گوناگون یا سبک‌های متفاوت، بهتر مشخص شود.

- **درک مطلب:** یکی از مهم‌ترین بخش‌های ارزش‌یابی، درک و فهم مطلب و مفهوم موجود در درس‌ها و متن‌ها را شامل می‌شود. در این مرحله، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود، پس از قرائت متن به صورت (صافحت خوانی) درک و فهم و برداشت خود را از پاراگراف (سند) مورد نظر بیان کنند. توصیه می‌شود، در صورتی که متن‌های روخوانی برای ارزش‌یابی از درک مطلب به کار رفت، حتماً فرصتی مناسب به دانش‌آموزان داده شود تا متن را صافحت خوانی کند و سپس به سؤالات پاسخ گویند، چرا که معمولاً در ضمن بند خواندن، درک و برداشت کافی از متن صورت نمی‌گیرد.

- **خودارزیابی:** دبیران گرامی می‌توانند از اولین بخش «خواندن» کتاب، یعنی خودارزیابی، برای طرح سؤالات در جهت این بخش استفاده کنند.

- **دانش‌های زبانی و ادبی:** دانش‌های زبانی و ادبی هر درس، به نکته‌های زبانی، دستور، آرایه‌های صنایع ادبی می‌پردازد. معلم گرامی می‌تواند بخشی از ارزش‌یابی را به این نکات اختصاص دهد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی یابانی، ادبیات فارسی، ارزش‌یابی تکوینی

یکی از مراحل بسیار مهمه که در فرایند آموزش، توجه مربیان و مترجمان قرار می‌گیرد و به نوعی بازخوردی از چگونگی آموزش ارائه می‌دهد، ارزش‌یابی است.

بقیاً با تألیف هر کتاب تازه‌ای، ارزش‌یابی از محتوای آن نیز دست‌خوش تغییراتی می‌شود که توجه بدان‌ها، بایسته و لازم است، چرا که بدون اطلاع از این تحولات و تغییرات، فرایند آموزش دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود و بازخورد صحیحی از مراحل آن به‌دست نمی‌آید. کتاب‌های تازه تألیف فارسی دوره‌ی راهنمایی نیز که در سال تحصیلی ۸۷۸۸ وارد چرخه‌ی آموزش شده، ارزش‌یابی متفاوتی را می‌طلبد، برای نشان بیشتر همکاران گرامی، نحوه‌ی ارزش‌یابی این کتاب‌ها در زیر می‌آید:

کتاب فارسی، هم‌چون کتاب‌های پیشین راهنمایی، در کارنامه سه درس را با سه نمره‌ی جداگانه به خود اختصاص می‌دهد:

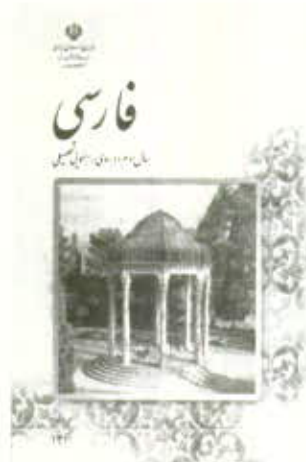
۱. فارسی: ۲، املا: ۳، انشا.

هم‌چنین، بنا بر مصوبات شورای عالی وزارت آموزش و پرورش، ارزش‌یابی به دو صورت تکوینی (سستمر) و یابانی صورت می‌پذیرد. این طیف‌بندی، در مورد کتاب‌های فارسی تازه تألیف نیز صادق است. اکنون به شرح هر یک از موارد بالا و ارزش‌یابی مربوط به آن‌ها می‌پردازیم:

فارسی

ارزش‌یابی فارسی، به صورت شفاهی - عملی به‌رگز می‌شود. این درس بیست نمره را به خود اختصاص می‌دهد. این بیست نمره، میانگین دو نمره‌ی تکوینی و یابانی است که برای هر یک از آن‌ها هم سقف بیست نمره در نظر گرفته می‌شود.

۳۰ = (یابانی) ۲۰ + (تکوینی) ۱۰ نمره فارسی



- **شعرخوانی و روان‌خوانی:** این بخش بیشتر به منظور التذاد ادبی و علاقمندی به مطالعه، در کتاب گنجانده شده است. خواندن شعر به صورت دکلمه، درک مطلب از مطالب بخش‌های روان‌خوانی، حفظ شعرهای بخش شعرخوانی، بیان زیبایی‌های متن و شعر و... می‌تواند از موارد تعیین شده در ارزش‌یابی تکوینی باشد.

ارزش‌یابی پایانی

ارزش‌یابی پایانی به صورت مشترک و با نمره‌گذاری ثابت انجام می‌گیرد.

- خواندن (۱۰ نمره) = روان‌خوانی (۵ نمره) + درک مطلب (۵ نمره) موارد روخوانی و درک مطلب، هم‌چون موارد ارزش‌یابی تکوینی است.

- شناخت واژگان در جمله (۳ نمره)

- مترادف (۱ نمره): پرسش از واژه‌ی مترادف و هم‌معنای واژه‌های موجود در متن

- متضاد (۱ نمره): پرسش از واژه‌های متضاد کلمه‌ها - شبکه‌ی معنایی (۱ نمره): پرسش از کلمه‌های مرتبط با واژه‌ی مورد نظر معلم. بدین صورت که معلم، واژه‌هایی را بیان می‌کند و از دانش‌آموز می‌خواهد کلمه‌های مرتبط با آن را ذکر کند.

این مورد همان «مراعات نظیر» است که در بحث آرایه‌های ادبی مطرح می‌شود.

- دانش‌های زبانی و ادبی (۵ نمره)

در ارزش‌یابی تکوینی به این موارد اشاره شد در این جا یادآور می‌شویم، از دانش زبانی ۲ نمره، دانش ادبی ۲ نمره و تاریخ ادبیات ۱ نمره، ارزش‌یابی به عمل می‌آید لازم به ذکر است، آن‌چه در این ارزش‌یابی‌ها مدنظر است، فهم و درک از دانش‌های زبانی و ادبی و تاریخ ادبیات است و حفظیات مورد نظر نیست.

- **کار گروهی:** آخرین قسمت بخش «خواندن» کتاب‌های تازه تألیف، کار گروهی است. این قسمت که برای مشارکت دانش‌آموزان در کتاب گنجانده می‌شود، یکی دیگر از موارد ارزش‌یابی است که هم می‌تواند در نمره‌ی مستمر فردی و هم نمره‌ی تکوینی گروهی مورد احتساب قرار گیرد.

- **حفظ شعر:** یکی دیگر از موارد ارزش‌یابی تکوینی، حفظ شعر است. پیشنهاد می‌شود، حفظ شعرها به دل‌خواه دانش‌آموزان صورت پذیرد. به عبارت دیگر، دبیران گرامی، دانش‌آموزان را به حفظ شعرهای مورد نظر خود وادار نکنند، زیرا ماندگاری این نوع از حفظیات، بسیار پایین است و مطلب حفظ شده مدت‌زمان کوتاهی در حافظه‌ی کوتاه‌مدت باقی می‌ماند.

- **مطالعه و کتاب‌خوانی و پژوهش:** از مواردی که می‌توان در ارزش‌یابی بخش اعظمی را بدان اختصاص داد. بحث مطالعه و کتاب‌خوانی است. با توجه به نتایج آزمون بین‌المللی برلر (بهبود سواد خواندن و ارزش‌یابی از آن) و پایین بودن نمره‌ی دانش‌آموزان ایرانی در آن، این مهم باید مورد توجه همگان قرار گیرد. توصیه‌ی اکید کارشناسان دفتر تألیف و مؤلفان کتاب، توجه کافی و وافی به بحث مطالعه و کتاب‌خوانی است. یکی از مواردی که می‌تواند به تقویت این قسمت منجر شود، ارزش‌یابی و اختصاص نمره‌ی مناسب در ارزش‌یابی تکوینی، به این بخش است. پژوهش‌های فردی و گروهی هم از جمله‌ی این موارد هستند.

- **توانایی در سخنوری و فن بیان:** یکی از اهداف کتاب‌های تازه تألیف، افزایش مهارت سخن گفتن دانش‌آموزان این دوره است. اختصاص نمره‌ای متناسب با این موضوع توسط دبیران گرامی، مؤلفان را در دست‌یابی به این مهم، کمک می‌کند.

- **باسخ به فعالیت‌ها و تمرین‌ها:** از دیگر موارد مطرح در زمینه‌ی ارزش‌یابی تکوینی، باسخ کتبی و شفاهی بر پرسش‌های کتاب، مانند پرسش‌های بخش «نوشتن» است.

با تألیف هر کتاب تازه‌ای، ارزش‌یابی از محتوای آن نیز دست‌خوش تغییراتی می‌شود که توجه بدان‌ها، بایسته و لازم است، چرا که بدون اطلاع از این تحولات و تغییرات، فرایند آموزش دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود و باز خورد صحیحی از مراحل آن به دست نمی‌آید.

- حفظ شعر: (۲ نمره)

تمامی مواردی که در مورد حفظ شعر در قسمت ارزش‌یابی تکوینی بیان شد، در این جا نیز صادق است. حفظ شعر می‌تواند هم از شعرهای درس و هم از شعرهای بحث شعرخوانی و به دل‌خواه دانش‌آموز باشد. در هر نوبت نیز، فقط یک شعر حفظی از دانش‌آموزان خواسته می‌شود.

املا

ارزش‌یابی از املا در کتاب‌های تازه‌تألیف، متفاوت از کتاب‌های پیشین است؛ به این شرح:

$$۲۰ = \frac{۲۰ (ارزش‌یابی تکوینی) + ۴۰ (ارزش‌یابی پایانی)}{۲} = \text{املا}$$

الف) ارزش‌یابی تکوینی:

در ارزش‌یابی تکوینی (مستمر) املا، در طول سال تحصیلی، مننی یا متونی تهیه و هم‌چون املاهای سنتی برای دانش‌آموزان تقریر می‌شود. متن املاها با معیار نمره‌ی ۲۰ تصحیح می‌شود.

نمره‌ی نهایی املا‌ی تقریری ارزش‌یابی تکوینی، باید میانگین املاهای متعددی باشد که در طول سال تقریر شده است.

در ضمن، املا‌ی تکوینی (مستمر)، همیشه از درس‌های کتاب‌نیست، بلکه می‌توان با هماهنگی فنی، از کتاب درسی دیگر همان پایه نیز املا گفت.

هم‌چنین، در طی سال تحصیلی، سؤالاتی در زمینه‌ی تقویت املا طرح می‌شوند که میانگین این پرسش‌ها نیز ۱۰ نمره به حساب می‌آید. این پرسش‌ها می‌توانند به صورت چهار گزینه‌ای، جالی خالی، متونی که دارای غلط‌های املا‌یی هستند و دانش‌آموز باید غلط را بیاید و صحیح آن را بنویسد، تصویر و مسائل موجود در لوگوی املا در زیر هر سؤال املا در کتاب و...

در نهایت، نمره‌ی نهایی ارزش‌یابی تکوینی به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$۲۰ = \frac{۲۰ (سؤالات املا) + ۱۰ (میانگین املا‌ی تقریری)}{۲} = \text{مجموع ارزش‌یابی تکوینی}$$

ب) ارزش‌یابی پایانی

در ارزش‌یابی پایانی نیز وضع به همین موال است. بدین صورت که دبیران گرامی مننی را انتخاب و در

جلسه‌ی امتحان برای دانش‌آموزان تقریر می‌کنند. پس از جمع‌آوری برگه‌های املا‌ی تقریری، برگه‌ی سؤالات غیرتقریری را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند. این گونه سؤالات نیز می‌توانند به شیوه‌ی ارزش‌یابی تکوینی طراحی شوند.

$$۲۰ = \frac{۲۰ (سؤالات املا) + ۱۰ (میانگین املا‌ی تقریری)}{۲} = \text{مجموع ارزش‌یابی تکوینی}$$

$$۲۰ = \frac{۲۰ (تکوینی) + ۲۰ (پایانی)}{۲} = \text{مجموع ارزش‌یابی}$$

انشا

درس انشا نیز هم‌چون فارسی و املا به دو صورت تکوینی و پایانی ارزش‌یابی می‌شود.

الف) ارزش‌یابی تکوینی

در ارزش‌یابی تکوینی، باید دو نمره منظور شود. ده نمره از آن به موضوع انشا اختصاص می‌یابد. ده نمره‌ی دیگر به سؤالات انشایی تعلق می‌گیرد. لازم به یادآوری است، در مورد موضوع انشا و سؤالات انشایی، میانگین انشاها و سؤالات انشایی در طول سال تحصیلی، مجموعاً ۲۰ نمره را به خود اختصاص می‌دهد.

$$۲۰ = \frac{۲۰ (میانگین سؤالات انشایی) + ۲۰ (میانگین موضوعات انشایی)}{۲} = \text{مجموع ارزش‌یابی تکوینی}$$

ب) ارزش‌یابی پایانی

در ارزش‌یابی پایانی، یک موضوع انشا به ارزش ۱۰ نمره و تعدادی سؤال انشایی، نگارش و ادبی به ارزش ۱۰ نمره، ارائه می‌شود. سؤالات انشایی می‌تواند شامل پرسش‌هایی از نکات زبانی، ادبی، لوگوهای مربوط به انشا در زیر هر عنوان انشا در کتاب و... باشد.

۲۰ = (سؤالات انشایی) ۱۰ + (موضوع انشا) ۱۰ = ارزش‌یابی پایانی
در نگارش انشا، رعایت نظم و ترتیب منطقی، انسجام و پیوستگی بندها و پاراگراف و متون، پیرویش موضوع، به‌کارگیری صحیح نکته‌های نگارشی، دستور، املا‌ی و...، خلاقیت و نوآوری، بهره‌گیری از عناصر و آرایه‌های ادبی هم‌چون تخیل، تشبیه، توصیف، امثال و حکم، تلمیح و... به‌کارگیری واژه‌ها و ترکیب‌های متناسب با موضوع و... خط خوش و پاکیزه‌نویسی، از ضروریات است و می‌تواند به تناسب، نمره‌ای قابل توجه را به خود اختصاص دهد.

رشد آموزش
راه‌های
تحصیلی

ارزش‌یابی

ارزش‌یابی املای فارسی

فاطمه حیدر نیاز - جعفر خرازی

دبیران ادبیات فارسی مدارس راهنمایی شهر تهران

اشاره

در شماره‌ی پی‌درپی ۷۸ (دی‌ماه ۸۸) مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، مطلبی با عنوان «جهت‌یابی تغییر» به چاپ رسید و در بخشی از آن، به شیوه‌نامه‌ی ارزش‌یابی کتاب‌های تازه تألیف فارسی اشاره شد. بر آن شدیم که به‌طور اجمالی به بررسی این شیوه‌نامه بپردازیم.

● تجربه‌ی آزمایشی اجرای روش جدید تا چه اندازه موفق بوده است، که اکنون تصمیم به اجرای سراسری آن گرفته‌اند!

بدیهی است، هر تغییری، آن هم در سطحی کلان، به‌ویژه در نظام ارزش‌یابی، باید شامل موارد زیر باشد:

- مجریان (معلمان) برنامه با محتوای آن آشنا باشند.
- نسبت به برنامه‌ی ارزش‌یابی جدید، نگرش مثبت داشته باشند.
- مهارت‌های لازم را برای طراحی و اجرای آن در کلاس کسب کنند.
- رئوس کلی برنامه از نظر ابزار، امکانات و اهداف، شفاف‌سازی شود و هر گونه ابهام در ارتباط با برنامه‌ی تدوین شده رفع شود تا مجریان، برنامه را به همان شکل مدنون اجرا کنند.

● لازم است در راهنمای برنامه‌ی درسی، اهداف این تغییر، تعریف و ذکر شود و نیز متون و تمرین‌های کتاب‌های فارسی، قابلیت اجرای این گونه ارزش‌یابی را دارا باشند.

شتاب‌زدگی در اجرای این ارزش‌یابی به وضوح به چشم می‌خورد و به زعم ما و تعدادی از دبیران این درس، اجرای این گونه ارزش‌یابی‌ها، به افت تحصیلی دانش‌آموزان منجر خواهد شد.

در پایان، نگارتندگان این یادداشت که خود سال‌های بسیاری از خدمت مقدس معلمی را در گروه‌های آموزشی حتی شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های فارسی راهنمایی جدید حضور داشته‌اند و نوشته‌ی حاضر را براساس تجربیات خویش تهیه کرده‌اند، انتظار دارند، به ابهامات موجود در ارتباط با شیوه‌ی جدید ارزش‌یابی املای فارسی پاسخ مستند داده شود.

کتاب‌های نو تألیف فارسی راهنمایی، از مهرماه ۸۷ در چرخه‌ی آموزشی کشور قرار گرفتند و در پی آن، ارزش‌یابی این درس در بخش‌های فارسی، انشا و املا نیز دستخوش تغییر شد.

براساس شیوه‌نامه‌ی جدید ارزش‌یابی املای ۱۰ نمره به املای تقریری (معلم می‌خواند و دانش‌آموز می‌نویسد) و ۱۰ نمره به پرسش‌های املایی اختصاص یافته است. یادآور می‌شود، از دبیران، ارزش‌یابی درس املای شیوه‌ی تقریری بوده و در برگزیده‌ی اهداف چندی است: تقویت توانایی درست، خوانا و زیبانویسی؛ دقت در لحن و تکیه‌های سخن دیگران؛ دریافت تلفظ درست واژگان، دریافت پیام و تقویت مهارت خوب گوش دادن و...

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا طرح پرسش‌های املایی به شیوه‌ی جدید، با اهداف فوق که در راهنمای برنامه‌ی درسی به تصریح آمده است، مطابقت و هم‌خوانی دارد؟! و به دنبال آن، این پرسش نیز برای ما و بسیاری از معلمان پیش آمده است که:

● ایراد روش قبلی املای چه بوده که ارزش‌یابی به شیوه‌ی جدید، جای‌گزین آن شده است؟

● براساس کدام سند علمی، برنامه و روش ارزش‌یابی قبلی ایراد داشته است؟

● به احتمال، اگر در روش قبلی ایرادی وجود داشته است، طراحان براساس کدام مستندات علمی نتیجه گرفته‌اند که روش جدید ارزش‌یابی، برای رفع مشکلات شیوه‌ی قبلی مؤثر و مفید خواهد بود؟

نقدی بر حرفه آموزی

اکبر قاسم‌زاده

کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

کلیات

حسی - حرکتی به وضوح نشان داده می‌شود. نکته‌ی قابل توجه و مهم آن است که کتاب قسلی از هر کار، معلمی یا به شیوه‌ی تدریس این درس راهنمایی می‌کند و با اشاره به دانش آموز محور بودن، تأکید می‌کند که با توجه به محوریت دانش آموزان، طبعاً باید خلافت، انگار، ذوق و استعداد را در آنان به وجود آورد. اگر معلمی نتواند تفکر نظام‌مند را که لازمه‌ی تدریس این درس است، به دانش آموز ارائه کند نمی‌تواند در ایجاد و رشد توانمندی‌های حسی - حرکتی او موفق باشد. مهم‌تر از آن نیز، حس همکاری و تعاون است که بر این نوع دروس کاملاً مشهود است و معلم باید با دقت نظر و نکته‌سنجی زیاد، تجربه‌های پرباری را به شاگردان ارائه کند. در مجموع پیشنهاد می‌شود، معلم درس مربوطه، برای تدریس هر بخش، از سی‌دی و یا نوار ویدیویی VHS که در آن برای هر بخش فیلم مستند آموزش داده می‌شود، استفاده کند که حتماً ضرب یادگیری و نیز ترغیب آنان را اثر بی‌خواهد داشت. همچنین، تجربه‌های یادگیری آنان در محیط پیرامون (خانه، مدرسه و اجتماع) را می‌افزاید.

اهداف آموزشی

هدف‌های آموزشی این کتاب، به خوبی بیان شده‌اند و در این جا نقش معلم است که با توانایی و تجربه‌ی خود، این اهداف را برای دانش آموزان تبیین و به‌وضوح تشریح کند. همچنین، کتاب با رویکردی نظام‌مند، فرایند کار را در اهداف مرحله‌ای مشخص کرده و با مثال‌های مناسب، توجه دانش آموزان را به آن جلب کرده است. به نظر می‌رسد در بعضی فصل‌ها، توجه چندانی به اهداف شناختی صورت نگرفته است. مثل آن که دانش آموز قسلی از هر کار عملی، باید با بعضی از مفاهیم (تصورات نظری یا نظری) انشایی بسس داشته باشد یا بتواند به انجام فعالیت عملی موفق شود و در نهایت هدف آموزشی را تحقق بخشد. با توجه به نوع مطالب درس (که عملی است)، توجه به ارزش‌یابی تکوینی (تشخیصی) ضروری است که

کتاب آموزش حرفه‌وفن سال دوم راهنمایی، در سالی اهداف موفق بوده است و دانش آموزان را به ساخت و تولید وسایل مورد نیاز در زندگی تشویق می‌کند. این کتاب توانسته است آن چه را که لازمه‌ی یادگیری در رشته‌ی حرفه‌وفن است، به دانش آموزان ارائه کند و در این راه از عکس و تصاویر مربوط به رشته که به صورت متوالی موصوفی را به نمایش بگذارد، استفاده‌ی مطلوبی شده است.

برای یادگیری این نوع دروس (به عنوان درس عملی) استفاده از تصاویری که بتواند مراحل ساخت یا کار با مواد را به ترتیب ارائه کند، ضروری است. مسلماً تأثیر تصویر، با تشریح توصیفی و عملی توسط معلم مربوطه کامل می‌شود. همچنین، به کارگیری کلمات و اصطلاحات، و استفاده از فوت مناسب (برای حروف) توانسته است به اهداف مذکور کمک کند.

نکته‌ی قابل توجه این که کتاب در شروع هر فصل، با ارائه‌ی سوالات و یا ویژگی‌های فصل، دانش آموزان را به سؤال یا تحقیق عملی از خود و می‌دارد که این موضوع می‌تواند یادگیری و علاقه‌ی آنان به موضوع را سب شود. استفاده از تصاویر رنگی در بخش‌های متفاوت کتاب، و نیز استفاده از صفحات رنگی برای من موردنظر، انگار کارنوبی یا نقاشی‌های به کار رفته در کتاب، از برجسته‌ترین نکاتی است که در یادگیری تأثیر مضاعف دارد. کتاب با استفاده از شیوه‌های فعال یادگیری، تجربه‌های یادگیری را به دانش آموزان انتقال می‌دهد. اما در مورد ارزش‌یابی این که در آخر هر فصل باید ترتیبی اتخاذ شود تا پس از پایان فصل، ارزش‌یابی نظری و عملی از دانش آموزان به عمل آید و سوالاتی ارائه شود که سنجش یادگیری نظری و عملی آنان را دربرداشته باشد، رعایت شده، ولی در مورد ارزش‌یابی عملی یابانی، کمی غفلت شده است.

اهداف آموزشی - رفتاری بخش‌های متفاوت درس، هماهنگی لازم را دارند و با توجه به اهداف شناختی، اهداف



ارزش یابی

تعیین نظام ارزش یابی یکی از مهم ترین موضوعات هر نوشتار است. در واقع، یادگیری مؤثر با نظام ارزش یابی درست صورت می گیرد. در این راستا، وجود مدرسان و معلمان خبره که بتوانند سؤالات و روش های ارزش یابی را با رعایت اصول روایی پایایی تنظیم کنند، حائز اهمیت است. همچنین، ارزش یابی به فرد و دانش آموز کمک می کند، در عمل انجام شدن خودآزمایی قرار گیرد که تحقیقاً به فکر بیشتر و مرور مطالب منجر خواهد شد.

سازمان دهی انواع ارزش یابی، شیوه ی مؤثری است که هر معلم باید در تدریس خود و یاد دادن مطلب به دانش آموزان، از آن استفاده کند. با توجه به نوع مطالب این کتاب، به نظر می رسد که ارزش یابی باید در دو حیطه صورت گیرد: ۱. نظری؛ ۲. عملی.

و این کتاب توانست با استفاده از سؤالاتی در قالب عنوان «مصاحبه کنید»، شیوه های ارزش یابی نظری و عملی را ارائه کند. اما به طور کامل از این شیوه ها استفاده نکرده است. این جانب عقیده دارد، دانش آموزان در این سنین باید با برخی تعاریف و نیز تعریف موضوعات آشنایی کامل داشته باشند. حتی تا جایی که به استفاده از فرهنگ لغات بینجامد. آشنایی با تعریف، این امکان را به دانش آموز می دهد که در پی گیری مطالب با عمق بیشتری وارد شود و جستجوی خود را ادامه دهد و کتاب در این حیطه به طور جزئی وارد شده و خیلی به آن نپرداخته است.

در بخش ارزش یابی پایانی عملی نیز شایسته بود نمونه های به دانش آموز ارائه شود تا با استفاده از مطالب درس، فعالیت عملی انجام می داد.

کتاب توانسته است در این مرحله، با عنوان «فکر کنید»، دانش آموزان را به تفکر در فعالیت ها وادارد.

برای ارائه ی محتوای درس، نشان دادن اشکال و اجسام و آشنا شدن دانش آموزان برای تولید یا ساخت، ضروری است. در بخش هایی از کتاب مشاهده می شود، ارتباط عمودی و افقی محتوا، رعایت نشده است. مثلاً در فصل اول به نظر می رسد محتوای مطالب کمی برای دانش آموزان این سن، سنگین باشد. مثل این که تعریفی روشن از کلمه ی «فناوری» ارائه نشده و به تبع آن نمی توان رابطه ی محتوایی با علم را برای دانش آموزان دوم راهنمایی به شکل دقیقی تبیین کرد. این امر، بر یادگیری آنان حائل وارد می کند.

محتوای ارائه شده در فصل ها طوری تنظیم شده است که هدف رفتاری را تحقق می بخشد. با مطرح شدن عنوان «بیش تر بدانید» در فصل ها، به هدف رفتاری می رسیم و دانش آموزان با راهنمایی معلم می توانند به این اهداف دست یابند.

معرفی الگو

الگوهای معرفی شده از هر درس، دانش آموزان را در جهت فرایند کار با مواد و رسانه به خوبی راهنمایی می کنند. الگوهایی که به صورت نقشه، آند، تصویر واقعی، نمای فنی وسیله و شمای حقیقی آن ارائه شده اند، ناظر به همین مسئله اند و دانش آموزان از طریق مدل ارائه شده، به خوبی می توانند فعالیت ها را به انجام برسانند و در واقع به اهداف آموزشی دست یابند.

محتوای متن با هدف های آموزشی کلی و جزئی کتاب همخوانی دارد و این امر با شیوه ی نگارش روان، سلیس و قابل فهم تکمیل شده است. همچنین، مطالب مطرح شده، با الگوها و شیوه های تدریس تناسب مطلوبی دارد که البته باید با شیوه ی تدریس معلم نیز همخوانی داشته باشد تا این تناسب حفظ شود.

در مجموع می توان گفت، این کتاب با ویژگی های یک کتاب خودآموز خوب تطابق دارد.

یادگیری مشارکتی

بیان مسئله

- طی ۱۷ سال سابقه‌ی آموزشی خود در تدریس درس عربی پایه‌های اول، دوم و سوم راهنمایی تحصیلی، متوجه این مسئله شده بودم که دانش‌آموزانم در یادگیری عربی پایه‌ی دوم مشکل دارند به این مشکل از راه‌های زیر پی برده بودم:
- بررسی نتایج پرسش و پاسخ‌های کلاس درس و امتحانات دانش‌آموزان؛
 - آزمون‌های تشخیصی در ابتدای سال تحصیلی؛
 - بررسی نمرات سال گذشته و مقایسه‌ی آن‌ها با نمره‌های امسال آنان؛
 - تأکید مدیر و مسئولان مدرسه بر وجود همین مشکل، هر ساله در پایان نیم‌سال؛
 - اظهارات خود دانش‌آموزان مبنی بر دشواری یادگیری این درس؛
 - بیان این مشکل از سوی سرگروه‌های آموزشی و همکاران این رشته در جلسات گروه آموزشی؛
 - شنیدن نظرات همکاران دبیری و عربی در مورد این مشکل در جلسه‌ی شورای دبیران عمده‌ترین دلایلی که در ریشه‌ی این مشکل از سوی همکاران بیان شده، به این شرح است:
 ۱. نبود ارتباط بین قواعد عربی پایه‌ی اول با عربی پایه‌ی دوم؛
 ۲. زیاد بودن حجم کتاب درسی و نکات درسی آن و کمبود ساعت تدریس در طول هفته؛
 ۳. مشکل بودن قواعد و نکات دستوری و متون درس عربی پایه‌ی دوم (یعنی وجود ۱۴ صیغه‌ی ماضی و مضارع در این کتاب)؛
 ۴. وجود تصاویر شلوغ و غیرجذاب در متن کتاب درسی؛
 ۵. عدم آموزش و تجهیز معلمان به روش نوین و فعال در این درس؛
 ۶. نداشتن آگاهی دانش‌آموزان از کاربرد این زبان در زندگی روزمره؛
 ۷. تدریس غیرفعال و نظری بعضی از دبیران، نداشتن خلاقیت در تدریس و آسان‌گیری آنان در نمره‌دهی این درس؛
 ۸. نداشتن طرح درس دبیران برای تدریس.
- اما متأسفانه تاکنون همکاران برای رفع این مشکل، اقدامی جدی و اساسی انجام نداده‌اند و من یا توجه به علاقه‌ی شدیدی که به این درس و اهمیت آن دارم، تصمیم گرفتم با استفاده از شیوه‌های نوین و فعال تدریس، تا حد توانم، مشکل یادگیری این درس را برای دانش‌آموزانم آسان کنم.

راه‌حل‌ها

- ابتدا برای تدریس درس جدید، قبل از هر اقدامی طرح درس تهیه

کردم.

- تا حد امکان کوشیدم با دانش‌آموزانم

ارتباط عاطفی و

درس عربی

عالمه شکری مرزنگو

معلم شهرستان فریدون کمار

حسی برقرار کنم تا با کمک و مشارکت فعال و همکاری آن‌ها در کنار یکدیگر، بتوانم روش‌های متنوع و جذاب را به خوبی در کلاس به اجرا درآورم.

■ استفاده از روش بارش فکری با مطرح کردن سؤالاتی در زمینه‌ی کلید طلایی درس و دریافت پاسخ‌های گوناگون برای مشارکت دادن اکثر دانش‌آموزان در امر تدریس و یادگیری.

■ تهیه‌ی اشکال گوناگون مقوایی به شکل میوه، حیوانات و نقاشی‌های زیبا و رنگارنگ از کلمات و کلیدهای طلایی درس جدید به صورت گروه دو نفره یا چهار نفره، به عنوان وسایل کمک آموزشی و نصب در کلاس و ایجاد فضای جذاب.

■ یافتن ترجمه‌ی متن درس جدید توسط گروه‌های دانش‌آموزی و اجرای آن در کلاس درس.

■ تدریس درس جدید به صورت بازی نمایشی توسط دانش‌آموزان و مشارکت دادن گروه‌ها در امر تدریس و ایجاد رقابت بین آن‌ها و تشویق در مراسم‌ها از سوی مسئولین مدرسه و معلم به گروه نمایشی.

■ استفاده از روش مجسم در تدریس با تهیه‌ی عروسک‌های مقوایی به شکل دختر و پسر در نماد مؤنث، مذکر و غایب برای تفهیم صیغه‌های غایب.

■ بهره‌گیری از چهره‌سازی دانش‌آموزان به صورت مذکر و مؤنث، مثنی و جمع همراه با در دست داشتن پلاکارتهای متناسب با صیغه‌هایشان، در آموزش و تفهیم صیغه‌ها و ضمائر مخاطب.

■ اجرای محاوره‌ی عربی به صورت دو نفره توسط دانش‌آموزان در نقش مؤنث با مؤنث، مذکر با مذکر، و مؤنث با مذکر، به منظور تقویت مکالمه‌ی عربی و تسریع در یادگیری و کاربرد آن در زندگی روزمره.

■ حل تمرینات درس عربی با اجرای مسابقه بین گروه‌ها، همراه با پخش آهنگ که این روش باعث نشاط دانش‌آموزان و سرعت عمل بیشتر در حل تمرینات و تمرکز حواس بیشتر در کلاس درس می‌شود. با اجرای این روش‌ها تا حدودی توانستم یادگیری این درس را آسان کنم.

نتیجه

با اجرای روش نوین و فعال تدریس، دانش‌آموزان در فعالیت‌های درسی و گروهی بسیار فعال بودند و بین گروه‌ها رقابت بیشتری پیدا شد به راحتی با هم کلاسی‌ها ارتباط برقرار می‌کردند و با معلم رابطه‌ی عاطفی و حسی بسیار خوبی پیدا کردند و اکثریت دانش‌آموزان در امر تدریس و حل تمرینات مشارکت فعال داشتند و کلاس درس عربی برای آن‌ها بسیار جذاب و پاشنشاط شد. لذا علاقه و اشتیاق زیادی به یادگیری درس عربی نشان می‌دادند. میانگین نمرات پایان سال در مقایسه با میانگین نمرات عربی پایه‌ی دوم در سال‌های گذشته، افزایش چشم‌گیری داشته است.

افزایش کارآمدی استخوان‌ها

a2mokhtarian@yahoo.com

بزشک عمومی و دبیر منطقه ۲ تهران

احمد مختاریان

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مربوط به بخش‌های سلامت دستگاه اسکلتی و استخوان‌ها، استفاده و به‌کارگیری صحیح اسکلت و استخوان‌هاست. هرگونه به‌کارگیری نادرست این اندام‌ها، باعث پیدایش ضایعات جدی در این دستگاه خواهد شد.

برداشتن صحیح اشیاء: برای برداشتن و بلند کردن اشیاء، هرگز نباید کمر را خم کرد، بلکه باید ابتدا به‌صورت نشسته درآمد و سپس به‌طور عمودی به سمت بالا حرکت کرد. دقیقاً مانند وزنه‌برداران عمل کنید.

این روش را حتی هنگام برداشتن اشیای سبک از روی زمین، مانند گچ، خودکار و... نیز حتماً رعایت کنید.

نحوه‌ی حمل صحیح اشیاء

۱. ستون مهره‌ها را به جلو یا عقب خم نکنید.
۲. شی حمل‌شونده را به نوبت دست به‌دست کنید.
۳. باز و نیرو را به‌طور مساوی روی پاها تقسیم کنید.
۴. اشیاء را به سمت جلو نرانید، بلکه آن‌ها را از پشت سر خود بکشید. در این صورت، وزن کم‌تر خواهد شد.

نکات پایانی

- در پایان، توجه‌های دبیران و معلمان، اعم از بانوان و آقایان را به تذکرات زیر جلب می‌کنیم:
۱. هنگام رانندگی، حتماً صندلی را تنظیم کنید (ارتفاع، زاویه‌ی پشتی صندلی، فاصله‌ی صندلی تا فرمان و گاز و...)
 ۲. هنگام رانندگی، حتماً از بالشک‌هایی که قوس کمر را حفظ کنند استفاده کنید.
 ۳. قسمت پس‌سری صندلی ماشین را حتماً تنظیم کنید، به‌گونه‌ای که مانع از خم شدن گردن به عقب شود.
 ۴. در همه‌حال، از کفش مناسب استفاده کنید، به‌ویژه به ارتفاع باشنهی کفش دقت کنید.
 ۵. هنگام راه رفتن، باها را روی زمین بکشید.
 ۶. هنگام خواب و استراحت، از بالشک دارای ارتفاع مناسب استفاده کنید.
 ۷. اگر کیفیتان را روی شانه‌ها قرار می‌دهید، هرچند دقیقه یک‌بار، آن‌را به شانه‌ی دیگر منتقل کنید؛ حتی اگر سبک به نظر آید.

برای حفظ سلامت و افزایش کارآمدی استخوان‌ها، باید به موارد زیر توجه جدی و کافی داشت:

۱. مانع وارد آمدن هرگونه نیروی فشارنده به اسکلت شوید.
۲. از وارد آمدن هرگونه نیروی کششی به استخوان‌ها جلوگیری کنید.
۳. هرگونه حرکتی را که به مفاصل آسیب می‌رساند، انجام ندهید.
۴. عضلات اطراف مفاصل را تقویت کنید.

معلمان و دبیران گرامی، بیشتر در معرض ضدمات مربوط به ستون فقرات و شانه و زانو قرار دارند. توجه به نکته‌های زیر می‌تواند شما را در مقابل بیماری‌هایی مانند آرتروز گردن، کمردرد (بیماری دیسک و سیاتیک)، زانو ترد و ساییدگی مفصل زانو و دردهای مفصل شانه، محافظت کند:

۱. وزن خود را در حد استاندارد نگه دارید.
۲. ستون مهره‌ها (فقرات) سه قوس و خمیدگی دارند؛ یکی در ناحیه‌ی گردن، دیگری در ناحیه‌ی پشت و سومی در قسمت کمر. حفظ حالت طبیعی این قوس‌ها، اهمیت بسیار زیادی دارد.
- معمولاً آرتروز گردن به‌دلیل به‌هم خوردن قوس گردنی و قوس به‌دلیل به‌هم خوردن قوس پشتی، و سماری سیاتیک و دیسک به‌دلیل به‌هم خوردن قوس کمری رخ می‌دهد.
- پس اقدامات زیر را حتماً مدنظر داشته باشید و انجام دهید:
 ۱. هنگام مطالعه و تصحیح ورقه، سر را در وضعیت مناسب (در شماره‌های قبل آمده است) قرار دهید.
 ۲. هنگام راه رفتن و ایستادن، ستون مهره‌ها را راست نگه دارید.
 ۳. از وارد آمدن فشار به ستون فقرات جلوگیری کنید.
- مهم‌ترین موضوعی که همگان باید بدان توجه کنند و دربار‌ه‌ی آن آموزش ببینند، چگونگی برداشتن و حمل اشیاست. در ادامه، به این دو بحث می‌پردازیم:



اردوی گفت و گو

- عنوان: زن در مهتاب
- نویسنده: مریم خطیبی
- ناشر: اوامتن
- چاپ اول، ۱۳۸۸، تهران، ۱۱۱ ص، ۲۵۰۰ تومان.
- تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۹۶۴۱۶۶ - ۲۱

این نوشتار گفت‌وگویی دوستانه پیرامون حجاب بین یک معلم و دانش‌آموزانش است.

نگارنده که خود معلم است و از فرهنگیان دل‌سوخته‌ی این مرز و بوم، سال‌های متعددی با سؤالات و شبهات دانش‌آموزان پیرامون مسائلی اعتقادی از جمله حجاب روبه‌رو بوده است. لذا کوشیده است اینها را با پرسش‌های مربوط به حجاب را به صورت یک مجموعه در قالب داستانی از یک اردوی دانش‌آموزی، گردآوری کند و پاسخ گوید وی در مقدمه‌ی کتاب، ضرورت طرح بحث حجاب را دغدغه‌ی دل‌سوزان، مصلحان اجتماعی و مؤمنان راستین بیان می‌کند و برخلاف معمول که بسیاری از افراد علت کم‌توجهی به آن را افسار گسیختگی جوانان می‌دانند، نسل خود، پدران و مادران، مربیان و مسئولان اجتماعی را مورد بازخواست قرار داده است: «شاید که ما الگوهای خوبی نبوده‌ایم، شاید ما در تعمیق باورهای اعتقادی خود و نسل جوانمان نکوشیده‌ایم...»

آنچه در این کتاب جلب توجه می‌کند این است که نویسنده خود را در میان دانش‌آموزان و از جنس ایشان تصور می‌کند و با بیان عبارات و جملات خاصی که بین آنان مبادله می‌شود، حال و هوایشان را در کلاس به خوبی ترسیم می‌کند.

علاوه بر این، مجموعه‌ی «زن در مهتاب»، بیانگر پاکی و صفای فطری قلب و روح جوانان و نوجوانان است که زمینه را برای پذیرش دلایل براهین منطقی مساعد می‌سازد و ارتباط عاطفی آنان با معلم تأثیر این دلایل را صد چندان می‌کند؛ به گونه‌ای که در طول داستان، فهردانان گاه و بی‌گاه به این نکته اذعان می‌کنند مطالعه‌ی این کتاب را به دبیران محترم برای پاسخ‌گویی به دانش‌آموزان و هم‌چنین به دانش‌آموزان گرامی به منظور افزایش اطلاعات و آگاهی‌هایشان درباره‌ی حجاب، توصیه می‌کنیم. امام علی (ع) فرمود: «هر کس از زبان چیزی آگاه نباشد، نمی‌تواند از آن جلوگیری کند و هر کس که از سود کار باخبر نباشد، نمی‌تواند به آن عمل کند» [غررالحکم/ ۲۹۵].

جغرافیا در تصویر

- عنوان: فرهنگ اصطلاحات جغرافی
- نویسنده: منصور ملک عباسی
- ناشر: محراب قلم
- چاپ اول، ۱۳۸۸، تهران، ۹۰۰۰ تومان.
- تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۹۰۸۷۹ - ۲۱

یکی از راه‌های آموزش جغرافیا و مفاهیم آن، بازدیدهای علمی و در صورت عدم اجرای این روش، مشاهده‌ی دقیق تصاویر جذاب و هدفمند است که به راحتی می‌تواند، مفهوم واژه‌ها و اصطلاحات جغرافیا را در ذهن بیننده، به‌ویژه دانش‌آموزان، تثبیت کند.

از این‌رو، نگارنده که خود از دبیران با سابقه‌ی رشته‌ی جغرافیا در دوره‌ی آموزش عمومی و مؤلف کتاب‌های درسی جغرافیای دوره‌های راهنمایی و متوسطه است، موفق شده است با جمع‌آوری حدود ۵۰۰ واژه و اصطلاح موجود در کتب درسی جغرافیای دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و ارائه‌ی تعریفی روان و ساده برای هر کدام، با گزینش تصاویری هدفمند و گویا، مجموعه‌ی علمی و جذابی را عرضه دارد.

به علاوه، بررسی بیش از ۳۰۰ مجله، کتاب جغرافیایی و دایرة‌المعارف، با عکاسی‌های متنوع از نقاط گوناگون کشور توسط نگارنده، فرهنگ تصویری زیبایی را فراهم آورده است. نظرات و پیشنهادات دبیران محترم و دانش‌آموزان عزیز در این مورد را پذیرا هستیم.

ثبت لحظه

طیبه رحیمی



مساوت چه برای افراد داخل کادر و چه برای عکاس، نکته‌ی دیگری است که به پویایی کادر کمک می‌کند. همان‌طور که می‌بینید، این نکات بسیار ساده‌اند، اما توجه و بهره‌گیری از همین نکات، نتیجه‌ی کار را به شکل ملموسی بهبود می‌بخشد.

امنواریم در این عرضه، روبه‌رو شکوفاتر و موفق‌تر باشند.

افراد داخل کادر لحظه‌بند، شاداب باشند و به دوربین نگاه کنند. این حالت متعادل و مناسبی است.

مرحله‌ی بعدی این است که تحرک کادر خود را افزایش دهید، مثلاً یکی دو قدم به راست یا چپ بروید و بگویید افراد به شما نگاه کنند...

به منظور تحرک کادر از آرایش پنکاتی هم می‌توانید بهره بگیرید، ارتفاع

دوستان عزیز، از این که مطالب ما را تا به این جا دنبال کرده‌اید، سپاس گزاریم. در این شماره، به عنوان مطلب نهایی، قصد داریم نکاتی را درباره‌ی عکس‌های دسته‌جمعی یادآور شویم. پیش از پرداختن به این موضوع، عنوان‌ها و موضوعات قبلی را یادآوری می‌کنیم.

در مطالب شماره‌ی یک تا شش، نکاتی کلیدی را جمع به یک عکس قابل قبول بیان کردیم. تیرها را در نظر بگیرید: افق صاف؛ توجه به نور محیط؛ دقت به زاویه‌ی نور؛ نورپردازی با پنجره؛ جرحش به دور موضوع؛ فاصله گرفتن و نزدیک شدن؛ قرار دادن موضوع در نقاط متعادل کادر (مرکز، نقاط طلایی)؛ کادربندی صحیح، هنگامی که موضوعات در دو قالب یا بیشتر باشند؛ دقت به نوشته‌ها و شاخ و برگ و اشیای پس‌زمینه.

در مطلب شماره‌ی ۷، چند نکته‌ی مهم را تکرار کردیم. اگر کل مطالب را تا به این جا خوانده و هنگام عکاسی بی‌به آن‌ها توجه کرده‌اید، نکات گاه‌به‌گاه و در نظر داشتن همه‌ی نکات گاه‌به‌گاه تیرهایی را که در بالا به اختصار آورده‌ایم مطالعه کنید. حال به مطلب خاص این شماره می‌پردازیم.

عکاسی از جمع خانواده، دوستان و عکاسی از اشخاص و اماکنی که خاطره برانگیزند، عام‌ترین نگاه به عکاسی است و برای همه‌ی ما آشناست. تا به‌حال سعی کرده‌ایم دید شما را در عکاسی تقویت کنیم تا در مواجهه با لحظاتی که میل به عکس گرفتن و ثبت آن در شما پدید آمده است، موفق‌تر از قبل باشید. در عکس‌های یادگاری، عکس گرفتن زیاد، حق انتخاب شما را بالا می‌برد. در نظر داشته باشید،

با تشکر از همکارانی که به سوالات مطرح شده در شماره‌های قبلی مجله‌ی رشد آموزش ریاضی راهنمایی تحصیلی پاسخ داده‌اند، به اطلاع می‌رساند که پاسخ‌های دوستان، در اختیار کارشناس مربوطه قرار گرفته است. پس از بررسی اسامی کسانی که جامع‌ترین پاسخ را ارائه داده‌اند در مجله چاپ می‌شود و دفتر آموزش و پرورش راهنمایی تحصیلی، از آنان تقدیر می‌کند. پرسش شماره ۷ خدمت شما خوانان اراده می‌شود.

۱. معلم در آموزش مهارت زندگی به دانش‌آموزان، با چه مشکلاتی روبه‌روست. انتظار شما از آموزش و پرورش در این خصوص چیست؟ چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟
۲. با توجه به اهداف آموزش که شامل اهداف شناختی (دانشی)، مهارتی و نگرشی) است، بنظر شما معلم چگونه می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای فراگیرندگان تاثیرگذار باشد؟
۳. نقش تربیتی معلمان چیست؟

پرسش مسؤلان، پاسخ شما



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + **رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- + **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- + **رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- + **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- + **رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های عمومی بزرگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + **رشد آموزش ابتدایی** - **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی** - **رشد تکنولوژی آموزشی** - **رشد مدرسه فردا** - **رشد مدیریت مدرسه** - **رشد معلم**

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) + **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی) + **رشد آموزش قرآن** + **رشد آموزش معارف اسلامی** + **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** + **رشد آموزش هنر** + **رشد مشاور مدرسه** + **رشد آموزش تربیت بدنی** + **رشد آموزش علوم اجتماعی** + **رشد آموزش تاریخ** + **رشد آموزش جغرافیا** + **رشد آموزش زبان** + **رشد آموزش ریاضی** + **رشد آموزش فیزیک** + **رشد آموزش شیمی** + **رشد آموزش زیست‌شناسی** + **رشد آموزش زمین‌شناسی** + **رشد آموزش فنس و حرفه‌ای** + **رشد آموزش پیش‌دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان هر اکر تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

- + نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

+ شماره: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

+ تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹

+ E-mail: info@roshdmag.ir + www.roshdmag.ir

دوستان عزیز، اسامی که در زیر آمده است، مطالبشان را در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ دریافت کرده‌ایم. این مطالب در دست بررسی و کارشناسی هستند که در صورت تأیید در نوبت چاپ قرار می‌گیرند. امیدواریم این ارتباط روز به روز بیش‌تر و عمیق‌تر شود. مشتاقانه منتظر مطالب شما عزیزان هستیم.

نامه‌های رسیده

سید حسین موسوی، دکتر مهین‌ناز میردهقان، مهرداد بلوک اصلی، فرزانه شهرناش، فاطمه فلسفی، فاطمه صبری، علی مهرپویا، عبدالله زرنوشه فراهانی، رقیه نعمتی، محمدرضا شهبازی، فرح حاجی‌پور چرندابی، غلامرضا محمدی، معصومه رحمانی مسعود، معصومه فیاض منفرد، رقیه خمسه، طیبه جمشیدی، معصومه فرهنگند مقدم، زهرا امینی مباشر، مرتضی قربانی، علی تنگستانی، جمیله بی‌نیاز، روح‌الله قیاضی، مهدی حسن‌پور فروشانی، صفرا پارسا، یوسف رسولی، خدیجه حداد عراقی، آذر یوسفی، ریحانه حصارزاده، عصمت یگانه دوست، شهین کارور، عالمه شکری مرزنگو، اصغر نورمحمدی، حکیمه یویان، سهیلا نیک‌نژاد، عطیه کریمی، اسرافیل نصیری، فاطمه یزدانفر، محمدرضا شهبازی، معصومه شهبواری، جعفر صادق طالبی، تیمور رضایی، مژده فردعباسی، افشین اسدزاده، هادی طرلاتی، فریبا صفایی، سهیلا نیک‌نژاد، محمد عسکری، صدیقه حرزاده، حجت کجانی حصار، اقبال عبدی، معصومه لایموت.



برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ای درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

+ نام مجله‌های درخواستی:

.....

.....

+ نام و نام خانوادگی:

.....

+ تاریخ تولد:

.....

+ میزان تحصیلات:

.....

+ تلفن:

.....

+ نشانی کامل پستی:

.....

استان:

شهرستان:

.....

.....

کد پستی:

+ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید.

امضا:

.....

• شماره امور مشترکین: ۷۷۲۳۶۶۵۵-۷۷۲۳۶۶۵۶-۰۲۱

• صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• پیام گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- + هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- + مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.



عکاس: طیبه رحیمی

نیکو منفرد

تفسیر من از من

شما در رویارویی با این مسئله چه می‌کنید؟ چرا؟

من: گفتیم که داشتن گوشی همراه در مدرسه ممنوع است. به نظر من باید از همین سنین قاطعانه و به شدت با قانون شکنی برخورد کرد.

من: به‌عنوان یک مادر حتماً می‌خواهم فرزندم گوشی همراه داشته باشد تا در این زمانه‌ی پرخطر، بهتر بتوانم مراقب او باشم. من: ما دانش‌آموزان از دست خانواده و مدرسه که مدام دستورات برعکس هم می‌دهند، دیوانه شده‌ایم. آن‌ها می‌گویند گوشی بیز، این‌ها می‌گویند گوش نیاور.

من: به‌عنوان معلم، اعتقاد دارم باید فرهنگ استفاده از هر پدیده‌ی تازه را آموخت. حذف آن‌ها غیرممکن است و چاره‌ی کار نیست.

با انتخاب یکی از گزینه‌ها و یا طرح پاسخ خود با ذکر دلیل، نظر تان را به دفتر مجله ارسال کنید.

فراخوان ششمین جشنواره‌ی عکس رشد

♦ مهلت ارسال آثار

۳۱ تیرماه ۱۳۸۹
داوری: مرداد ۱۳۸۹
برگزاری نمایشگاه و
اعلام برگزیدگان:
دهم‌ی اول مهرماه ۱۳۸۹

♦ موضوع

گرایش آموزش و پرورش
(مدرسه، معلمان،
دانش آموزان، ساعت ورزش،
کلاس، اردو، نمازخانه،
کتابخانه، بابای مدرسه، آغاز
سال تحصیلی، زنگ تفریح و ...)
گرایش ایران، سرزمین پرگهر
(بازی‌های محلی، آرامگاه
مفاخر، کار، راهپیمایی‌ها،
جشن‌ها، عزاداری‌ها و ...)

♦ بخش چینی

در بخش دانش‌آموزی
(۱۳ تا ۱۸ ساله) با موضوع
آزاد برگزار خواهد شد.

♦ امتیازها

♦ عکس‌های برگزیده به صورت
نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار
خواهد گرفت. ♦ به ازای هر یک
از آثاری که به نمایشگاه راه یابد، مبلغ
۳۰۰/۰۰۰ ریال به صاحب اثر پرداخت
خواهد شد. ♦ برای عکاسانی
که آثارشان به نمایشگاه راه یابد، گواهی
شرکت در نمایشگاه صادر می‌شود.

♦ جوایز

♦ نفر اول: تندیس جشنواره،
دیپلم افتخار و ۵ سکه بهار آزادی
نفر دوم: لوح تقدیر و ۴ سکه بهار آزادی
نفر سوم: لوح تقدیر و ۲ سکه بهار آزادی

♦ مقررات

♦ شرکت تمامی عکاسان در این جشنواره آزاد است.
♦ هر عکاس می‌تواند حداکثر ۱۰ عکس در هر گرایش ارسال کند.
♦ تمامی عکس‌ها می‌باید به صورت چاپ دیجیتال یا آنالوگ
باشد. (پرینت با کیفیت مطلوب نیز پذیرفته می‌شود).
♦ تمامی عکس‌ها اعم از دیجیتال و آنالوگ باید به همراه سی دی محتوی
عکس‌های ارسالی با فرمت tif یا jpeg و dpi حداقل ۳۰۰ ارسال شود.
♦ ابعاد و اندازه‌ی عکس‌های ارسالی حداقل با عرض
۲۰ سانتی‌متر و طول آن حداکثر ۴۵ سانتی‌متر باشد.
♦ عکس‌ها نباید قصاب یا پاسپورتنو شده باشد.
♦ ارسال اثر توسط عکاسان به منزله‌ی قبول مالکیت اثر و اصالت آن
تلقی می‌شود و هیچ‌گونه مسئولیتی به عهده‌ی دبیرخانه نخواهد بود.

♦ به آثاری که پس از مهلت مقرر به دبیرخانه
جشنواره ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
♦ آثاری که به نمایشگاه راه نیابد، (حداکثر ۲ تا
پس از برگزاری نمایشگاه) عودت داده می‌شوند.
♦ دبیرخانه ضمن به کار بردن نهایت کوشش خود برای
حفظ آثار، هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال آسیب‌های
ناشی از ارسال نامطلوب یا مشکلات پستی نمی‌پذیرد.
♦ عکاس باید برچسب مربوط را تکمیل کند و پشت هر عکس بچسباند.
♦ ارسال عکس برای این جشنواره، به منزله‌ی قبول شرایط و مقررات آن است.
♦ تصمیم‌گیری در مورد مسائل پیش‌بینی نشده، به عهده‌ی برگزارکننده است.
♦ از عکس‌های راه‌یافته به جشنواره در تولیدات دفتر استفاده خواهد شد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



عکس رشد